



کارگران جهان متحد شوید



اول ماه مه (1 اردیبهشت)

روز جهانی کارگر

گرامی باد

خجسته باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

“ما از حق ایجاد تشکلهای مستقل و دیگر خواستههای کارگران ایران دفاع می کنیم”
ما همراه و دوشادوش همه نیروهای چپ در سراسر جهان، روز اول ماه مه را به همه کوشندگان راه صلح، آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم تیریک می گوئیم. ما از فراخوان سراسری تشکل ها و نهادهای ایرانی، که همگام با جنبش کارگری میهنمان راهپیمائی می زنند، پشتیبانی می کنیم و هم میهنان مان را به شرکت در این تجمعات در بزرگداشت هر چه با شکوه تر روز کارگر و اعلام همبستگی با کارگران کشورمان فرا می خوانیم.

اطلاعیه پیرامون برگزاری کنگره دوازدهم سازمان فدائیا (اکثریت)

دوازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) 2 5 اردیبهشت 1390

25 آوریل (2011) با شرکت اعضای سازمان و حضور نمایندگان تعدادی از احزاب و سازمان های سیاسی اپوزیسیون و میهمانان دعوت شده در شهر کلن آلمان برگزار گردید. کنگره توسط هیئت رئیسه سنی افتتاح و با تأیید اعتبارنامه اعضای شرکت کننده و انتخاب هیئت رئیسه، کار خود را آغاز کرد.

کنگره بعد از رسمیت یافتن به بررسی گزارش ارگان های منتخب کنگره یازدهم و کمیسیون منتخب شورای مرکزی برای تدوین اسناد پایه ای پرداخت. بعد از پاسخ دادن مسئولین به سئوالات مطروحه، اعضای کنگره در مورد عملکرد ارگانها به اظهار نظر پرداختند. بدنبال آن بررسی چهار سند زیر در دستور کار کنگره قرار گرفت:

- 1- سیما، ارزش ها و نگاه سازمان
- 2- تدقیق و تکمیل اساسنامه سازمان

- 3- راستاهای سیاست های سازمان در دوره آتی
 - 4- وظائف و اولویت های سازمان در دوره آتی
- کنگره در روز اول بعد از بررسی اولیه اسناد دریافتی و تعیین سند مبنا، چهار کمیسیون تشکیل داد تا اسناد و پیشنهادهای نمایندگان کنگره را مورد رسیدگی قرار دهند.

شده از جانب کمیسیون ها در روزهای بعد به بحث و بررسی کنگره گذاشته شد.
سیاست ها و وظائف سازمان در دوره آتی به تصویب کنگره رسید و سند “سیما، ارزش ها و ” رای تمایل کنگره را اخذ کرد.



موضوع وحدت سه سازمان در دستور کنگره قرار داشت. در این زمینه دو قرار در اختیار کنگره قرار گرفته بود که قرار شورای مرکزی بعد از بحث و گفتگو به تصویب رسید.

در طی چهار روز، آئین نامه کنگره و قرارهای ارائه شده نیز مورد رسیدگی قرار گرفت و در مورد هر یک از آن ها تصمیمات مقتضی اتخاذ گردید. کنگره در روز چهارم اعضای شورای مرکزی، کمیسیون رشد و کمیسیون تدارک کنگره آتی را انتخاب کرد. حجم کار کنگره دوازدهم سنگین بود ولی کنگره موفق شد به تمام موضوعات در دستور کار خود بپردازد و سازمان را به اسناد پایه ای مجهز نماید و وظائف و راستاهای سیاست سازمان در دوره آتی را مشخص کند.

گزارش تفصیلی کنگره، اسناد، قرارها و پیامها در روزهای آتی منتشر خواهد شد.
دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

9 اردیبهشت 1390 (29 آوریل 2011)

تا بر آمدی دیگر...!!!

رفقا! بیش از سه سال از انتشار نشریه “کار داخل کشور” در این مدت با بیست شماره همراه شما بودیم. آن روز که شروع کردیم، خیلی ها بر این باور بودند که این شراره هم پس از یکی دو شماره به خاموشی می گذارد. شاید آن روزها برای خردمان نیز قابل تصور نبود که فعالیت مان به این درازا دوام یابد.
خوردن زیاد بود و هنوز هم هست. برای گریز از دام پلیس امنیتی سعی کردیم دایره ارتباطات را محدود و بجای ارتباط حضوری، از ارتباطات مجازی استفاده نماییم. نشان دادیم که در این شرایط هم می توان کار سیاسی کرد. البته با محدودیت های خاص خودش.
در این سالها دوستانی بسیاری را حول نام “کار داخل کشور” جمع کردیم، رفقای که نه چهره شان را دیده ایم و نه نامشان را می دانیم. ارتباط با هر یک از آنها، هر چند در دنیای مجازی، مشوق ما در مبارزه و برای ادامه راهی بود که آگاهانه برگزیده بودیم.
امروز جمع کوچک ما به این قرار رسیده که انتشار نشریه را متوقف کند. شاید ما مجاز نبودیم خودسرانه و بدون مراجعه به خوانندگان نشریه، به کسانی که نشریه را تکثیر و پخش می کنند، و یا از طریق امیل برای کسان دیگری ارسال می کنند، و مهم تر از همه رفقای که برایمان مطلب می فرستند، آلهایی که پس از انتشار هر شماره، می پرسند: “برای شماره بعدی چه مطلبی را باید بنویسند؟” چنین تصمیمی را اتخاذ می نمودیم. ما بخشی از دلایلی که ما را به این قرار رسانید بیان می کنیم، و انتظار داریم نقد و نظر دوستان را بشنویم. اگر آنها نظر و استدلال آنها متفاوت باشد، شاید تصمیم متفاوتی بگیریم. ولی قبل از پرداختن به دلایل توقف انتشار نشریه، مایلیم توضیحاتی را پیرامون دلایل انتشار آن و مسائلی که در این سه سال و اندی بر ما گذشته است بیان کنیم.

چرا آمدیم و چه می خواستیم

همانگونه که در سرمقاله شماره نخست و گذشت یک سال از انتشار نشریه نوشتیم، ما معتقد بودیم و هستیم، جنبش چپ کشورمان و خصوصاً سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، که ما خود را منتسب بدان میدانیم، از فقدان ارگان مطبوعاتی برای ارتباط با مخاطبان خویش محروم است. در شرایط حاکم بر جامعه ما وجود نشریه سراسری می تواند ابزاری برای تغذیه

در این شماره :

4	آخرین ماه پاییز، یادآور جنایتی هولناک
صفحه 8	جمهوری اسلامی و معضلات اجتماعی
9	
14	
15	21
16	در دفاع از سوسیالیسم (25) هدفمند کردن یارانه
صفحه 21	از میان رویدادهای ایران و جهان



Kar-dakhel@yahoo.com
Kar.dakhel@gamil.com

آدرس سایت کار داخل : www.kardakhel.com

زحمات این رفقا، متأسفانه کیفیت سایت در حد ایده آلی نبود.

به رغم اینکه از همان ابتدا گفتیم بدنبال ارتباط گیری نیستیم، کمک مالی نمی خواهیم و آلترناتیو کسی هم نمی باشیم، متأسفانه ما با چنان رفتار کردند که انگار نه رفیق و هم‌رمز آنان، بلکه دشمن و رقیب آنهایم. نخواستند و نگذاشتند که سایت هایشان و سایت های همسوی شان خبر انتشار نشریه را اعلام و مطالب آن را درج کنند. بایکوت مان کردند. سازمان ما، واقعه را به سکوتی معنی دار و البته قابل درک برگزار کرد، دیگر جریان‌های فدایی هم بخاطر وجود نام "کار" بر بالای نشریه رفتاری مشابه داشتند. اما تعجب ما بیشتر از کسانی است که وجه اشتراکی با نام "فدایی" "کار" . شاید آنها در دیپلماسی ناتوانسته ای نخواستند پای در حریم سازمان ما دراز کنند و یا به همدیگر نان قرض می دهند. شاید هم دلیل تعلق خاطر ما به اکثریت هنوز نتوانسته اند ما را آنگونه که هستیم، باورمان کنند.

نخست گفتند کار، کار توده ای هاست. سپس به فراکسیون کمونیستی منتسب مان کردند. جایگزینی داریم. وقتی از این همه طرفی نبستند به شانناژ و تهمت روی آوردند. شایعه کردند که کار "چرا دستگیرشان نمی کنند؟" یا "چگونه اینها کاری را می کنند که دیگر سازمان های چپ و اپوزیسیون نتوانسته اند؟" البته بهتر است که می گفتند: نمی خواهند بکنند نه اینکه نمی توانند. بالاخره هر کار سیاسی در ایران هزینه ای دارد و ما با علم بر این واقعیت پای در چنین راهی گذاشتیم. تعدادی از آنها که ما رفقای خود بشمارشان می آوریم از ارسال مطالب و همکاری با ما

این تنها روی سکه و همه وقایع به این تلخی هم نبود. در این مدت رفقای زیادی با ما همکاری نمودند، برایمان مطلب و طرح می فرستادند. نشریه را تکثیر و پخش می کردند، نشریه را در سایت ها و وبلاگ های شخصی شان می گذاشتند. از آن جمله سایت های " " " یاران ما" که خبر انتشار تمامی شماره های نشریه را به خوانندگان شان اعلام و مطالب نشریه را ارائه کردند. بعضی از این سایت ها مانند سایت " " " پیک ایران"، گاه گذاری به درج مطالب و خبر انتشار نشریه دست می زدند. همچنین نشریه "کار داخل کشور" را می توان در وبلاگ های زیادی دید. ارسال ایمیل و گذاشتن کامنت از انتشار نشریه ابزار خوشحالی و سرور می نمودند. از اینکه بدون مراجعه به این رفقا نشریه را تعطیل می کنیم، و از اینکه اقدام ما شاید موجب یأس و سرخوردگی رفقای بشود که پس از مدتها به انتشار همین بسنده کرده بودند بشود، خود را مقصر می دانیم.

دلایل توقف انتشار نشریه

اتحاد بین سه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اتحاد فدائیان خلق ایران و شورای موقت سوسیالیست ها در دستور کار دوازدهمین کنگره سازمان ما قرار داشت. پلانفرمی نیز در کنگره به تصویب رسید که به ادعای آقایان نویدی و اعظمی حاصل چهار سال کار مشترک بین آنها بود. آستانه اتحاد موعود، دست اندرکاران نشریه به این تصمیم رسیدند که مسئولیت انتشار نشریه را به شورای مرکزی سازمان واگذار کنند. ما امیدواریم رهبری سازمان پس از سال ها فعال در کار رسانه ای، این بار راه خود بر دوش کشد و به انتشار مجدد ارگان سراسری سازمان مبادرت ورزد، تا ما نیز به همراه طیف های دیگر سازمان بتوانیم از این امکان استفاده نماییم. البته امیدواریم، محدودیت های موجود در سایت "کار آنلاین" برای نیروهای رادیکال سازمان در نشریه ای که احتمالاً منتشر خواهد شد، همچنین ادعای می کنیم که انتشار نشریه با وسواسی که در انتخاب و کیفیت مطالب و تحلیل های ارائه شده داشتیم، برای جمع کوچک ما کاری بس سنگین بود. امری که در اتخاذ چنین تصمیمی بی تأثیر نبود. با این همه اگر شرایط مورد نظر ما، حداقل طور نسبی فراهم نشود، تجدید نظر در تصمیم خود را محتمل می دانیم. تصمیمی که امیدواریم مجبور به اتخاذ آن نشویم. ما کاری را که می خواستیم انجام دادیم و ادامه کار بدین صورت مطلوب نبود، ولی اگر نخواهند نشریه سراسری را راه بیندازند، اگر به انحصارگری در سایت و نشریه ادامه دهند، اگر فضا را برای کمونیست ها و نیروهای رادیکال سازمان همچنان تنگ کنند. مجدداً باز خواهیم گشت البته در شکلی متفاوت و با کاربست شیوه های دیگر.

20 شماره از نشریه و 300 صفحه مطلب، نشریه "کار داخل کشور" بخشی از اهداف خود که نام بردیم، دست یافته است. جو یأس و ناامیدی را شکستیم، و نشان دادیم که برای فعالیت سیاسی و کار جمعی تا ابد نمی توان به انتظار رهبرانی نشست که تصویری واقعی از شرایط داخل کشور ندارند. رفقا؛ برای کمونیست ها و فعالین چپ و آزادیخواه هزینه دادن امری عادی در طول یک صد سال فعالیت شان بوده است. از روزی که فرقه اجتماعیون و عامیون یا به عرصه مبارزه گذاشت ما شاهد سرکوب های غیر انسانی و مقاومت حماسی کمونیست های کشورمان بوده ایم. دوران جمهوری اسلامی هم خارج از این قاعده نیست. اگر پیگردها و سرکوب پیچیده تر شد، در مقابل امکانات گریز از تورهای امنیتی نیز گسترده تر و بیشتر شده است. برای کمونیست ها هیچ دلیلی برای فرار از مسئولیت اجتماعی وجود ندارد. حوادث دو سال گذشته نیز بخوبی نشان داد که چنین باورهایی تا چه اندازه از واقعیت ها به دور هستند. ما بعنوان بخشی از انقلابیون و دمکرات های چپ ست مبارزه را پاس داشتیم و معتقدیم این راهی است که هم زاد ماست. اینبار اگر نه با انتشار نشریه، مطمئناً در کارزاری دیگر ما را همراه خود خواهید دید.

با امید به پیروزی کارگران و زحمتکشان

فکری هواداران نامنسجم باشد، در سازماندهی مبارزات رو به تعمیق اجتماعی ایفای نقش بنماید، و پاسخ گویی به بخشی از نیازها و پرسش های جنبش دمکراتیک کشورمان را برعهده بگیرد. در نبود چنین ارگانی، ما بر آن شدیم که با انتشار "کار داخل کشور" بخشی از این نقیصه را جبران کنیم، در حد توان و از چشم یک فدایی داخل کشور و بدون واسطه به تحلیل مسائل جنبش بهرذرم، نیازهای تئوریک و سیاسی رفقای خود را بخصوص در داخل کشور، طرح و در حد امکان پاسخ دهیم.

گرایی و پیوند طیف های مختلف چپ در کشورمان باشیم و امکانی را برای دیدگاههای ممیزی شده فراهم سازیم.

هر چند که وجود سایت های اینترنتی توانسته است بخشی از نقیصه را برطرف سازد، اما بدایلی که برشمردیم، در کشور ما ارتباط مجازی نمی تواند، جایگزینی مطلوب و برابر برای ارتباط مکتوب باشد. چرا که اکثریت مردم و بخصوص توده های کار و زحمت، و روشنفکران کم بضاعت، که مخاطبان اصلی ما بشمار می آیند، محدودیت های زیادی در استفاده از کامپیوتر و اینترنت دارند و یا نمی توانند از آن استفاده کنند. فیلترینگ گسترده سایت ها از دیگر محدودیت های دنیای مجازی برای کاربران مورد نظر ماست. ضمن آنکه تمرکز خواننده بر نوشته مکتوب بیشتر از نوشته کامپیوتری بوده و نشریات مکتوب کاربردی تر از سایت های اینترنتی هستند. به عبارتی دیگر سایت ها و نشریات اینترنتی تنها به نیاز بخشی از جامعه جواب می دهند، که سهم کارگران و زحمتکشان در میان کمتر از اقشار میانی و متول جامعه است.

چه کردیم

انتشار نشریه "کار داخل کشور" در تلفیق روش های سنتی با امکانات اینترنتی، طبیعتاً پی آمدها و تأثیراتی نیز به همراه داشت. می دانیم که کار ما عاری از نقیصه نبود. در این مدت انتقادات به ما از طرف خوانندگان نشریه بعمل آمد، انتقاداتی که اساساً برای بهبود کیفیت نشریه بود. البته پاره ای از دوستان نیز متأسفانه در پاره ای موارد، انتقادات ریفقانه رنگ و بوی عداوت به خود می گرفت. این همه غیر منصفانه خواهد بود، اگر تأثیرات آن را نادیده بگیریم.

در این مدت توانستیم تعدادی را به عرصه مطبوعات "زیرزمینی" بکشانیم. با تلفیق کار مخفی و امکانات علنی، تجربه ای بدیع از فعالیت سیاسی در شرایط مخفی ارائه کردیم و نشان دادیم که در شرایط سخت و تحت پیگردهای امنیتی هم می توان کار سیاسی و مطبوعاتی کرد. و بار دیگر نشان دادیم، در صورت استفاده منطقی از امکانات علنی برای پوشش دادن به کارهای مخفی یقیناً بازدهی و ضریب امنیتی کار بیشتر خواهد شد. هرچند احتمال خطا و ضربه پلیس بطور کامل از بین نماند، اما انتشار نشریه بار دیگر بارقه های امید در دل هواداران و دوستداران سازمان و جنبش فدایی بارور شد، امید بر اینکه ما هنوز هستیم، بار دیگر شکوفه داد. در شرایطی که یأس و سرخوردگی و روحیه تسلیم طلبی بر سازمان ما مستولی شده، نشان دادیم که فدائیان اکثریت چهره دیگری نیز دارند که زیر پوست نمایان آن در تکاپوست.

حاصل کار مشترک ما و یاران نشریه، در صدها نسخه مکتوب و اینترنتی، در اقصی نقاط کشورمان و در ورای مرزهای میهنمان، بدست خوانندگان می رسید. دهها محفل حول سیاست های نشریه شکل گرفته، محافلی که به بهانه نشریه و حول مسائل تئوریک و سیاسی گرد هم می آیند. اگر از این منظر بنگریم، "کار داخل کشور" نشریه ای سازمانگر بوده است که توانست هواداران سازمان را حول مسایل سیاسی و تئوریک مشخصی جمع نمود.

کار داخل کشور تنها صدایی از صدهای چپ بود. هرچند اکثریتی بودیم ولی نشریه ما تریبونی شد برای انعکاس صدای تمامی چپ ها، خصوصاً برای فعالین چپ داخل کشور، برای بیان مبارزات طبقاتی کارگران و زحمتکشان، و خواست های دمکراتیک زنان و دانشجویان، فعالین ملیت ها، و انقلابیون آزادیخواه. بودیم که چپ را نه آرمانی بر فراز اعتراضات اجتماعی، بلکه نیرویی با خواست های اجتماعی معرفی کنیم. برای اتحاد چپ تلاش ورزیم و با انحرافات حاکم بر جنبش چپ مبارزه نماییم. کمک به ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران، افزایش دانش اجتماعی توده های مردم و مشارکت در آموزش هواداران سازمان و نیروهای چپ و رشد تئوریک و سیاسی آنان از دغدغه های ما در این مدت بود، امری که در سازمان ما مدتهاست که به بوته فراموشی سپرده شده است. هر چند سعی کردیم آلترناتیو کسی نباشیم، اما اکثر جریان‌های فدائی بعنوان آلترناتیو خود به ما نگریستند، نه بعنوان هم رزم و هم راه.

با ارائه تحلیلی های از وضعیت اجتماعی کشورمان، تلاش کردیم مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مسائل و مشکلات کارگران و حقوق بگیران، زنان و دانشجویان و فعالین حقوق ملیت ها را از منظر فعالین چپ داخل کشور منعکس کنیم. وسواس و تعهد ما در پرهیز از ایجاد ارتباط مستقیم، عملاً ارتباطات ما با مخاطبان مان را یک طرفه کرده بود. نقیصه ای که ما را از نعمت نقد و راهنمایی مخاطبان محروم ساخت. این مدت سعی در ایجاد ارتباطی متقابل بجای ارتباط یکطرفه و متناسب با شرایط داشتیم، در این راستا تعدادی از دوستان بواسطه ایمیل ما را باری گر بودند. اما کیست که نداند فرق این دو از زمین تا آسمان است. هر چند که مسائل جامعه اصلی ترین مشغله فکری ما بشمار می رفت، موضوعی در تمامی سرمقاله ها و اکثر صفحات نشریه قابل تشخیص است، یکی از ضعف های دیگر ما در نپرداختن به مشکلات موردی و ریز ضعیفی که بدلیل فاصله دو ماهه انتشار نشریه ناگزیر از آن بودیم. چرا که موقعی که می خواستیم بدان بپردازیم زمانی بر آن گذشته و موضوعیت خود را از دست داده بود. با این همه انتظار خوانندگان انتظاری منطقی و غیر قابل کتمان بود.

در ابتدا وعده بودیم که اشتراک اینترنتی راه می اندازیم، متأسفانه به دلیل رعایت مسائل امنیتی نتوانستیم در این رابطه فعالیت چشمگیری داشته باشیم. نداشتن سایت اینترنتی هم به مشکلات دیگرمان اضافه می کردید، البته در این اواخر دوستداران نشریه سایتی را راه اندازی کرده بودند که ضمن تشکر از

گزارشی از کنگره دوازدهم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) 2 5 اردیبهشت 1390 (22 25 آوریل 2011) با شرکت اعضای سازمان و حضور نمایندگان تعدادی از احزاب و سازمان های سیاسی اپوزیسیون و میهمانان دعوت شده در شهر کلن آلمان برگزار گردید. کنگره با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام و یاد رفقا و عزیزانی که در فاصله دو کنگره از میان ما رفته اند و نیز عموم جانباختگان جنبش اعتراضی مردم آغاز به کار نمود. موضوعات زیر در دستور کار کنگره بودند:

- 1- بررسی عملکرد ارگانهای مرکزی سازمان در فاصله دو کنگره
 - 2- بررسی طرح سند "سیماء، ارزش ها و نگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)"
 - 3- بررسی طرح تکمیلی اساسنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 - 4- بررسی طرح سند سیاسی "سیاستهای ما در دوره آتی فعالیت ما"
 - 5- بررسی طرح سند "وظایف اصلی و اولویتهای ما در دوره آتی فعالیت سازمان"
 - 6- انتخاب ارگانهای مرکزی
- مباحث و مذاکرات کنگره به مانند چند کنگره پیشین، از طریق اینترنت قابل پیگیری بودند که تعداد زیادی از دوستداران سازمان از این طریق در جریان مباحث کنگره قرار گرفتند.

کنگره توسط هیئت رییس شورای مرکزی و با اعلام یک دقیقه سکوت به احترام و یاد رفقا و اعضای از دست رفته خانواده های فدایی در فاصله دو کنگره و جانباختگان جنبش دموکراتیک مردم ایران کار خود را آغاز کرد. سپس هیئت رییس سنی و موقت کنگره برای انجام امور اولیه و تدارک انتخاب هیئت رییس دایم کنگره به جایگاه هیئت رییس سنی فراخوانده شدند. گزارش مسئول تشکیلات در مورد حضور اکثریت اعضای تشکیلات در کنگره به اطلاع اعضای کنگره رسید. با تأیید اعتبارنامه اعضای شرکت کننده و انتخاب هیئت رییس دایم کنگره کار هیئت رییس سنی به پایان رسید و کار هدایت کنگره به هیئت رییس منتخب و دایم کنگره واگذار گردید. کنگره پس از رسمیت یافتن، به بررسی گزارش ارگان های منتخب کنگره یازدهم و کمیسیون منتخب شورای مرکزی برای تدوین اسناد پایه ای پرداخت. بعد از پاسخ دادن مسئولین به سئوالات مطروحه، اعضای کنگره در مورد عمل کرد ارگانها به اظهار نظر پرداختند. بررسی چهار سند زیر در دستور کار کنگره قرار گرفت:

- 1- سیماء، ارزش ها و نگاه سازمان
- 2- تدقیق و تکمیل اساسنامه سازمان
- 3- راستاهای سیاست های سازمان در دوره آتی
- 4- وظائف و اولویت های سازمان در دوره آتی

پس از آغاز کار هیئت رییس دایم کنگره، ابتدا رفیق بهروز خلیق، مسئول هیئت سیاسی - اجرایی، در مورد اسناد تهیه شده توسط کمیسیونهای منتخب شورای مرکزی و اسنادی که توسط "جمعی از هواداران سازمان" که برای طرح در کنگره ارسال شده بود، توضیحاتی را در اختیار کنگره قرار داد و به پرسشهای اعضای کنگره در این زمینه پاسخ داد.

دستور کار بعدی تصویب دستور کار پیشنهادی شورای مرکزی دوره یازدهم به کنگره بود که پس از تصویب دستور کار پیشنهادی بدون حذف و با اضافه ای بر آن، کنگره کار خود را با رسیدگی به عملکرد ارگانهای مرکزی آغاز کرد. اظهار نظر کنندگان ضمن قدرانی از کار انجام گرفته در فاصله دو کنگره، سئوالات و انتقاداتی را در مورد فعالیت دوساله ارگانهای مرکزی نیز مطرح بودند که مسئولین سازمانی ضمن پذیرش برخی از انتقادات و استقبال از طرح انتقادات و پیشنهادهای به این انتقادات و پرسشها پاسخ و در مورد آنها توضیح دادند. تعیین اسناد مینا اقدام بعدی کنگره بود.

پیشنهادهایی چه توسط شورای مرکزی و دیگران به کنگره ارائه شده بودند. در این چارچوب طرح "سیماء، ارزش ها و نگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" "سیاستهای ما در دوره آتی فعالیت ما" "وظایف اصلی و اولویتهای ما در دوره آتی فعالیت سازمان" به بحث و بررسی کنگره گذاشته شدند و پس از اظهار نظر موافق و مخالف هر سه سند بعنوان سند مینا پذیرفته شدند، تا جهت تدقیق و تکمیل در اختیار کمیسیونهای ذریبط قرار گیرند. با تعیین طرح اسناد مینا تشکیل کمیسیونهای کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و کنگره تشکیل سه کمیسیون برای تکمیل و تدقیق طرح اسناد پیش گفته و کمیونی برای ادامه رسیدگی به پیشنهادهای اساسنامه ای را به تصویب رساند. پس از آن کار جمع آوری اسامی داوطلبان عضویت در کمیسیونها آغاز شد که

تعداد زیادی بعنوان داوطلب عضویت در کمیسیونهای کنگره ثبت نام نمودند. پس از رأی گیری اعضا این کمیسیون ها توسط اعضا کنگره انتخاب شدند. پس از انتخاب کمیسیونها کار رسمی نخستین روز کار کنگره به پایان رسید

موضوع قابل توجه در روز نخست اینکه، دو سند از هشت سند پیشنهادی "جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)" "سوسیالیسم" در جریان تصمیم گیری در مورد اسناد مینا در جلسه کنگره مطرح شده بودند، بدلیل این که هیچ یک از دو طرح مدافعی حاضر در کنگره نداشتند، از دستور کار خارج شدند. پنج سند این رفقا نیز بدون اینکه در کنگره طرح شوند عملاً قبل از آمدن به کنگره حذف شده

کار کنگره در روز دوم، پس از سخنرانی های پیش از دستور، با رسیدگی به چندین قرار آغاز کرد. نخست قرار مربوط به طرح آیین نامه جدید برای کنگره های سازمان بود. این طرح توسط شورای مرکزی برای جایگزینی با آیین نامه کنونی کنگره تهیه و به کنگره ارائه شده بود. از گزارش و توضیحات مسئول کمیسیون مربوطه و اظهار نظر مخالفان و موافقان پیرامون کلیات طرح ارائه شده، طرح جهت تدقیق در اختیار کمیسیون قرار گرفت تا در نوبت دیگری در اختیار کنگره قرار گیرد.

رسیدگی به سه قرار در باره نامگذاری کنگره 12 که توسط اعضای کنگره پیشنهاد شده هر سه این قرارها پس از اظهار نظر موافق و مخالف، سرانجام با تصویب قرار مبنی بر حذف این قرارها از دستور کار کنگره، از دستور حذف شدند.

کنگره با استماع پیام شماری از نمایندگان احزاب و سازمانهای نامبرده تداوم یافت. آقای یوسف بنی طرف، فعال نامدار جنبش مدنی مردم عرب ایران، که بعنوان میهمان در کنگره حضور داشت، با ارائه گزارش از سرکوب اعتراضات مردم عرب خوزستان خواهان محکوم کردن این سرکوبها و حمایت احزاب سیاسی و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) طلبانه مردم عرب خوزستان گردید.

"سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران" و حدود پیشرفت قرار کنگره یازدهم سازمان در این باره، به بحث گذاشته شد. در این قسمت ابتدا مسئول هیئت سیاسی اجرایی سازمان گزارشی در مورد روند وحدت این سه سازمان در فاصله دو کنگره داد و به سئوالات بسیاری که مطرح شدند، پاسخ داد. آنگاه مخالفان و موافقان وحدت سه سازمان دلایل مخالفت و موافقت خود را بیان کردند.

خود را با تصمیم گیری پیرامون دو طرح قطعنامه وحدت، که یکی توسط شورای مرکزی تهیه شده بود و دیگری توسط "جمعی از هواداران سازمان ..."

- گیری شد. نتیجه آرا به قرار زیر بود:
- | | | | |
|---|-------------------------|----|----------------------|
| - | 87 : | 13 | این طرح مخالف نداشت. |
| - | "جمعی از هواداران ...": | 3 | 13 |
| | | | 84 |

به این ترتیب طرح شورا با توافق 87 درصد آرا به عنوان نخستین مصوبه کنگره دوازدهم به تصویب رسید. با تصویب این طرح کنگره با به کار روز دوم خود خاتمه داد.

نکته جالب توجه در روز دوم آنکه طرح رفقای "جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)" که روز اول طرح های آنان بدلیل نداشتن مدافعی حاضر در کنگره از دستور کار خارج شده بودند، این بار علیرغم تداوم وضعیت توسط هیئت رییس به رأی گیری گذاشته شد.

سومین روز کار کنگره، پس از سخنرانی، سخنرانان پیش از دستور و قرائت پیام حزب توده ایران رسیدگی به موضوعات در دستور کار کنگره با تصمیم گیری روی طرح جدید آیین نامه کنگره ادامه یافت. کنگره پس از رسیدگی به پیشنهادها، طرح ارائه شده را با دادن رأی تمایل مورد تأیید قرار داد. به این ترتیب کنگره آتی بر مبنای این طرح تدارک خواهد شد، در عین حال کنگره لزوم اعمال تغییراتی در آن را مورد تأکید قرار داد. در آیین نامه جدید پیش بینی شده است که هر کنگره هیئتی را برای کنگره پس از خود انتخاب خواهد کرد. بنابراین در همین کنگره دوازدهم هیئت تدارک کننده کنگره 13 نیز انتخاب خواهد شد. وضع آرا در این مورد به این قرار بود:

77 : 23
پس از این، نوبت به طرح "اولویتهای فعالیت سازمان در دور آتی" رسید. "کمیسیون اولویت ها" گزارشی از روند رسیدگی به سند مذکور را به اطلاع کنگره رساند. این گزارش با تصریح توافق با طرح اولیه ارائه شده به کنگره، حاوی چندین طرح مشخص اجرائی نیز بود. کار کنگره در صبح روز سوم با توضیحات مخبر کمیسیون در مورد این طرحها و پاسخ به سئوالات

حاضران خاتمه یافت.

کار کنگره در این روز با بررسی طرح سند سیاسی مصوب کمیسیون سیاسی تداوم یافت. این قسمت ابتدا گزارش کار کمیسیون توسط مخبر آن به کنگره داده شد. آنگاه مخبر و نیز یکی دیگر از اعضای کمیسیون، به پرسشهای متعدد حاضران راجع به سند توضیح و پاسخ دادند. از اظهار نظر تعدادی از موافقان و مخالفان طرح سند سیاسی مصوب کمیسیون، رای گیری روی کلیات سند صورت گرفت. اما آرای لازم برای تبدیل شدن به سند مبنا را کسب نکرد. در نتیجه سند سیاسی پیشنهادی شورای مرکزی، که در روز نخست به عنوان سند مبنا تعیین شده بود، جهت تدقیق دوباره در اختیار کمیسیون سیاسی منتخب کنگره قرار گرفت. کنگره از کمیسیون خواست تا این سند را بر اساس تمایل کنگره تدقیق و تنظیم نماید.

آنگاه مسئول کمیسیون طرح سند "سیما، ارزشها و نگاه سازمان" در مورد روند رسیدگی به پیشنهادات اصلاحی اعضای کنگره در کمیسیون توضیح و به سوالات مطروحه پاسخ داد. اظهار نظر تعدادی از اعضا در مخالفت و موافقت با این یا آن بند طرح، در پایان پیشنهاد شد که کنگره به جای رسیدگی به پیشنهادهای تفصیلی و جزئی، تصمیم گیری در مورد طرح سند را به گرفتن رای تمایل روی آن محدود کند و از شورای مرکزی منتخب خود بخواهد که با انجام کار تکمیلی و تدقیق روی آن، نتیجه را به کنگره آتی ارائه دهد. به دلیل پایان یافتن ساعت کار رسمی کنگره تصمیم گیری در این باره به روز بعد موکول گردید.

میزگرد سازمان یافته برای سومین شب کنگره به موضوع خشونت علیه زنان، از جمله در سازمانهای سیاسی اختصاص داشت. در این میزگرد، رفیق نایب هاشم بر تعریف و مصادقهای "خشونت علیه زنان"، چنان که در اسناد سازمان ملل به دست داده شده اند، مکتب کرد.

مقدم بر مصادیق خاص خشونت علیه زنان و ابعاد خشونت مکتب کرد و بر عرصه معینی از آن یعنی خشونت خانگی نیز لختی درنگ کرد. رفیق عمارتی از زاویه حقوقی به موضوع خشونت خانگی پرداخت و نمونه های زنده ای را از تبعیض در احکام و محاکم ایران نسبت به زنان در رسیدگی به خشونت ارائه کرد. خانم فامیلی مبتنی بر تجربیات خود و نیز کار پژوهشی بر وجود خشونت علیه زنان در سازمانهای سیاسی تاکید کرد و گونه های این واقعیت را به دست داد. رفیق زهتاب از منظر روانشناختی به موضوع خشونت و علل ممکنه آن نگریست. خشم را که می تواند به خشونت بیانجامد مهارپذیر دانست و راه های عملی برای مهار خشم به دست داد.

روز پایانی؛

چهارمین روز کنگره، پس از استماع نطق پیش از دستور 3 تن از حاضران، کار رسمی خود را با تصمیم گیری در مورد طرح سند "سیما، ارزشها و نگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" آغاز کرد. پیشنهاد کمیسیون مربوطه به کنگره این بود که تصمیم گیری در این باره را به اخذ رای تمایل محدود کند. پس از بحث موافق و مخالف، نسبت به اخذ رای تمایل به طرح سند نتیجه آرا به قرار زیر بود: 89 : 5 : 6

به دنبال این تصمیم، کنگره گزارش هیئت نظارت مالی را شنید. گزارش بر کار مثبت کمیسیون مالی تاکید داشت و تماماً مواردی را برای بهبود کار و وضع در این عرصه تصریح می کرد.

متعاقباً طرح سند سیاسی در دستور کار کنگره قرار گرفت. ابتدا مخبر کمیسیون در مورد کار مجدد انجام یافته روی طرح سند، پیشنهادهای پذیرفته شده و نشده گزارش داد. تیتیر پیشنهادی کمیسیون، که با تعداد قابل توجهی پیشنهادهای بدیل نیز همراه بود، سیاست ما در قبال بحران هسته ای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی جزئیاتی از سند بودند که مورد بحث تفصیلی نمایندگان کنگره قرار گرفتند. پس از تعیین نظر کنگره در این موارد و دیگر جزئیات طرح سند سیاسی، کلیات سند به رای کنگره گذاشته شد. نتیجه آرا در مورد سند سیاسی به قرار زیر شد: 92 : 5/1 : 5/6 . چنین درصد بالائی از موافقان حول یک سند سیاسی در کنگره های سازمان بی سابقه بوده است.

پس از آن نوبت به تصمیم گیری حول طرح اولویتهای فعالیت آتی سازمان بود. کمیسیون گزارش کار نهائی روی طرح را ارائه داد. پس از پاسخگویی به سوالات و رسیدگی به چند پیشنهاد، طرح سند به رای گذاشته شد، که به اتفاق آرا از تصویب کنگره گذشت.

انتخاب ارگانها مهمترین دستور باقیمانده برای کنگره بود. اما پیش از پرداختن به این مورد، بایست به چندین تکمله و قرار نیز رسیدگی می شد. مهمترین این موارد:

- تکمیل مواضع سازمان در موضوع زنان و کودکان: این طرح تکمیلی که بر پیوستن بی قید و شرط دولت ایران به کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مقابله با هرگونه اعمال خشونت علیه زنان و تصویب پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک ناظر بر ممنوعیت بی قید و شرط شرکت کودکان در مناقشات مسلحانه تاکید داشت با اکثریت قریب به اتفاق آرا به تصویب رسید.

- مورد دیگر قرار انتشار سامان یافته اسناد سازمان تا مقطع نخستین کنگره سازمان بود. این

قرار نیز که توسط شورای مرکزی دوره یازدهم تصویب و به کنگره پیشنهاد شده بود، با اکثریت قاطع آرا تصویب شد.

موضوع باقیمانده از دستور کار کنگره انتخاب ارگانها بود. با توجه با رای تمایل کنگره به طرح جدید آئین نامه کنگره، در این کنگره "هیئت تدارک کنگره سیزدهم" نیز بایست انتخاب می شد. کنگره، پس از رسیدگی به پیشنهاد تقلیل اعضای شورا به 17 نفر، به دلیل برابری آرا برای 17 و 19 را به عنوان تعداد اعضای شورا پذیرفت. همچنین به پیشنهاد دایر بر دادن "رای کامل" "رای شکسته" رسیدگی کرد و طریق "رای کامل" را اختیار کرد (در طریق "رای کامل" هر رای دهنده می تواند به تعداد اعضای ارگان مربوطه از میان نامزدها انتخاب کند. در طریق "رای شکسته" انتخاب کننده تعدادی کمتر از تعداد اعضای ارگان مورد نظر را می تواند انتخاب کند).

پس از تکمیل کار اخذ کاندیداتوری، که از ساعتی پیشتر آغاز شده بود، و معرفی کاندیداهای انتخابات برای ارگانها زیر به انجام رسید:

- شورای مرکزی
- هیئت رسیدگی به شکایات و داوری ()
- هیئت نظارت مالی
- هیئت تدارک کنگره سیزدهم.

* این کنگره با حضور تعدادی از نمایندگان احزاب و سازمان های چپ برگزار شد. تعداد دیگری نیز با ارسال پیام، برگزاری کنگره را تبریک گفته بودند. اسامی اعلام شده آنها عبارتند از:

میهمانان داخلی:

- اتحاد جمهوریخواهان ایران
- جبهه ملی ایران -
- حزب توده ایران
- حزب دمکرات کردستان
- حزب دمکرات کردستان ایران
- سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران
- شورای موقت سوسیالیستهای چپ ایران
- فعالان جامعه مدنی عرب اهواز
- کانون مبارزه با نژادپرستی و عرب ستیزی در ایران

پیام احزاب داخلی:

- حزب دموکراتیک مردم ایران
- جبهه متحد بلوچستان ایران
- شورای هماهنگی جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران
- مجامع اسلامی ایرانیان

پیام احزاب خارجی:

- حزب کمونیست اسپانیا
- جبهه متحد چپ اسپانیا
- حزب کمونیست فرانسه
- حزب کمونیست کردستان عراق (تشکیلات خارج از کشور)

توضیح:

نشریه کار داخل کشور سعی نموده تمامی اسنادی را که به کنگره دوازدهم ارائه شده و بدان ها دسترسی داشتیم را همراه با مصوبات کنگره در این شماره نشریه منتشر نماید، متأسفانه به "سیاستهای ما در دوره آتی فعالیت ما" و وظایف اصلی و اولویتهای ما در دوره آتی فعالیت سازمان " سند سیاسی" دسترسی نداشتیم و متن کامل مصوبات کنگره تا لحظه انتشار بدستمان نرسیده بود. ولی همراه با گزارشی از کنگره، دو سند دیگر: "فدائیان خلق ایران (اکثریت)" "سیما، ارزشها و نگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" به همراه تمامی هشت سند رفقای "جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)" "در دفاع از سوسیالیسم"، به پیوست جهات آگاهی خوانندگان ارائه می شود. لازم به توضیح است که متأسفانه سایت کار آنلاین از درج تعدادی از این اسناد خودداری نموده و در کنگره نیز از طرح آنها جلوگیری شده است. ما بنابه درخواست این رفقا تمامی اسناد مزبور را در این شماره آورده ایم.

در دفاع از سوسیالیسم (34)

پیام به دوازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران

رفقا! بهترین شادباش های ما را بمناسبت دوازدهمین همایش فدائیان خلق ایران (اکثریت) از میهن تحت ستم و زیر یوغ استبداد جمهوری اسلامی و استثمار سرمایه داری پذیرا باشید. باور داریم با پیکار مشترک ما فدائیان خلق در داخل و خارج، و دیگر چپ های کشورمان، به همراه تمامی نیروهای انقلابی، ترقی خواه و دمکرات، نسیم آزادی و عدالت در سراسر میهنمان خواهد وزید.

رفقا! از اینکه ما و دیگر فدائیان خلق را در داخل کشور، امکان حضور در جمع گرم و پرشور شما نیست، متأسفیم. البته این تنها محدودیت و محرومیتی نیست که رژیم جمهوری اسلامی بر ما تحمیل نموده، از سر دولت این حکومت صدها تن از بهترین یاران ما جان خویش را در مبارزه با نظام حاکم و رژیم مولود آن از دست دادند، بیشمار رفیقانی که سال های زیادی را در زندانها و شکنجه گاه و یا در تبعید گذراندند. شرایطی که هنوز ادامه دارد و اکثر قریب به اتفاق شما نمایندگان کنگره خود قربانیان این نظام و چنین شرایطی هستید. درست است که این ناملامبات و دشواری ها ضربات سختی بر ما وارد ساخت، اما توانست از پایمان درآورده و خللی در باورها و آرمان هایمان ایجاد کند. فدائیان خلق ققنوس وار از زیر خاکستر سرکوب و کشتارها دوباره سربرافراشته و همچنان بر سر پیمانی که با خلق خویش و در راه آرمان های سوسیالیستی خود بسته اند، می رزمند. با امید آنکه به زودی کنگره سراسری سازمان را در کشور خویش و با حضور تمامی یاران برگزار نمائیم، برای تک تک شما رفقای گرانقدر و هم زمان خود در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در راه شکوفایی سازمان و بهروزی کارگران و زحمتکشان، و برگزاری هر چه باشکوه تر و پربرتر کنگره، آرزوی موفقیت داریم.

رفقا! ما در راستای وظیفه ای که برای خود منصوبیم و برغم عدم امکان حضور فیزیکی در کنگره، سعی کردیم دیدگاه های خود را در قالب اسناد پیشنهادی به کنگره ارسال کنیم. که شاید عده ای را خوش نیاید. کسانی که از اتهام زنی، شبه افکنی و حتی دشنام زنی به ما یاران خویش هم ابائی ندارند. ما از نقد دیدگاهها و خواسته های خود استقبال می کنیم، حتی اگر تند و گزنده باشد و ناخوشایندمان، همانگونه که لحن ما این چنین بوده است. شاید بخشی از این درشتی در کلام به شرایطی برگردد که ما درگیر آنیم و شب و روز با آن زندگی می کنیم. چند نقد را وظیفه کمونیستی خود می دانیم، ولی هیچ گاه سوء نیتی نداشته ایم.

رفقا! همانگونه که مطلعید "سایت کار آنلاین"، سایت متعلق به سازمان، سایتی که ما نیز در آن سهمی داریم، از درج چهار سند ارسالی ما به کنگره حاضر به بهانه هایی امتناع نمود. یکی از این دلایل توهین آمیز بودن لحن کلام در برخورد با آقای نگهدار و رهبری سازمان بوده است. لحن ما اگر تند و عریان بود اگر طنز تلخی را با خود داشت، ولی به هیچ وجه توهین آمیز نبود. اما برعکس، اگر کسی علیه ما شبه می افکند، توهین مان می کند و مانند دوست عزیز آقای " " خطابمان می کند، دمکراسی سردبیری را خدشه ای وارد نمی شود.

این سیاق برخورد مسبوق به سابقه است، تا کنون نزدیک به نصف مطالب ارسالی ما نتوانسته از ممیزی رفقای سردبیری و شخص رفیق پورنقوی عبور کند. انتظار ما از کنگره سازمان و کمیسیون رسیدگی و داوری به شکایت " رسیدگی و خاتمه دادن به این روند غیردمکراتیک حاکم بر شورای سردبیری سایت سازمانی است.

رفقا و نمایندگان محترم کنگره؛ ما هفت سند برای طرح در کنگره دوازدهم ارسال نموده ایم. دلایل نگارش هر یک از آنها را هم ذیلاً و به اختصار آورده ایم. از آنجائیکه سایت کار آنلاین از درج بعضی از اسناد فوق امتناع نمود، مجدداً اسناد مزبور را برای اطلاع شما نمایندگان محترم ارسال می کنیم و امیدواریم که تمامی آنها در دستور کار کنگره قرار گیرند:

1- طرح پیشنهادی اساسنامه؛ ما سند حاضر را برای ارائه به کنگره یازدهم آماده کرده بودیم، متأسفانه بخاطر برگزاری زود هنگام کنگره از تاریخی که به ما اعلام شده بود، نتوانستیم آن را به کنگره قبلی برسانیم. خوشبختانه کنگره قبلی به تنها سند ارائه شده صرفاً رأی تمایل داده و تصویب قطعی آن به کنگره جاری موکول گردیده است. از آنجائیکه با کلیت سند ارائه شده توسط کمیسیون تدوین اسناد پایه ای موافق نبودیم، تصمیم گرفتیم این سند را بعنوان آئرناتیو سند کمیسیون ارائه نمائیم. سند پیوستی، ویرایش شده سند مزبور است.

2- اتحاد نیاز مبرم جنبش طبقاتی و دمکراتیک مردم کشورمان است.

اتحاد دو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را اقدامی سنجدید و قابل تقدیر در راستای اتحاد چپ بشمار می آوریم. اما معتقدیم روندی که پیش برده می شود، با مشکلاتی بمراتب بدتر مواجه خواهد شد. بدون اینکه قصد تحقیر رفقای " موقت سوسیالیست ها" را داشته باشیم، خود این رفقا حتماً قبول دارند که در اتحاد پیش رو به

لحاظ حقوقی و سیاسی و تشکیلاتی در شرایطی برابر قرار ندارند و از آنها استفاده ابزاری می .. بعضی از دوستان - بیشتر در سازمان ما- شاید حضور این رفقا را دستاویزی برای رهائی از نام فدائی کرده اند و اصرار تعدادی از رفقای اتحاد فدائی هم برای حضور این رفقا به شکل مورد نظر، صرفاً برای داشتن توجیهی برای اتحاد با سازمان ماست. توجیهی ناپسند که نمی توان اتحادی پایا را بر روی آن پی ریزی نمود. "نویدی" "اعظمی"

فدائیان خلق، با مد نظر داشتن نوشته ما، بدون پرداخت به مضمون آن، با تهدید تلویحی نمایندگان کنگره به لغو پروژه اتحاد در صورت پذیرش دیدگاههای ارائه شده در آن نوشته، در همان ابتدا به استفاده از شیوه ای نادرست دست زده اند. رفقای عزیز، ما مخالف اتحاد نیستیم، ولی معتقدیم اتحادی این چنینی، دو اشعب را در بطن خود آماده زایمان دارد، باور ندارید، امتحان کنید.

3- درخواست برای لغو اخراج رفیق سیاوش و اعلام غیرقانونی بودن فراکسیون کمونیستی؛ ما معتقدیم اخراج رفیق سیاوش به لحاظ حقوقی نادرست و اعلام غیر قانونی بودن فراکسیون اقدامی نسنجیده بوده است. رفقا، مطابق اساسنامه سازمان که در کنگره یازدهم کلیات آن رأی تمایل کنگره را اخذ نمود، اساسنامه ای که با استناد به فصل هفتم آن، با درخواست گروه کار تشکیلات، هیئت سیاسی - اجرائی سازمان تصمیم به اخراج رفیق سیاوش گرفت. متأسفانه این نقض فاحش و آشکار اساسنامه از دید کمیسیون رسیدگی و داوری به شکایت " پوشیده طبق بند سوم از فصل هفتم اساسنامه تعلیق و اخراج عضو منوط به "تعلیق و اخراج عضو به پیشنهاد سازمان محلی و تصویب شورای مرکزی و یا ارگانی که شورای مرکزی به آن اختیار می دهد، قابل اجراء است." همانگونه که از اطلاعیه دبیرخانه سازمان بر می آید نه سازمان محلی پیشنهادی برای اخراج داشته و نه شورای مرکزی چنین اختیاری را به هیئت سیاسی - اجرائی تفویض نموده، و اساساً گروه کار تشکیلات و هیئت سیاسی - اجرائی مطابق اساسنامه چنین اختیاراتی دارند. امیدواریم کنگره با رد این اقدام غیر قانونی در اخراج رفیق سیاوش و تشتت زا در برخورد با فراکسیون کمونیستی به اتحاد و رزمندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مساعدت نماید.

4- قطعنامه پیشنهادی مبنی بر درخواست تعیین تکلیف با رفقای دو عضویتی؛ ساختار اتحاد جمهوری خواهان، ساختاری حزبی است.

جمهوری خواهان مغایر با پرنسب های تشکیلاتی است. در هیچ کجای دنیا دیده نشده که اعضای حزبی بطور هم زمان در تشکیلات دیگری نیز عضویت داشته باشند، حتی در راست ترین احزاب. توجیه اینکه اتحاد مزبور جبهه است نه حزب، ادعای نادرست است و اساسنامه این حزب نیز چنین ادعایی ندارد. در اساسنامه آنها تنها با تفویض واژه ها خواسته اند راهکاری برای گریز چنین رفقای در احزاب و سازمانهایشان پیدا کنند. ما خواهان آنیم که این درخواست به رأی کنگره گذاشته شود.

5- پیشنهادی برای از سازمان؛ هیچ یک اعضای سازمان در قبل و بعد از انقلاب به اندازه آقای فرخ نگهدار نقش مخربی در حیات سازمانی نداشته اند. موضع گیری های وی ناقض مکرر اساسنامه سازمانی بوده، اقدامی که با اغماض و چشم پوشی ارگان های ذیربط قرار گرفته است. بدلالی که در قطعنامه پیشنهادی برشمرده ایم، خواهان بررسی موضوع و به رأی گذاشته شدن قطعنامه اخراج آقای فرخ نگهدار از سازمان هستیم. آقای نگهدار نیز معتقدند که تنها با رأی کنگره می توانیم وی را کنار بگذاریم، پس ما حق داریم از این گزینه دمکراتیک استفاده کنیم.

6- سند پیشنهادی "سیما و ارزش های پایه"، این سند در واقع چکیده برنامه سازمانی است، و ارائه آن بدین شکل کار بدیعی است. از آنجائیکه برنامه ارائه شده از طرف ما در کنگره یازدهم، آئرناتیوی بود برای برنامه ارائه شده توسط کمیسیون تدوین اسناد پایه ای، لازم دیدیم بجای نقد سند پیشنهادی کمیسیون، در این مورد نیز به ارائه سند آئرناتیو اقدام نمائیم. امیدواریم این سند، بعنوان سند پایه مورد تأیید کنگره قرار گیرد.

7- گزارش سیاسی به کنگره دوازدهم "نگاهی از داخل کشور"، نگاه ما و دیدگاه های ما به مسائل سیاسی جهان و کشورمان تفاوتی بنیادین با مواضع هیئت سیاسی - اجرائی داشته است. اینرو لازم دیدیم دیدگاههای سیاسی خود در خصوص مسائل جهان و بخصوص کشورمان را بلاواسطه به اطلاع اعضای کنگره برسانیم. تا شما رفقای هم سازمانی با دیدگاههای بخشی از رفقای خود در داخل کشور، رفقای که بطور مستقیم با مسائل درگیرند، آشنا شوید. امیدواریم تلاش رفقای تان در داخل، مورد استفاده شما عزیزان قرار گیرد.

با آرزوی موفقیت و پیروزی

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

اساسنامه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**" سند پیشنهادی کمیسیون تدوین اسناد پایه ای "**

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تشکل داوطلبانه افرادی است که چارچوب کلی دیدگاه های سازمان را پذیرفته و آمادگی دارند با پای ای سازمان فعالیت کنند. عضویت در سازمان، استعفا و کناره گیری از آن امری آزاد

سازمان ما به مثابه سازمان چپ دمکرات و مدرن بر پذیرش ایده های نو، بر تحول پذیری و بر پی ریزی مناسبات درون سازمانی و ساختار تشکیلاتی بر اساس تلفیق دمکراسی نمایندگی، مشارکتی و مستقیم تاکید دارد. اساسنامه سازمان حقوق برابر اعضا را تامین کرده و امکان مشارکت مستمر آنها را در حیات سازمان فراهم می

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برگ سرخ، میانه زرد و ساقه و برگ سبز رنگ - نمونه ای از گل اضافه می شود.

**پرنسیپ :**

دمکراسی درون سازمانی

ساختار تشکیلاتی سازمان و مناسبات درونی آن مبتنی بر تلفیق دمکراسی نمایندگی، دمکراسی مشارکتی و دمکراسی مستقیم است.

دمکراسی نمایندگی به این معنی است که:

1. کننده سازمان، منتخب کنگره بوده و در مقابل کنگره و اعضای سازمان پاسخگو هستند و مستمرا از فعالیتها و تصمیمات خود به اعضا گزارش می
2. تصمیمات در ارگانها بر اساس رای اکثریت اتخاذ می
- 3.

دمکراسی مشارکتی بدین معنی است:

1. مکانیسمهای ضرور برای تاثیر گذاری و مشارکت اعضای سازمان در حیات سیاسی و سازمانی، شکل گیری کنش متقابل و ارتقای نقش آنها تعبیه می

دمکراسی مستقیم بدین معنی است که:

1. ساختار تشکیلاتی بر پایه تلفیق سیستم هرمی و شبکه ای پی ریزی شده و از تعداد لایه کاسته می
2. اعضای سازمان در کنفرانسها و کنگرهها تا آنجا که مقدور است، مستقیما مشارکت می کنند.
3. سیستم همه پرسی در سازمان به کار گرفته می

مسئولیت

پذیرش مسئولیت در سازمان داوطلبانه است. هیچیک از اعضای سازمان به اجبار و برخلاف تمایل خود به پذیرش مسئولیت و یا انجام کاری موظف نمی . پذیرش مسئولیت به معنای تعهد به انجام آن، رعایت موازین سازمانی و امر پاسخگوئی است.

تنوع و انسجام سیاسی و سازمانی

سازمان پذیرای تنوع سیاسی در چارچوب کلی اسناد دیدگاهی و برنامه مکانیسمهای ضرور را برای تامین حقوق صاحبان گرایشهای سیاسی فراهم می . هم بر ارتقای انسجام سازمانی و تقویت عنصر حزبیت پای می فشارد و هم وجود گرایش فراکسیون رابه رسمیت می

ساختار غیر متمرکز

ساختار تشکیلاتی سازمان غیر متمرکز است. تمامی ارگانهای هدایت فعالیت خود و در چارچوب اسناد مصوب کنگره و شورای مرکزی از حق تصمیم گیری برخوردارند.

عضویت :**شرایط عضویت در سازمان**

1. ایرانی بودن
2. 18
3. پذیرش چارچوب کلی " دیدگاه " و تعهد به رعایت اساسنامه سازمان
4. عدم عضویت در دیگر احزاب ایرانی

شرایط پذیرش

1. واحد پایه در مورد تقاضای عضویت تصمیم می گیرد و تصمیم خود را به اطلاع ارگان می
2. تقاضای عضویت به صورت کتبی و با پر کردن فرم ویژه صورت می گیرد.
3. تقاضای عضویت باید از جانب دو عضو که دارای سابقه حداقل سه سال عضویت در سازمان هستند، معرفی شود.

1. کسانی که تا کنون رسما از سازمان استعفا نداده اند و یا عضویت آن سازمان لغو نشده است، با اعلام مجدد پیوستن به سازمان، تقاضای آنها بدون ارائه معرف مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.
2. در صورت نبود واحد پایه، عضوگیری توسط گروه کار تشکیلات و یا ارگانی که توسط گروه کار تشکیلات تعیین می شود، انجام می گیرد.

1. یاری به سازمان برای پیشبرد وظایف جاری و تلاش برای تحقق اهداف برنامه
2. پرداخت حق عضویت
- 3.

1. برای عضویت در ارگانهای سازمانی کاندیدا شود.
2. هائی را که در انتخاب آنها سهمیم است دریافت کند.
3. ای و سیاسی سازمان شرکت کرده، نظرات خود را آزادانه در ها بیان و به شکل فردی یا جمعی در رسانه های سازمانی و غیرسازمانی انتشار دهد.
4. در صورت مخالف بودن با سیاستهای سازمان از تبلیغ و اجرای آن خودداری کند.
5. امر مشاوره و تشکیل جلسه و همکاری با دیگر اعضای سازمان برای تدوین و تنظیم نظرات، اسناد، قراها و پیشنهادها و ارائه به ارگانهای سازمانی را پیش برد.
6. در همه پرسىها مشارکت کند و درخواستها، پیشنهادها و طرح
7. در تشکل های صنفی و سازمان های غیردولتی (NGO) شرکت نماید.
8. از دیگر اعضای سازمان و ارگانها به نهاد رسیدگی به شکایات و داوری () شکایت کند.

1. اعضای سازمان به صورت فردی مجاز به مشارکت در اتحادیهائی هستند که با برنامه و استراتژی سیاسی سازمان مغایرت نداشته باشند.

ساختار تشکیلاتی :

1. ساختار تشکیلاتی سازمان تلفیقی از ساختار هرمی و شبکه ای است و از واحدهای محلی، کشوری و ارگانهای مرکزی تشکیل می . حداقل تعداد اعضای یک واحد (شهری یا کشوری)
2. مسئول یا ارگان مسئول واحد محلی در اجلاس عمومی واحد و مسئول واحد کشوری در کنفرانس کشوری انتخاب می .
3. ساختار سازمان دو پایه . سازماندهی در جهان واقعی و سازماندهی در جهان مجازی.

سازمان پایه

1. سازمان پایه، واحد جغرافیائی - منطقه ای، گروه موضوعی و حوزه مجازی است.

1. آئین نامه تشکیل حوزه مجازی و گروه موضوعی توسط شورای مرکزی تهیه می شود.

کنگره

1. کنگره عالی ترین ارگان سازمان است و سند دیدگاه

عمومی سیاست‌ها و فعالیت‌های سازمان را بررسی و تصویب می‌کند و گزارش فعالیت ارگان منتخب خود را مورد بررسی قرار می‌دهد.
2. کنگره عادی به فاصله دو سال و کنگره فوق‌العاده به درخواست یک سوم اعضای سازمان و شورای مرکزی تشکیل می‌دهد.

3. در صورت عدم برگزاری کنگره در زمان مقرر از سوی شورای مرکزی، یک سوم اعضای سازمان حق فراخواندن کنگره را مطابق آئیننامه کنگره دارا هستند.
4. کنگره شورای مرکزی، نهاد رسیدگی به شکایات و داوری ()، کمیسیون نظارت مالی و کمیسیون تدارک انتخاب ارگانهای مرکزی را برای فاصله بین دو کنگره با رای مخفی انتخاب می‌کند. کاندیداهای عضویت در ارگان سازمان و فعالیت مستمر در ارگان
5. تصمیم‌گیری در مورد وحدت با سایر سازمان‌های چپ با کنگره است. با نصف بعلاوه یک آرا این تصمیم قانونی است.

6. اساسنامه و اسناد دیدگاهی با حداقل دو سوم آرا و اسناد برنامه تصویب می‌شود.

1. در شرایط کنونی همه اعضای سازمان حق شرکت مستقیم در کنگره را دارا می‌باشند.
2. شورای مرکزی مجاز نیست بیش از سه ماه برگزاری کنگره را به تأخیر بیاورد.
3. عضو سازمان نمی‌تواند در کنگره شرکت کند.
4. تمامی ارگانهای منتخب کنگره، موظف به ارائه گزارش از عملکرد خود به کنگره می‌باشند.

کنگره فوق‌العاده

1. کنگره فوق‌العاده به درخواست یک سوم اعضای سازمان و یا شورای مرکزی تشکیل می‌شود.
2. کنگره فوق‌العاده برای بررسی و تصمیم‌گیری برای مسائل مبرم و حاد فراخوانده و برگزار می‌گردد.
3. ارگان و یا یک سوم اعضای فراخوانده کنگره موظف به تهیه اسناد مربوطه بوده و می‌تواند آنرا حداقل 2 ماه قبل از کنگره در اختیار اعضا قرار بدهند.

1. آئیننامه کنگره عادی برای کنگره فوق‌العاده هم معتبر می‌باشد.

شورای مرکزی

1. شورای مرکزی فدائیان ایران (اکثریت) کنگره ترین فاصله دو کنگره شورای مرکزی در مورد فعالیت‌های سازمان در مقابل کنگره مسئول است.
2. وظائف شورای مرکزی عبارتند از:
- تدوین سیاست‌های عمومی سازمان در چارچوب مصوبات کنگره
- انتخاب هیات سیاسی - اجرائی و مسئول آن و سخنگوی سازمان با رای مخفی کنترل و نظارت بر کارکرد هیات سیاسی - اجرائی، اظهار نظر و تصمیم‌گیری پیرامون گزارش آن
3. شمار اعضای شورای مرکزی را کنگره تعیین می‌کند. هرگاه به دلایلی جای یک یا چند نفر از اعضای شورای مرکزی خالی بماند، شورای مرکزی مجاز است از بین داوطلبین عضویت برای شورای مرکزی در آخرین کنگره، با اکثریت دو سوم آراء و حداقل تا یک کنگره، تعداد خود را تکمیل کند.

4. مسئول و یا نماینده هر واحد کشوری، مسئول هر گروه کار و اعضای شورای سردبیری کار که عضو شورای مرکزی نیستند، در اجلاس‌های شورای مرکزی شرکت می‌کنند.
5. شورای مرکزی از بین اعضای خود سه نفر را به عنوان هیات رئیسه و از بین اعضای هیئت رئیسه یک نفر را به عنوان مسئول هیئت رئیسه با رای مخفی انتخاب می‌کند. اعضای هیئت رئیسه نمی‌توانند عضو هیئت سیاسی - اجرائی باشند.
6. جلسات حضوری شورای مرکزی هر شش ماه یکبار تشکیل می‌شود. یک سوم اعضای شورای مرکزی می‌توانند جلسه حضوری فوق‌العاده شورای مرکزی را فراخوانند.
7. شورای مرکزی مجاز است از میان اعضای هیئت سیاسی - اجرائی یک نفر را به عنوان کند.

هیئت سیاسی - اجرائی

1. هیئت سیاسی - اجرائی مسئول هدایت سیاسی - تشکیلاتی سازمان در چارچوب مصوبات کنگره و شورای مرکزی در فاصله بین جلسات حضوری شورای مرکزی است.
2. شمار اعضای هیئت سیاسی - اجرائی را شورای مرکزی تعیین می‌کند و هر یک از اعضای آن مسئولیت و نظارت یکی از مسئولیت‌های مرکزی را بر عهده دارند.
3. وظائف هیئت سیاسی - اجرائی عبارتند از:

- سیاست‌گذاری و سیاست

- نمایندگی سازمان در رابطه با سایر نیروهای سیاسی داخلی و خارجی
- هدایت، کنترل و نظارت بر کارکرد گروه‌های کار و مراکز نظری - پژوهشی و فنی - پردازشی
- هدایت تشکیلات سازمان

دبیرخانه

دبیرخانه تحت مسئولیت مسئول هیئت سیاسی - اجرائی و هیئت رئیسه شورای مرکزی تشکیل می‌شود. مسئول هیئت سیاسی - اجرائی و هیئت رئیسه شورای مرکزی مجازند، هر یک در محدوده ارگان تحت مسئولیت خود یا صاحب اختیار از آن و با اطلاع‌دهی به دیگری، از امضای "دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" استفاده کنند. از این امضا صرفاً به منظور اطلاع‌رسانی به بیرون از سازمان استفاده خواهد شد.

های کار، مراکز نظری - پژوهشی و فنی - پردازشی

1. هیئت سیاسی - اجرائی برای پیشبرد وظائفش در عرصه‌های مختلف فعالیت سازمان، های کار را تشکیل می‌دهد. تشکیل گروه کار جدید باید به تأیید شورای مرکزی برسد.
2. هیئت سیاسی - اجرائی مرکزی برای کارهای نظری، پژوهشی و برنامه‌ای دایر می‌کند. این مرکز کمیسیون‌های موضوعی را برای پیشبرد کار تشکیل می‌دهد.
3. هیئت سیاسی - اجرائی مرکزی را برای جمع‌آوری اطلاعات از مطالبات و نگرش‌های اجتماعی، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی، تنظیم فرم‌های نظرخواهی و اخذ نظرات در درون سازمان و در سطح جامعه و پردازش آنها و ارائه پیشنهادها و سیاست‌ها به ارگانهای مرکزی تشکیل می‌دهد.
4. هیئت سیاسی - اجرائی مسئول گروه‌های کار و مراکز را از بین اعضای شورای مرکزی و دیگر اعضای سازمان انتخاب می‌کند.
1: 2 3 بعد از فراهم آمدن امکانات ضرور عملی می‌شود.

همه‌پرسی

1. پرسشی، رای‌گیری از همه اعضای سازمان در موضوع معین و مشخص است.
2. انتخاب مسئولین سازمانی و تصویب اسناد دیدگاهی، برنامه‌ریزی
3. شورای مرکزی و هیئت سیاسی - اجرائی سازمان می‌تواند پرسشی از اعضای سازمان کند.
4. درخواست یک پرسشی در موضوع خاص یا یکی از تصمیمات و مصوبات ارگانهای مرکزی سازمان کافی است.
5. همه پرسشی زمانی از اعتبار برخوردار خواهد بود که حداقل دو سوم اعضای سازمان در آن مشارکت داشته باشند. نتیجه همه‌پرسی الزام

1. مضامین تک‌موضوعی منطبق بر بند یک می‌تواند پرسشی گذاشته شوند.
2. آیین پرسشی توسط شورای مرکزی تهیه و به تصویب کنگره می‌شود.
3. پیشنهاد همه‌پرسی از سوی هیئت سیاسی - اجرائی باید به تأیید شورای مرکزی برسد.

گرایش و فراکسیون

1. گرایش و فراکسیون گروهی از اعضای سازمان را دربر می‌گیرند که دست‌کم در یکی از های مسائل دیدگاهی، برنامه‌ای و یا سیاسی اشتراک نظر نسبتاً پایدار دارند. گرایش فاقد دهی و پلاتفرم است. فراکسیون دارای پلاتفرم، نام و هویت جمعی بوده و سازمان‌یافته
2. فراکسیون بر پایه پلاتفرم کتبی تشکیل و رسمیت آن بر اساس اساسنامه توسط شورای مرکزی اعلام می‌شود. فراکسیون رابطی را برای ارتباط با نهادهای سازمانی انتخاب و به شورای مرکزی معرفی می‌کند. فراکسیون باید لیست نام اعضای خود را به شورای مرکزی ارائه کند.
3. فعالیت‌های فراکسیون شفاف و علنی است. موازین حاکم بر مناسبات درونی فراکسیون همان فراکسیون حق ایجاد تشکیلات جدا از تشکیلات سازمان را ندارد.
4. فراکسیون حق تشکیل جلسه برای تبادل نظر و تدوین اسناد برای ارائه جهت تصویب توسط جلسات فراکسیون به اطلاع اعضای سازمان می‌دهد. جلسات فراکسیون‌ها شرکت کنند. هر فراکسیون حق دارد با یک یا چند فراکسیون دیگر اسنادی برای تصویب توسط نهادهای سازمان ارائه دهد و نامزد برای پذیرش مسئولیت‌های سازمانی معرفی کند.
5. های سازمانی در چارچوب اساسنامه، موضع‌گیری‌های فراکسیون می‌تواند در ارگان سازمانی بخشی برای انتشار نظرات فراکسیون‌ها اختصاص داده می‌شود.

سیمای، ارزش‌ها و نگاه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**" سند پیشنهادی کمیسیون تدوین اسناد پایه ای "**

فداییان ایران (اکثریت)، مدافع صلح، آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، برابری، همبستگی اجتماعی، برابر حقوقی زن و مرد، توسعه، حفظ محیط زیست، توزیع دموکراتیک قدرت، ثروت، فرصت‌ها و اطلاعات است و برای فراهم آوردن شرایط زندگی انسانی برای همه شهروندان ایران و گذر تدریجی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم دموکراتیک مبارزه می‌کند. سازمان ما بر تامین هماهنگی و توازن میان آزادی، برابری، دموکراسی، توسعه و حفظ محیط زیست تاکید دارد. ما مخالف تبعیض طبقاتی، جنسیتی، ملی - قومی، نژادی و مذهبی هستیم و علیه آن می‌کنیم.

زیستگاه و میدان عمل اجتماعی ما، جهان سرمایه داری و جامعه سرمایه‌داری ایران است که در آن مبارزه طبقاتی امری است عینی و واقعی. که اکنون سرمایه جهانی میان کار و سرمایه در جریان کار قرار داریم. صنفی و سیاسی و مطالبات کارگران و زحمتکشان و خواسته‌های دموکراتیک طبقه متوسط جدید جانمایه برنامه ما است. ما خود را سازمان چپ دموکرات و سوسیالیست می‌دانیم. جدید اجتماعی دارای خصلت‌های دموکراتیک و ترقی (صلح، فمینیستی، زیست محیطی، دموکراتیک، ضد سلاح ای، حقوق بشر، حفظ هویت و های اجتماعی فراملی...) را پدیده دگرگون‌ساز و عرصه مناسب برای حضور و شرکت فعال های مختلف اجتماعی در حیات سیاسی و اجتماعی می‌دانیم و در جانب آن قرار داریم.

منافع ملی و همبستگی جهانی هستیم، علیه سلطه‌طلبی کشورهای قدرتمند جهانی و جهانی‌سازی تحت رهبری بازار مالی بین‌المللی و شرکت‌های فراملی مبارزه می‌کنیم و در روند جهانی شدن خود را جزو صفوف مبارزان آزادیخواه و عدالت دیگر می‌دانیم.

اندیشه از اعتقاد سیاسی، فلسفی، مذهبی، علمی و غیره - در بیان از اندیشه ما از حوزه عمومی و جامعه مدنی در برابر اقتدار دولت، از حکومت قانون، دولت مشروط، منتخب و مقید به حقوق بشر و از عدم دخالت دولت در زندگی خصوصی دفاع می‌کنیم. ما بر اجتماعی بودن انسان تاکید داریم و مطلق کردن فرد و فردگرایی را به معنی تهی کردن انسان از خصلت اجتماعی و ثانوی و فرعی شمردن جامعه تلقی می‌کنیم. مطلق کردن جمع معنی تنزل فرد در حد جزء و تابع محض جمع، سلب شخصیت آن، نفی گوناگونی و تفاوت اندیشه‌ها و تمایلات انسانی، کم بهاء دادن به حقوق و آزادی‌های فردی و نافی رشد آزاد است. ما به عنوان جریان چپ، بر هماهنگی موزون و متعادل میان جامعه و فرد در راستای رشد آزادانه انسان و جامعه تاکید داریم.

برابری و به طور مشخص عدالت اجتماعی، شاخص‌ترین ارزش نیروی چپ به حساب می‌آید. ما در راستای برابری، بر توزیع قدرت، ثروت، فرصت‌ها و اطلاعات تاکید داریم. تنظیم سیستم مالیاتی مناسب، یکی از ابزارهای پایه‌ای بازتوزیع ثروت به حساب می‌آید. لازم است بین برابری و آزادی پیوند تنگاتنگ ایجاد گردد. از نظر ما لیبرالیسم اقتصادی، نتولیرالیسم و نتوکسنرواتیسم به تشدید نابرابری و شکاف طبقاتی منجر گشته و کم بها دادن به آزادی و مطلق کردن برابری، زمینه را برای حکومت‌های استبدادی، توتالیتر و پوپولیسم باز می‌کند.

تامین برابر حقوقی و مرد مفهومی جمله برابر حقوقی زن و مرد مبارزه می‌کند. از میان برداشتن هر گونه نابرابری ملی - قومی از جمله شروط ضرور گذار به دموکراسی و تامین یکپارچگی کشور و همبستگی بین مردم، در گرو تامین و تضمین برابر حقوقی همه مولفه‌های ملی - قومی تشکیل دهنده آن است.

دموکراسی

ما دموکراسی را مناسب‌ترین ساختار سیاسی، راه و شیوه سامان دادن به جامعه و شیوه اداره امور زندگی و جامعه بشری در عرصه‌های گوناگون میدانیم و آنرا الگویی مناسب سیاسی و اداره کشورها می‌شناسیم. دموکراسی، محصول قرن‌ها تلاش فکری و عملی بشر و بیش از همه حاصل جنبش‌های آزادیخواهانه، روشنگرانه و مبارزات کارگران، زنان و روشنفکران است. ما مخالف هر گونه استبداد و دیکتاتوری است، حاکمیت را ناشی می‌دانیم. دموکراسی بر پایه رای در تعیین محدودیت زمانی قانونی آمیز آن حزبی چندحزبی پایبند

فراکسیون حق دارد نظرات و موضع‌گیری

6. فراکسیون کاری و اتحاد با نیروهای سیاسی منفرد و متشکل نیستند ولی از حق نظر با سایر سازمان‌های سیاسی برخوردارند.

7. گرایش‌ها و فراکسیون

8. چنانچه فراکسیون موازین سازمانی را رعایت نکند، شورای مرکزی بر پایه قضاوت رشد، حق تعلیق فعالیت فراکسیون را دارد. تصمیم نهائی در این موارد با کنگره سازمان است.

1. در موارد نقض اساسنامه برخورد انضباطی با عضو صورت می‌گیرد. برخورد انضباطی از تذکر شفاهی تا اخراج از سازمان را شامل می‌شود. اخراج از سازمان، حداکثر برخورد انضباطی است.

2. اگر عضوی طی شش ماه متوالی از پرداخت حق عضویت بدون عذر موجه خودداری کند، از سازمان اخراج می‌شود.

3. تعلیق و اخراج عضو به پیشنهاد سازمان محلی و با تصویب شورای مرکزی و یا ارگانی که شورای مرکزی به آن اختیار می‌دهد. عضو تعلیقی و اخراجی حق شکایت به

4. مشارکت اعضا در سازماندهی اراده‌ای مغایر با مواضع سازمان در بیرون از سازمان، نقض موازین اساسنامه به حساب می‌آید. داوری در این مورد با " " در این موارد شورای مرکزی و هیئت سیاسی - اجرائی برپایه داوری رشد تصمیم می‌گیرند.

نهاد رسیدگی به شکایات و داوری ()

1. نهاد رسیدگی به شکایات و داوری برای رسیدگی و داوری پیرامون شکایات کتبی اعضای سازمان از یکدیگر، اعضا از ارگان‌های سازمانی و بالعکس و شکایت ارگانها از یکدیگر، بشرط آنکه مبنای دعوی و شکایت، فعالیت و زندگی سازمانی باشد، تشکیل می‌گردد که باختصار " " () خوانده می‌شود.

2. کنگره سازمان از میان اعضای داوطلب 5 " " برمی‌گزیند.

3. " " " " تنها کنگره حق تجدیدنظر در مورد داوری " "

امور مالی :

1. درآمدهای سازمان را حق عضویت و کمک‌های مالی اعضا و دوستان سازمان و درآمدهای حاصل از دارائی‌های سازمان تشکیل می‌دهد.

2. درآمدها و هزینه‌های سازمان به شورای مرکزی و کنگره گزارش می‌شود.

3. کمیسیون نظارت مالی وظیفه حساب‌رسی و بازرسی مالی سازمان را برعهده دارد و از سه عضو سازمان تشکیل می‌شود. کمیسیون نظارت مالی هر سال یکبار نتیجه حساب‌رسی مالی را در اختیار شورای مرکزی قرار می‌دهد.

1. دوستان سازمان کسانی هستند که به تحقق اهداف و برنامه سازمان علاقمند بوده و به انجای مختلف به سازمان در پیشبرد اهداف و برنامه‌اش یاری می‌دهند.

2. دوستان سازمان می‌توانند با عضویت در شورای مرکزی و با همکاری مشارکت کرده و به کنگره سازمان دعوت شوند. ولی از حق رای و کاندیدا شدن برای ارگان‌های مرکزی سازمان برخوردار نیستند.

فصل یازدهم: های غیردولتی و صنفی

1. سازمان مشوق شرکت اعضای خود در تشکل‌های صنفی و سازمان‌های غیردولتی است.

2. های غیر دولتی (NGO) و صنفی احترام می‌گذارد. فعالیت اعضای سازمان در این تشکل‌ها داوطلبانه، فردی و بر پایه پرنسپ‌های آن تشکل‌ها می‌باشد.

ارگان قانون گذار و تغییرات در اساسنامه

1. گذاری بر عهده کنگره سازمان است. تغییرات در اسناد دیدگاه اساسنامه به تصویب کنگره می‌شود. تدوین آئین

2. تغییرات در اسناد پایه‌ای سازمان می‌تواند تنها در کنگره و بر طبق ضوابط بند 6 بخش کنگره به تصویب برسد.

این اساسنامه دارای 12 26 82 12 تبصره بوده و در کنگره ... تصویب رسیده است.



صلح درجهت تامین زندگی مطلوب و مناسب شان و حرمت انسان برای همه انسانها نیست. ما مخالف و ناقد سرمایه‌داری هستیم و براین باوریم که نمی‌توان سرمایه‌داری را آخرین فرمایشون اقتصادی - اجتماعی تلقی کرد. تاریخ پایان نیافته است و تلاش بشریت برای یابی به جامعه مطلوب ادامه دارد.

به نظر ما، بازار و سرمایه ذات نیستند و الغای بازار به معنی گذر به سوسیالیسم نیست. خطا است که دو شکل اقتصادی یعنی بازار و برنامه را به شکل‌بندی تاریخی نسبت دهیم و گذر از بازار به برنامه را به مثابه گذر از سرمایه‌داری به سوسیالیسم بدانیم. است که برنامه‌ریزی متمرکز در اقتصاد پیشرفته و با تنوع محصولات و نیازهای انسانی، از کارآمدی برخوردار نیست و به عامل بازدارنده رشد اقتصادی و نوآوری تبدیل می‌شود. هزینه‌گرافی را بر اقتصاد تحمیل می‌کند و امکان پویایی اقتصادی را از بین می‌آورد و نوآوری و پویایی، دچار رکود می‌شود. اما بازار هم بدون کنترل اجتماعی به ویرانگری می‌رسد و با تراکم ثروت در دست لایه نازکی از جامعه، زندگی گروه‌های وسیعی از مردم را به فلاکت سوق می‌دهد. سپردن سرنوشت جامعه به دست نامرئی بازار به مثابه تنها تنظیم‌کننده اقتصاد، دور از عقلانیت است. اقتصاد بازار کنترل نشده، یک فاجعه است و لازم است عنان گسیختگی اقتصاد عقلانی با نوعی ترکیب بازار و برنامه و نظارت دمکراتیک در ابعاد اقتصاد خرد و کلان همراه است.

سوسیالیسم دمکراتیک

"سوسیالیسم قرن بیستم" با وجود دستاوردهای گرانبار و تاثیرات آن بر تحولات جهانی، به دلایل مختلف از جمله نگرش اقتصاد محور و طبقاتی دیدن انسان و تمام امور زندگی، عدم درک اهمیت و جایگاه آزادی‌های فردی و اجتماعی و دمکراسی، عدم درک ضرورت ایجاد پیوند بین آزادی، دمکراسی و برابری، نتوانست به جامعه مطلوب راه یابد و از این‌رو دولت توتالیتری و "سوسیالیسم دولتی و دستوری" به جای سوسیالیسم دمکراتیک شکل گرفت. این تجربه تاریخی، در ارائه الگوی سوسیالیسم دمکراتیک ناکام ماند و "سوسیالیسم دولتی و دستوری" گذشت هفت دهه از حیات خود، فروپاشید. ناکامی این تجربه به معنی پایان مبارزه طبقاتی و ها، جاودانگی نظام سرمایه‌داری و بی‌ساختن جامعه دمکراتیک مبتنی بر آزادی، عدالت، همبستگی انسان محیط زیست نیست.

به باور ما سوسیالیسم نه امر اجتناب‌ناپذیر و حتمی، بلکه امری است ارادی و آگاهانه که لازم است آن را از حیث ضرورت تاریخی به عرصه فعالیت آزادانه انسان برای دستیابی به جامعه مطلوب برکشید. سوسیالیسم به مثابه یک فرایند آگاهانه نه از طریق انقلاب سوسیالیستی، بلکه با معماری اجتماعی سنجیده و تدریجی بر زمینه‌های ضرور تاریخاً فراهم آمده و با ایجاد و های سوسیالیستی و مشارکت دمکراتیک و آزادانه نیروهای ذینفع در تحول سوسیالیستی و در سایه فرهنگ و تکنولوژی پیشرفته شکل می‌گیرد. به نظر ما میان افول سرمایه‌داری و سوسیالیسم خط فاصل مشخص و بارزی وجود ندارد. سوسیالیسم همانند سرمایه‌داری در دوران تکوین خود نه به طور ناگهانی بلکه به تدریج تبارز یافته و ارزش شکل می‌گیرد. دولت، احزاب چپ و شبکه‌های اجتماعی در تسریع و سمت‌دادن به این فرایند نقش بازی می‌کنند.

سوسیالیسم به طور کلی با رابطه آمرانه و اقتدارگرایانه منافات دارد و بدون دمکراسی شدن نیست. سوسیالیسم با دمکراسی در پیوند تنگاتنگ قرار دارد. سوسیالیسم صرفاً به معنی سازماندهی اجتماعی نیست بلکه سازماندهی دمکراتیک جامعه نیز است. ما به سوسیالیسمی دمکراتیک به عنوان جامعه بر پایه دمکراسی اجتماعی و مشارکتی، ژرفش و گسترش پیوسته دمکراسی و حداکثر مشارکت تصمیم‌گیری ای با سازماندهی دمکراتیک اقتصاد و توزیع قدرت، ثروت، آشتی، ای که در آن تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل آزاد همگان است، باورمندیم. از نظر ما سوسیالیسم دمکراتیک تبلور پیوند ارزش های آزادی، برابری، دمکراسی، رشد اقتصادی، حفظ محیط زیست و صلح برای تامین زندگی مطلوب و مناسب شان و حرمت انسان

* * * * *

های پایه‌ای و سوسیالیسم دمکراتیک، بیش از همه در ارائه برنامه برای گذار کشورمان ایران به کشور مدرن و توسعه یافته، در تحقق آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی، تامین حقوق بشر، رفع تبعیض و حفظ محیط زیست و در پی‌ریزی جامعه نیرومند، دولت مدرن، دمکراتیک و سکولار و فراهم آوردن زمینه‌های سوسیالیسم دمکراتیک تبلور می‌یابد. کشور ما با سابقه تاریخی، سنت‌های دیرینه و میراث‌های فرهنگی ارزشمند، با دارا بودن جمعیت جوان و با سواد، نیروی بالای تحصیل کرده و متخصص، موقعیت استراتژیک جغرافیایی - سیاسی، دارا بودن ساختار زیربنایی، ذخایر عظیم نفت و گاز، معادن غنی، دسترسی به دریاها و تنوع شرایط آب و هوا از یکسو و از سوی دیگر پشتوانه یک قرن و نیم مبارزه علیه استبداد و برای آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی، از شرایط و امکانات مساعدی برای غلبه بر استبداد مذهبی و عقب‌ماندگی و گذر به کشور مدرن و دمکراتیک دارد. سازمان برای دستیابی به این

ما خواهان دمکراتیزه شدن مناسبات جهانی میان ملل و دولت‌ها، جهانی شدن دمکراسی و خواهان گسترش و ژرفش دمکراسی نمایندگی در جهت دمکراسی مشارکتی، مستقیم و اجتماعی هستیم. ما مدافع دمکراتیزاسیون نهادهای جامعه و روابط میان آن به جامعه مدنی و بر شکل‌گیری نهادهای مدنی و تقویت حوزه عمومی تاکید داریم. مدنی را نه به عنوان ابزار جامعه سیاسی برای کسب قدرت، بلکه به‌مثابه یکی از مولفه‌های اصلی برپا دارنده و استحکام بخش دمکراسی و عامل قوام بخشیدن به نیروی دفاع جامعه از خود در های اقتدارگرایی ملی و فراملی می‌دانیم. از نظر ما سازمانیابی دمکراتیک جامعه، تشکیل یابی طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی، شکل‌گیری سازمان‌های غیردولتی و تشکلهای مستقل صنفی، فرهنگی و هنری توسط دهی امور زندگی و کار مبارزه مدنی مردم، احقاق حقوق شهروندی، اعمال فشار به دولت برای تأمین مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی، برای رشد فرهنگ دمکراتیک، دمکراتیزه کردن جامعه و مشارکت در اداره امور کشور، امری است ضروری.

در مقیاس ملی و بین‌المللی ها و لازمه فراهم آوردن شرایط زندگی انسانی برای همه شهروندان است. ما مخالف مسابقات تسلیحاتی هستیم، از خلع سلاح اتمی در سطح جهان و در منطقه خاورمیانه و از تلاش جهانی برای تامین صلح حمایت می‌کنیم و بر گفتگو و مذاکره برای حل مناقشات و اختلافات بین کشورها تاکید داریم.

تجدد، سکولاریسم و توسعه

ماندگی گرای، زمینه‌ساز استبداد سیاسی پرستی، تاریک‌اندیشی و فلاکت است، ما مدافع تجدید و نوسازی همه جانبه و همگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر آزادی، دمکراسی، سکولاریسم، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست هستیم و معتقدیم پیکار برای در پیوند تنگاتنگ فرهنگی، اجتماعی، جدایی دین و مخالف دولت ایدئولوژیک هستیم. دستیابی به جامعه مدرن و تحقق ارزش‌های برشمرده در گروه غلبه بر توسعه نیافتگی و گذر به جامعه پیشرفته است. ما بر توسعه پایدار و انسانی تاکید داریم.

محیط زیست

بر اثر رشد انفجارگونه جمعیت، رشد کنترل تولید سرمایه طبیعی، استفاده از انرژی فسیلی، الگوی مصرفی موجود، شرایط حیات در کره زمین در حالیکه جهان و منابع موجود در آن، به نسل‌های آینده هم تعلق دارد. طبیعی و تخریب محیط زیست تولید و مصرف تغییر یابد و تکنولوژی سازگار با طبیعت سرمایه‌گذاری در منابع انرژی پاک مثل باد، آفتاب و امواج دریاها مورد استفاده قرار گیرد و از فعالیت محیط زیست کشورهای رشد جلوگیری

سرمایه

سرمایه‌داری در مقایسه با قرن نوزدهم برای تداوم حیات و رشد خود، پذیرای تنظیم‌کننده‌های مختلف اجتماعی و سیاسی شده است. این امر از یکسو بر اثر رشد سرمایه‌داری، تولید انبوه، نیاز به بازارهای جدید برای تولیدات سرمایه‌داری و کاربست تکنولوژی پیشرفته و از سوی دیگر در پرتو مبارزه جنبش سوسیالیستی و کارگری، جنبش‌های دمکراتیک، مبارزات استقلال طلبانه، جنبش زنان و چالش اندیشمندان عملی شده است. نظام سرمایه‌داری نظامی بحران‌زا است و نمی‌تواند فراز و نشیبها و گسسته‌های اجتناب‌ناپذیر در روند انباشت سرمایه را از میان بردارد. سرمایه پذیرترین، تطابق پذیرترین و جان‌ترین شیوه تولیدی است که در تاریخ بشری پدید آمده است و پویایی‌اش تا کنون به آن دخالت دولت در اقتصاد یکی از راه‌حلهای عمده

با وجود اینکه چهره سرمایه‌داری در مقایسه با قرن نوزدهم تغییر کرده است، اما هم شکاف میان کار و سرمایه و تعارض اساسی میان اجتماعی بودن تولید و تصرف خصوصی ارزش مازاد عملکرد دارد و ساختارها و سازکارهای اصلی آن هم بی‌شمار بیکاران، تمرکز ثروت و سرمایه در سطح کشورها و جهان در دست اقلیتی کوچک، چیرگی بر کشورهای پیرامونی و غارتگری آن . در چند دهه گذشته، سرمایه برای درهم شکستن نیروی کارگران متشکل، گسترش دامنه خصوصی دستاوردهای جنبش کارگری، کاهش خدمات عمومی و برنامه‌های رفاهی گام برداشته است که به تشدید نابرابری در سطح جامعه انجامیده است. سرمایه طبیعی، تولید و انباشت عظیم سلاح در عرصه جهانی و ملی، بهره مخرب و با ایجاد نظام بین‌المللی متکی بر قدرت نظامی و سرمایه مالی و گسترش مصرف‌گرایی، شرایط زندگی حیات در کره زمین را به مخاطره افکنده است. سرمایه ایجاد هماهنگی و توازن بین آزادی، برابری، دمکراسی، رشد اقتصادی، حفظ محیط زیست و



- ها، رسانه های سازمانی و غیر سازمانی به شکل فردی و یا جمعی
- 4- حق تشکیل جلسه و همکاری با دیگر اعضای سازمان برای مشاوره، تدوین و تنظیم نظرات، اسناد، قرارها و پیشنهادهای برای ارائه به ارگان های سازمانی
 - 5- مشارکت در نظرسنجی ها و هم پرسى ها، ارائه درخواست ها، پیشنهادهای و طرح های خود، و داوطلب شدن برای پذیرش مسئولیت در ارگان های سازمانی
 - 6- شرکت در تشکل های صنفی، دمکراتیک و سازمان های غیر دولتی
 - 7- شرکت در تمامی جلساتی که برای بررسی رفتار، فعالیت ها و خطاهای وی برگزار می گردد.
 - 8- حق شکایت از دیگر اعضای سازمان و ارگان ها به نهاد رسیدگی به شکایات و داوری ()

اعضای سازمان در صورت مخالفت با سیاست های سازمانی در امور غیر برنامه ای و اساسنامه، می توانند از تبلیغ آن خودداری نمایند.

8- ضوابط انضباطی:

برای تخلف از اساسنامه و تبلیغ علیه برنامه سازمانی، سوء استفاده از موقعیت تشکیلاتی و عدم پرداخت حق عضویت برای سه ماه متوالی بدون داشتن عذر موجه، متناسب با تخلف انجام گرفته مجازات های زیر در نظر گرفته می شود:

- 1- تذکر رسمی
- 2- توبیخ کتبی
- 3- سلب مسئولیت سازمانی
- 4- تنزل موقعیت سازمانی
- 5- تعلیق عضویت (حداکثر برای 6)
- 6-

تمامی مجازات های ذکر شده بایستی به تأیید ارگان بالاتر رسیده باشد. سلب مسئولیت سازمانی، تنزل موقعیت سازمانی، تعلیق عضویت و اخراج از سازمان بایستی به تأیید شورای مرکزی سازمان برسد. برای اخراج هر عضو حداقل آرای موافق دو سوم اعضای شورای مرکزی بازگشت عضو اخراج شده تنها با تأیید اکثریت شورای مرکزی میسر خواهد بود. برای عضو اخراج شده حق اعتراض به نهاد رسیدگی به شکایات و داوری () و کنگره

9- فعالیت در راستای تحقق وظایف سازمان، یک ارزش است. فعالیت اعضا در سطوح مختلف سازمان، ارج گذاشته می شود. مسئولیت خود تصمیمات تشویقی اتخاذ نمایند.

اصول تشکیلاتی:

10- سانترالیسم دمکراتیک

ساختار تشکیلاتی سازمان تلفیقی است، آگاهانه و داوطلبانه از دمکراسی و سانترالیسم، با اولویت دمکراسی. یکی از اصول مهم سازمانی، دمکراسی درون سازمانی است. "دمکراتیک" درون سازمانی یعنی کوشش برای مهیا کردن شرایط مداخله ای یک سازمان سیاسی در نبرد طبقاتی، اگر قرار باشد که تقابل این برداشت های مبارزه های مشترک نباشد، این تجربه های مهم، جمع بندی نخواهد شد و فراموش خواهند گردید. "سانترالیسم" چیزی نیست مگر کوشش " یکایک کمونیست ها برای درک مشترک از برنامه ای که در مبارزه و تجربه کسب می گردد. سانترالیسم بدون دمکراسی و بالعکس، دمکراسی بدون سانترالیسم، بی معناست. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند.

در تشکیلات داخل کشور و در شرایط حاضر محدودیت هایی برای دمکراسی تحمیل گردیده، که این محدودیت ها تحت هیچ شرایطی نمی تواند مانع از بیان نظرات اعضا و انتشار بیرونی آن گردد. بر همین اساس ما معتقد به:

- 1- انتخابی بودن همه ارگان ها با رأی مخفی و پاسخگو بودن به انتخاب کنندگان
- 2- تصمیم گیری، نظارت و کنترل جمعی، همراه با مسئولیت فردی یا جمعی
- 3- گزارش دهی و اطلاع رسانی منظم ارگان های بالایی به ارگان های پایینی و بالعکس
- 4-
- 5- علنیت و آزادی بیان و انتقاد، زیربنای تشکیلاتی بشمار می رود
- 6- حقوق برابر برای تمامی اعضای سازمانی
- 7- همه اعضای سازمانی بایستی در تصمیم گیری های مشارکت داشته و تصمیمات با اکثریت
- 8- اعضا می توانند با اطلاع به سازمان از تبلیغ مواردی که تصمیمات شورای مرکزی مغایر دیدگاه های آنهاست، امتناع نمایند. تبلیغ برنامه ی سازمان و رعایت اساسنامه شامل این مورد نخواهد بود.
- 9- پایه و اساس فعالیت های سازمانی را مصوبات کنگره های سازمانی تعیین خواهد نمود.
- 10- مسائل مورد اختلاف را می توان در سازمان به همه پرسى گذاشت.

این هدف وسیعاً مورد پشتیبانی مردم ایران است. و برای دستیابی به این اهداف، ما فدائیان بر ارزش های دمکراتیک و سوسیالیستی تکیه می کنیم. ما ضد برتری طلبی جنسی بوده و خواستار دنیایی که بر پایه ی همکاری بین المللی و همزیستی مسالمت آمیز میان ملت ها و میان فرهنگ های مختلف بنا شود، هستیم. ما نیز نگران آینده ی این سیاره ایم.

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

1- سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) که در این اساسنامه به اختصار سازمان نامیده می شود.

2- گل سرخ پنج برگ، میانه زرد و با ساقه و برگ سبز، متمایل به چپ

3- حوزه فعالیت: کل کشور ایران در حوزه فعالیت سازمان قرار دارد و دفتر مرکزی

تبصره یک: در شرایط سرکوب فعلی که فعالیت سازمان در داخل کشور غیرعلنی می باشد و اکثر رهبران و کادرهای سازمانی در مهاجرت اجباری بسر می برند، بخشی از فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان در خارج از کشور متمرکز بوده و به تبع آن مرکزیت سازمان نیز در خارج از ایران استقرار یافته است.

عضویت:

4- شرایط عضویت در سازمان:

- 1- داشتن تابعیت ایرانی
- 2- 18
- 3- پذیرش برنامه و اساسنامه سازمان
- 4- عدم عضویت در دیگر احزاب، سازمان ها و اتحادیه های سیاسی

5- شرایط پذیرش:

- 1- پذیرش عضو در سازمان انفرادی است، که به پیشنهاد سازمان پایه و یا کارگروه تشکیلاتی، توسط "کمیسیون پذیرش عضو" انجام می پذیرد.
- 2- تقاضای عضویت به صورت کتبی و با پرکردن فرم ویژه عضویت صورت می گیرد.
- 3- متقاضی عضویت باید از جانب دو عضو سازمانی که دارای حداقل سه سال سابقه عضویت در سازمان هستند، معرفی شوند.
- 4- پذیرش عضویت در سازمان برای شش ماه بصورت آزمایشی می باشد.
- در صورت تأیید سازمان پایه و ارگان بالاتر و یا کارگروه تشکیلاتی عضویت وی رسمی گردیده و از تمامی حقوق یک عضو برخوردار می گردد. اعضای آزمایشی سازمان، از تمامی حقوق اعضای رسمی بجز حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار می باشند.
- 5- تصمیم به لغو عضویت به پیشنهاد واحد پایه و پس از تصویب در شورای مرکزی رسمیت می یابد. حق شکایت به نهاد رسیدگی به شکایات و داوری () و کنگره برای کسی که عضویت اش لغو شده محفوظ است.
- 6- در داخل کشور پذیرش اعضای هسته های مستقل تشکیلاتی و اخراج آنها، صرفاً توسط خود هسته های مستقل انجام می پذیرد.

اعضای سابق سازمان که تاکنون رسماً استعفاء نداده و یا عضویت آنها لغو نگردیده، در صورت تمایل به همکاری می توانند با تأیید یک عضو سازمان که حداقل دارای سه سال سابقه عضویت باشد، به فعالیت مشترک بازگردند.

پیوستن و یا ادغام گروه، سازمان و یا تشکل های کارگری که بطور دسته جمعی خواهان عضویت در سازمان می باشند، با تأیید شورای مرکزی سازمان خواهد بود.

6- وظایف اعضا:

- 1- فعالیت در راستای پیش برد وظایف سازمانی و تلاش برای تحقق اهداف برنامه ای و سیاست
- 2- پرداخت حق عضویت و جمع آوری کمک مالی برای سازمان
- 3- رعایت اساسنامه و التزام به مصوبات کنگره و شورای مرکزی
- 4- شرکت در یکی از ارگان های سازمانی و قبول مسئولیت
- 5- رعایت انضباط و حفظ اسرار سازمانی
- 7-

- 1- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگانهای سازمانی
- 2- مشارکت در تدوین سیاست ها و اراده سیاسی سازمان، اطلاع از مسائل و تصمیمات سازمان
- 3- شرکت در بحث های نظری، برنامه ای و سیاسی سازمان، بیان آزادانه نظرات خود در اجلاس

11- فراکسیون:

شکل گیری فراکسیون های نظری در یک حزب سیاسی از اصول مهم و شروط ضروری تکوین یک حزب کارگری است. اگر بحث های مربوط به اختلاف های درونی به شکلی خردمندانه از طریق "فراکسیون های نظری" سازمان دهی شوند.

"سانترالیسم دمکراتیک" بدون حق تشکیل فراکسیون، و فراکسیون بدون سانترالیسم دمکراتیک بی معناست. از این رو حق تشکیل فراکسیون ها با گرایش نظری در سازمان برسمیت شناخته می شود. اعضاء سازمانی که حداقل در یکی از عرصه های مسائل دیدگاهی، برنامه ای و یا سیاسی دارای اشتراک نظر می باشند، می توانند برطبق ضوابط زیر مبادرت به تشکیل فراکسیون نمایند.

1- فراکسیون دارای پلاتفرم، نام و هویت جمعی می باشد. که یک از نفر را بعنوان رابط به شورای مرکزی معرفی می نماید.

2- فراکسیون صرفاً در زمینه های نظری و فکری تشکیل می شود و تبدیل و یا استفاده تشکیلاتی از آن ممنوع است.

3- فراکسیون ها می توانند مبادرت به برگزاری جلساتی برای تدوین نقطه نظرات خود بنمایند.

4- فعالیت فراکسیون ها شفاف و علنی است. و اقدامات آن نبایستی موجب نقض اساسنامه

5- هر عضو فراکسیون، در چارچوب اساسنامه موظف به تبعیت از اکثریت و اجرای کلیه تصمیمات سازمانی است.

6- فراکسیون ها می توانند در انتخاب ارگان های مرکزی لیست بلوکی ارائه نمایند.

7- در کنفرانس ها و کنگره های حزبی نمایندگان منتخب گرایش ها براساس میزان آرای نسبی که به دست می آورند، حضور خواهند داشت. و در صورت کسب حداقل 10 لیست فراکسیون در انتخابات اعضاء شورای مرکزی، فردی که بیشترین آراء را از بین لیست مزبور کسب نموده، به عنوان نماینده فراکسیون، به عضویت شورای مرکزی درخواهد آمد.

8- هزینه فعالیت های فراکسیون ها از محل کمک مالی اعضاء فراکسیون تأمین می گردد، و هیچ یک از فراکسیون ها مجاز به اخذ حق عضویت مضاعف و یا جمع آوری کمک مالی از افراد غیر عضو فراکسیون نمی باشد.

9- هیچ یک از فراکسیون ها نمی توانند بطور مستقل در نهادهای توده ای فعالیت نموده و یا با احزاب و نیروهای سیاسی همکاری و اتحاد سیاسی برقرار نمایند.

10- فراکسیون ها از حقوق برابر برخوردار بوده، و در هر حال حقوق فراکسیون ها نمی توان موجب تحدید حقوق اعضاء شود.

11- بخشی از نشریات و سایت های سازمانی برای انعکاس نظرات اعضاء اختصاص داده می . در عین حال اعضاء فراکسیون می توانند دیدگاه های و نظراتشان در سایت ها و نشریات غیر سازمانی منتشر نموده یا خود مبادرت به ایجاد سایت بنمایند. ایجاد سایت مزبور و انعکاس نظرات فراکسیون در سایت های غیر سازمانی نبایست در تضاد با برنامه و ناقض اساسنامه

12- هر فراکسیونی حق دارد برای انعکاس نظرات و دیدگاههای خود سایتی را راه اندازی نموده و یا در رسانه های خارج از سازمان انتشار دهد.

12- همه پرسی:

شورای مرکزی سازمان در مواردی که نمی تواند به جمع بندی واحدی دست یابد، و یا اتخاذ تصمیمی که تأیید و همدلی اکثریت قاطع اعضاء سازمان را مطالبه می کند، مجاز به برگزاری همه پرسی از اعضاء سازمان می باشد.

1- همه پرسی، رأی گیری از همه اعضاء سازمان در خصوص موضوع معین و مشخصی است.

2- تنها مضامین تک موضوعی می تواند به همه پرسی گذاشته شود.

3- انتخاب مسئولین سازمانی و تصویب اسناد دیدگاهی، برنامه ای و اساسنامه مشمول همه پرسی نمی شوند.

4- درخواست یک پنجم اعضاء سازمان برای برگزاری همه پرسی در مورد موضوعی خاص یا یکی از تصمیمات و مصوبات ارگان های مرکزی کافی است.

5- همه پرسی زمانی از اعتبار برخوردار بوده و نتیجه آن الزام آور می باشد، که حداقل دو سوم اعضاء سازمان در همه پرسی شرکت داشته و بیش از 60

ساختار تشکیلاتی:**13- تقسیم بندی تشکیلاتی:**

ساختار تشکیلاتی سازمان از دو بخش خارج از کشور و داخل کشور تشکیل می گردد، و تا زمانی که امکان فعالیت علنی بوجود نیامده هر دو بخش با ساختارهای متفاوتی سازماندهی خواهد گردید. در سازماندهی تشکیلاتی و بخصوص در سازماندهی هواداران سازمان و اعضائی

که ارتباطشان با سازمان قطع گردیده، شورای مرکزی می تواند از فضای مجازی استفاده نماید. ولی در هر حال سازماندهی اعضاء تشکیلات هرمی و به شکل واقعی صورت خواهد گرفت.

- خارج از کشور: واحد پایه

1- سازماندهی اعضاء تشکیلات خارج از کشور سازمان در واحدهای پایه، و براساس تقسیم بندی های شهری، کشوری و منطقه ای خواهد بود.

2- واحد پایه اساس تشکیلات سازمانی است و در مناطقی که حداقل سه عضو سازمان حضور داشته باشند تشکیل می شود.

3- واحدهای پایه در محدوده زندگی و محیط کار اعضاء سازمان در یک شهر تشکیل می . و در صورت نرسیدن به حدنصاب شورای مرکزی سازمان می تواند، اعضاء سازمانی در شهرهای مجاور، یک کشور و یا یک منطقه را در واحد پایه مشترکی سازماندهی کند.

4- واحد پایه رابط اصلی ارگان های رهبری سازمان با اعضاء سازمان و توده های مردم می باشد.

5- مسئول واحد پایه موظف است گزارش حوزه را به شورای مرکزی و تصمیمات رهبری سازمان را به اعضاء منتقل نماید.

6- تمامی واحدهای پایه در تصمیمات محلی خود در چارچوب برنامه و سیاست های سازمانی

7- در صورتی که تعداد واحدهای پایه در یک شهر و یا یک کشور بیش از دو واحد باشد، کمیته شهری و کشوری تشکیل خواهد گردید.

8- جلسات واحدها و کمیته های شهری و کشوری با حضور نصف بعلاوه یک اعضاء رسمیت می یابد.

- داخل کشور:

1- اعضاء داخل کشور سازمان، در هسته های مستقل و بر اساس روابط شخصی و اعتماد متقابل، و در محل زندگی و تولیدی اعضاء سازماندهی می گردد.

2- هسته های مستقل داخل کشور با حضور یک عضو می تواند تشکیل گردد. حداکثر اعضاء نیز با تشخیص اعضاء هسته مستقل در داخل کشور تعیین خواهد شد. ولی توصیه می شود از گسترش بیشتر اعضاء خودداری گردد.

3- ارتباط هسته مستقل داخل کشور با سازمان، از طریق شخص سومی از اعضاء سازمان برقرار می شود، که در خارج از کشور ساکن بوده و مورد اطمینان و اعتماد اعضاء هسته مستقل . در صورت درخواست هسته های مستقل و تأیید شورای مرکزی سازمان، شعبه تشکیلات داخل کشور می تواند رابط هسته های مستقل را خود تعیین نماید.

4- تمامی هسته های مستقل در تصمیمات خود از در چارچوب برنامه و سیاست های سازمان از استقلال کامل برخوردار می باشند.

5- رهبری سازمان و اعضاء مقیم خارج از کشور به هیچ وجه مجاز نیستند، در تصمیم گیری های هسته های مستقل در خصوص چگونگی فعالیت های آنان مداخله نمایند. اما می تواند نظرات مشورتی خود را برای اتخاذ تصمیم به هسته های مستقل منتقل سازند.

6- شعبه تشکیلات داخل کشور مسئول برقراری ارتباط با هسته های مستقل از طریق رابط هسته ها می باشد. اعضاء این شعبه به لحاظ سلامت امنیتی بایستی از افراد مورد وثوق شورای مرکزی و با سابقه بیش از ده سال باشند.

7- رابط اصلی سازمان با اعضا و دوستان سازمان و توده های مردم می باشد.

8- جلسات هسته های مستقل داخل کشور با حضور نصف بعلاوه یک اعضاء رسمیت می یابد.

14- کنگره:**- وظایف کنگره:**

1- کنگره عالی ترین ارگان تصمیم گیری سازمان است که از نمایندگان منتخب واحدهای سازمانی تشکیل می گردد.

2- کنگره خط مشی، برنامه، اساسنامه، و جهات عمومی سیاست ها و فعالیت های سازمان را بررسی و تصویب می کند، و در صورت لزوم آنها را مورد تجدید نظر قرار می دهد.

3- کنگره اعضاء شورای مرکزی، کمیسیون مالی، کمیسیون تدارک انتخاب ارگان های مرکزی و نهاد رسیدگی به شکایات و داوری " " را با رأی مخفی برمی گزیند. کاندیداهای عضویت در ارگان های مزبور، لازم است حداقل پنج سال سابقه عضویت در سازمان و فعالیت

4- کنگره گزارش فعالیت ارگان های منتخب خود را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد.

5- تصمیمات کنگره با رأی اکثریت مطلق (نصف بعلاوه یک) اعضاء حاضر در کنگره رسمیت می یابد. اساسنامه، برنامه و اسناد دیدگاهی با حداقل دو سوم آراء تصویب می شود.

6- اتحاد سازمانی با احزاب و سازمان های دیگر، پذیرش عضویت دسته جمعی اعضاء احزاب و سازمان های دیگر صرفاً از اختیارات کنگره سازمانی می باشد.

7- کنگره عالیترین و بالاترین مرجع رسیدگی به شکایات است، و می تواند برای تمامی مسائل سازمان اتخاذ تصمیم نماید.

8- تصویب آیین نامه برگزاری کنگره با دو سوم آراء از وظایف کنگره می باشد.

- ترکیب کنگره

- 1- اعضای واحدهای سازمانی با حق رأی مساوی، نمایندگان کنگره را انتخاب می کنند.
- 2- اعضای شورای مرکزی، کمیسیون مالی، کمیسیون تدارک انتخاب ارگان های مرکزی و نهاد رسیدگی به شکایات و داوری " با حق رأی در کنگره شرکت می نمایند. این افراد در انتخاب نمایندگان شرکت ندارند.
- 3- کمیسیون تدارک انتخاب ارگان های مرکزی شش ماه قبل از برگزاری کنگره عادی و سه ماه قبل از تشکیل کنگره فوق العاده، نسبت بین تعداد نمایندگان و اعضای تشکیلات را تعیین، و دستور کار کنگره را اعلام می کند.
- 4- هسته های مستقل داخل کشور می توانند نمایندگان خود را از بین اعضای خود و یا از بین اعضای هم سوی سازمانی در خارج از کشور انتخاب و به کمیسیون تدارک انتخاب ارگان های مرکزی معرفی نمایند.
- 5- کمیسیون تدارک انتخاب ارگان های مرکزی در هماهنگی با کمیسیون تشکیلات داخل کشور چگونگی و نسبت نمایندگان داخل کشور را تعیین می کنند. و این دو موظف اند شرایط امنیتی را برای حضور رفقای داخل کشور فراهم سازند.

- فراخوان کنگره

- 1- کنگره عادی به فاصله دو سال از کنگره قبلی تشکیل می گردد.
- 2- کنگره فوق العاده، به درخواست یک پنجم اعضای سازمان و یا یک سوم اعضای شورای مرکزی تشکیل می گردد.
- 3- برگزاری کنگره عادی و دستور جلسه آن بایستی شش ماه قبل و در مورد کنگره فوق العاده سه ماه قبل از برگزاری کنگره اعلام خواهد شد.
- 4- کمیسیون تدارک انتخاب ارگان های مرکزی مسئول برگزاری و اعلام دستور کار کنگره می . و شش ماه قبل از برگزاری کنگره عادی و سه ماه قبل از تشکیل کنگره فوق العاده، نسبت بین تعداد نمایندگان و اعضای تشکیلات را تعیین، و دستور کار کنگره را اعلام می کند.
- 5- در صورت امتناع کمیسیون و شورای مرکزی از برگزاری کنگره عادی شش ماه پس از انقضای مدت دو سال بین دو کنگره عادی و شش ماه پس از درخواست کنگره فوق العاده، یک پنجم اعضای سازمان حق دارند کمیته ای را با حقوق برابر با حقوق کمیسیون ارگان های مرکزی، جهت برگزاری کنگره ایجاد نمایند.
- 6- مکان و زمان برگزاری کنگره توسط کمیسیون تدارک انتخاب ارگان های مرکزی تعیین می شود.

- بحث های پیش از کنگره

- 1- از زمانی که برگزاری کنگره و دستور کار آن مشخص و اعلام می گردد، ارگانهای سازمانی و سایت های سازمانی موظف اند فضای کافی برای پیشبرد مباحث کنگره، را در اختیار اعضای سازمانی قرار دهند.
- 2- شورای مرکزی و نهاد درخواست کننده برگزاری کنگره موظف اند، حداقل سه ماه قبل از برگزاری کنگره گزارشات خود را برای بحث حول آن از طریق نشریات و سایت های سازمانی در اختیار اعضای سازمانی قرار دهند.
- 3- لازم است کمیته های کشوری و منطقه ای کنفرانس هایی را برای بحث حول دستور کار کنگره برگزار نمایند.

15- شورای مرکزی

- شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) منتخب کنگره و عالی ترین ارگان رهبری سازمان در فاصله دو کنگره می باشد. شورای مرکزی در مورد فعالیت های سازمان در مقابل کنگره مسئول است. و وظایف آن عبارتند از:
- 1- تدوین سیاست های عمومی سازمان در چارچوب مصوبات کنگره و تصمیم گیری در مورد
 - 2- انتخاب هیئت سیاسی - اجرائی و مسئول آن و سخنگوی سازمان
 - 3- کنترل و نظارت بر کارکرد هیئت سیاسی - اجرائی، بحث، اظهار نظر و تصمیم گیری پیرامون
 - 4- رهبری، هدایت و هماهنگی فعالیت های تشکیلاتی
 - 5- انتخاب اعضای کمیسیون تشکیلات داخل کشور، از اعضای با تجربه و مورد اطمینان سازمان و با دو سوم آراء شورای مرکزی
 - 6- انتخاب هیئت سردبیری برای نشریات و سایت های سازمانی
 - 7- انتخاب کمیسیون ملیت ها از بین اعضای شورای مرکزی و اعضای با تجربه و صاحب نظر سازمان
 - 8- نمایندگی سازمان در رابطه با احزاب و سازمان های و نهادهای دیگر
 - 9- جلسات حضوری شورای مرکزی حداقل هر شش ماه یکبار تشکیل می شود. یک سوم اعضای شورای مرکزی می توانند جلسه حضوری فوق العاده شورای مرکزی را فراخوانند.

10- شورای مرکزی از 19 عضو تشکیل می گردد.

- 11- شورای مرکزی از بین خود سه نفر را بعنوان هیئت رئیسه و از بین اعضای هیئت رئیسه یک نفر را بعنوان مسئول هیئت رئیسه با رأی مخفی انتخاب می نماید. اعضای هیئت رئیسه نمی توانند عضو هیئت سیاسی اجرائی باشند.
- 12- اعضای شورای مرکزی نمی توانند بیش از سه دوره متوالی و چهار دوره غیر متوالی به این . پس از دوره چهارم این نمایندگان بعنوان اعضای مشاور شورای مرکزی فعالیت نموده و با انتقال تجربیات خود، به شورای مرکزی جدید کمک می کنند.

16- هیئت سیاسی - اجرائی

- 1- هیئت سیاسی - اجرائی مسئول هدایت سیاسی - تشکیلاتی سازمان، در چارچوب مصوبات کنگره و شورای مرکزی در فاصله بین جلسات حضوری شورای مرکزی است.
- 2- تشکیل کارگروه ها و تعیین مسئولین آنها از بین اعضای هیئت سیاسی - اجرائی
- 3- هماهنگی نمودن فعالیت های تشکیلاتی در داخل و خارج از کشور
- 4- اجرایی نمودن سیاست های اتخاذ شده در کنگره و شورای مرکزی
- 5- هدایت، کنترل و نظارت بر کارکرد گروههای کار و مراکز نظری - پژوهشی
- 6- شمار اعضای هیئت سیاسی - اجرائی 7 نفر است و هر یک از اعضای آن یکی از مسئولیت های مرکزی را برعهده دارند.
- 7- اعضای هیئت سیاسی - اجرائی نمی توانند بیش از دو دوره متوالی و سه دوره غیر متوالی به این سمت انتخاب شوند.

17- دبیرخانه

دبیرخانه تحت مسئولیت مسئول هیئت سیاسی - اجرائی و هیئت رئیسه شورای مرکزی تشکیل می شود. مسئول هیئت سیاسی - اجرائی و هیئت رئیسه شورای مرکزی مجازند، هر یک در محدوده ارگان تحت مسئولیت خود یا صاحب اختیار از آن و با اطلاع دهی به دیگری، از "دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" استفاده کنند. از این امضا صرفاً به منظور اطلاع رسانی به بیرون از سازمان استفاده خواهد شد.

18- گروه های کار و مراکز نظری - پژوهشی

- 1- هیئت سیاسی - اجرائی سازمان برای پیش برد وظائفش در عرصه های مختلف فعالیت سازمان، با تأیید شورای مرکزی گروههای کار را در ارتباط با جنبش های کارگری، زنان، جوانان، روشنفکران، زندانیان، خلق ها و ... تشکیل می دهد.
- 2- هیئت سیاسی - اجرائی، مرکزی برای کارهای تئوریک، پژوهشی و برنامه ای دایر می کند. این مرکز کمیسیون های موضوعی را برای پیشبرد کارش تشکیل داده و از صاحب نظران در این زمینه بهره می گیرد.
- 3- هیئت سیاسی - اجرائی اعضای گروه های کار و مراکز را از بین اعضای شورای مرکزی و دیگر اعضای سازمان انتخاب می نماید. مسئولیت گروه های کار با یکی از اعضای هیئت اجرایی - سیاسی است.
- 4- گروه های کار بمنظور رفع نیازهای خود، و متناسب با نیازهای شان می توانند اعضای داوطلب را در اداره امور مشارکت دهند.
- 5- برنامه و آیین نامه گروه های کار توسط خود آنها تنظیم و با تأیید هیئت سیاسی - اجرائی به تصویب می رسد.

: کمیسیون رسیدگی و داوری به شکایت

- 19- کمیسیون " " نهادی مستقل و مرجع نهایی برای رسیدگی و داوری در باره شکایات اعضاء و ارگان های سازمان و تخطقات سازمانی می باشد. کمیسیون در قبال پیشبرد وظایف خود تنها در برابر کنگره پاسخگو است.
- 1- کنگره سازمان از میان اعضای داوطلب سازمان و صرف نظر از حضور آنان در کنگره، سه نفر را بعنوان عضو اصلی و دو نفر را بعنوان عضو علی البدل کمیسیون رسیدگی و داوری به شکایات برمی گزیند.
- 2- اعضای کمیسیون رشد نمی توانند هم زمان عضو شورای مرکزی سازمان باشند.
- 3- داوری رشد تا تشکیل کنگره معتبر است و تصمیمات آن کمیسیون برای همه اعضاء و نهادهای سازمانی لازم الاجراست. تنها کنگره حق تغییر و لغو احکام کمیسیون رشد را دارد.
- 4- کمیسیون رشد حق تفسیر اسناد اساسنامه ای و آیین نامه ای سازمان را دارد.
- 5- هرگاه تعداد اعضای کمیسیون رشد به هر دلیلی به کمتر از سه نفر برسد، شورای مرکزی موظف است با رأی موافق دست کم دو سوم اعضای خود، اعضای رشد را تکمیل کند.
- 6- بهتر است حداقل یکی از اعضای اصلی کمیسیون رشد دارای صلاحیت تشخیص حقوقی باشد.
- 7- احکام کمیسیون رشد توسط هیئت اجرایی به اجراء درمی آید.
- 8- رسیدگی و داوری کمیسیون رشد نایستی مانع اقدامات شورای مرکزی گردد. و یا خود رأساً

در کارها مداخله نموده و نقش اجرایی داشته باشد.

9- کمیسیون رشد برای رسیدگی به امور مالی و حسابرسی مالی، می تواند هیئتی را بدین منظور از اعضای سازمانی صاحب نظر تشکیل دهد.

امور مالی :

20- کمیسیون مالی تنها ارگان مسئول امور مالی سازمان است، که ناظر بر زندگی مالی سازمان می باشد. تمامی فعالیت های مالی سازمان از طریق کمیسیون مالی انجام می پذیرد.
1- منابع مالی سازمان از محل حق عضویت و کمک های مالی اعضاء و دوستداران سازمان، درآمدهای حاصل از دارائی های سازمان، فروش کتب و نشریات سازمانی، و فعالیت های انتفاعی تأمین می گردد.

2- میزان حق عضویت اعضاء و مقررات مربوط به چگونگی هزینه های مالی را شورای مرکزی تعیین و توسط کمیسیون مالی انجام می گیرد.

3- درآمدها و هزینه های سازمان توسط کمیسیون مالی به نشست های سراسری شورای مرکزی و کنگره های سازمانی گزارش می شود.

4- دریافت کمک های مالی، هدایای نقدی و غیر نقدی، و جوایز غیر متعارف از کشورهای خارجی، توسط اعضاء و ارگان های سازمانی ممنوع و تخلف محسوب می شود.

5- اگر عضوی طی شش ماه متوالی از پرداخت حق عضویت بدون عذر موجه ای خودداری کند، از سازمان اخراج خواهد شد.

6- سازمان به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی مجاز به پذیرش هدایا و کمک های مالی دیگر کشورها و سازمانهای غیر ایرانی نمی باشد.

21-

با توجه به بافت جوان جامعه، و ظرفیت مبارزاتی و انقلابی جوانان، سازمان توجه به مسائل و علایق جوانان را از اولویت های برنامه ای خود می داند. و بر تشکیل سازمان جوانان پیشگام برای ایجاد ارتباط بین سازمان و جوانان کشورمان تأکید می نماید. بدین منظور:

1- سازمان جوانان پیشگام، یار و یاور سازمان، مرکزی برای آموزش و تجربه اندوزی نیروهای جوان و پیشرو جامعه برای حضور در صفوف سازمان و در عرصه مبارزات سیاسی کشورمان می باشد.

2- سازمان جوانان دارای ساختار تشکیلاتی و اساسنامه خاص خود می باشد، که به تأیید کنگره سازمان رسیده است.

3- سازمان جوانان پیشگام برای موضع گیری و اقدام در خصوص مسائل جوانان در چارچوب برنامه و اساسنامه سازمانی از استقلال عمل برخوردار است.

4- تشکیل سازمان جوانان پیشگام، کار گروه جوانان وظایف این سازمان را بر عهده خواهد گرفت.

5- شورای مرکزی سازمان جوانان پیشگام و در غیاب ان اعضاء کار گروه جوانان با حقوق کامل در کنگره های سازمانی حضور خواهند یافت.

سازمان های توده ای و صنفی :

22- اعضای خود را تشویق می نماید، برای ایجاد ارتباط با توده های مردم، با

انگیزه متشکل ساختن و تأثیرگذاری بر آنها، در سازمان های صنفی و سندیکایی، سازمان های غیردولتی و توده ای، کانون های فرهنگی و ورزشی شرکت نمایند. در این راستا:

1- اعضای سازمان از استقلال و پرنسیپ های دمکراتیک این تشکل ها حمایت و در پیش برد اهداف و برنامه های آن تلاش می ورزند.

2- اعضای سازمان در این تشکل ها برنامه سازمانی را پیش برده و از اقدامات دمکراتیک و مترقی حمایت خواهند نمود.

3- اعضای سازمان در تشکل های مردمی و دمکراتیک باید به عنوان نمونه برای دیگران عمل کنند، و فعالانه در امور این تشکل ها مشارکت نمایند.

23-

1- هواداران سازمان کسانی هستند که به تحقق اهداف و برنامه سازمان علاقمند بوده و به انجای مختلف به سازمان در پیشبرد اهداف و برنامه اش یاری می رسانند.

2- هواداران سازمان می ای و سیاسی مشارکت کرده و به کنگره سازمان دعوت شوند. ولی از حق رای و کاندیدا شدن برای ارگان های مرکزی سازمان برخوردار نیستند.

آئین نامه ها و اصلاحات :

24- تدوین آئین نامه ها و اصلاح اساسنامه

1- شورای مرکزی برای تعیین شیوه اداره و نحوه انجام وظایف ارگان های سازمانی آئین نامه های مورد نیاز را در چارچوب اساسنامه سازمان تدوین می نماید.

2- تشخیص مغایرت آئین نامه ها با اساسنامه سازمان به عهده کمیسیون " " . کمیسیون رشد می تواند تا برگزاری کنگره توقف بکارگیری آئین نامه های تدوین شده را خواستار شود.

3- تدوین آئین نامه گروه های کار به عهده خود این گروه ها است.

4- تغییرات در اساسنامه می تواند تنها در کنگره و با اکثریت دوسوم آراء نمایندگان به تصویب برسد.

5- پیشنهاد پیرامون اصلاح اساسنامه باید حداقل سه ماه قبل از برگزاری کنگره ارائه گردد.

فصل یازدهم: نشریات و سایت ها

25- نشریه سراسری و سایت

سازمان به منظور ارتباط با اعضاء و هواداران و توده های مردم، برای انعکاس دیدگاهها و پیشبرد سیاست هایش نسبت به انتشار ارگان سراسری (نشریه مکتوب) اقدام و با گسترش سایت های اینترنتی خود، از امکانات دنیای مجازی برای پیشبرد اهداف مزبور حداکثر استفاده ممکن را

1- نشریه سراسری و سایت سازمان باید منعکس کننده نظریات سازمان و وسیله تربیت اجتماعی و ارتقاء آگاهی مردم باشد.

2- نشریه سراسری و سایت باید در جهت انسجام فکری و وحدت فکری مجموعه سازمان پیش رود.

3- نشریه سراسری و سایت باید نقش سازمانده و سازمانگر داشته، تا بتواند خط سیاسی خود را در درون سازمان و جامعه پیش ببرد.

4- اعضاء و هواداران بایستی حول خط مشی نشریه سراسری و سایت، فعالیت خود را پیش برده و سازماندهی شوند.

5- نشریه سراسری و سایت سازمان توسط شورای سردبیری اداره خواهد شد، که تحت مسئولیت شورای مرکزی و هیئت سیاسی - اجرایی سازمان می باشند.

کمیسیون خلق ها :

26- کمیسیون خلق ها

ایران کشوری است کثیرالمذله، متشکل از ملیت های فارس، ترک آذربایجانی، کرد، عرب، ترکمن و بلوچ. سازمان ما از حق تعیین سرنوشت خلق های ایرانی دفاع می نماید. در عین حال معتقد است استقلال، آزادی، توسعه و بهروزی آنها دارای سرنوشتی مشترک می باشد. از اینرو هم زمان برای وحدت و یکپارچگی ایران در قالب جمهوری دمکراتیک - فدرال پیکار می نماید.

1- کمیسیون خلق های سازمان، ارگان مسئول تدوین سیاست های سازمان در قبال مسائل مربوط به ملیت های کشورمان است.

2- حداقل یک نفر از ملیت های مختلف کشورمان در کمیسیون خلق ها حضور خواهد داشت.

3- سازمان در چارچوب سیاستها و سمت گیری برنامه ای خود، به بازسازی ساختار تشکیلاتی و ساماندهی واحدهای سازمانی در داخل کشور اقدام می کند.

4- واحدهای سازمانی مناطق ملی کشور از استقلال کامل سیاسی - تشکیلاتی برخوردار می

5- استقلال کامل سیاسی - تشکیلاتی واحدهای سازمانی در مناطق ملی کشور نافی الزامات ساختاری سازمان سراسری نیست

6- با تشکیل واحدهای سازمانی در مناطق ملی، نماینده این واحدها با حق رای قطعی به عنوان عضو شورای مرکزی سازمان محسوب می . انتخاب این نماینده توسط خود واحدهای سازمان در هر یک از مناطق ملی کشور صورت می گیرد.

این اساسنامه دارای 12 26 159 4

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

1389/12/15



دفاع از سوسیالیسم (32)

سند پیشنهادی

"سیما و ارزش‌های پایه"

"

فداییان ایران (اکثریت)، سازمانی کمونیستی و مدافع سوسیالیسم، صلح، استقلال، آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی، حقوق بشر، برابری، همبستگی اجتماعی، توسعه پایدار، حفظ محیط زیست، توزیع دموکراتیک قدرت، ثروت، فرصت فراهم آوردن شرایط زندگی انسانی برای همه شهروندان ایران و گذر از سرمایه سوسیالیسم مبارزه می‌کند. و بر تأمین هماهنگی و توازن میان آزادی، برابری، دموکراسی، توسعه و حفظ محیط زیست تأکید دارد. برابر حقوقی تمامی شهروندان فارغ از تعلقات جنسیتی، ملی - قومی، نژادی و مذهبی و مخالف تبعیض طبقاتی، جنسیتی، ملی - قومی، نژادی و مذهبی و هستیم و علیه آن می‌کنیم.

زیستگاه و میدان عمل اجتماعی ما، جهان سرمایه داری و جامعه سرمایه داری ایران است که در آن مبارزه طبقاتی امری است عینی و واقعی. که اکنون سرمایه جهانی میان کار و سرمایه در جریان، در اردوی کار قرار داریم. اجتماعی ما، دفاع از حقوق صنفی و سیاسی و مطالبات کارگران و زحمتکشان و طبقه متوسط های دموکراتیک آنان است. ما خود را سازمان کمونیستی و بخشی از جنبش چپ کشورمان می‌دانیم.

جدید اجتماعی دارای خصلت‌های دموکراتیک و ترقی ()

صلح، فمینیستی، زیست محیطی، دموکراتیک، ضدسلاح ای، حقوق بشر، حفظ هویت های اجتماعی فراملی....) را پدیده دگرگون‌ساز و عرصه مناسب برای حضور و شرکت های مختلف اجتماعی در حیات سیاسی و اجتماعی و جنبش دموکراتیک کشورمان می‌دانیم و در جانب آن‌ها قرار داریم.

منافع ملی و همبستگی جهانی هستیم، علیه سلطه‌طلبی کشورهای امپریالیستی و جهانی سازی تحت رهبری بازار مالی بین المللی و شرکت‌های فراملی مبارزه می‌کنیم و در روند جهانی شدن خود را جزو صفوف مبارزان آزادیخواه و عدالت دیگر" می‌دانیم.

برابری و عدالت اجتماعی

برابری و به طور مشخص عدالت اجتماعی، شاخص ترین ارزش کمونیست ها و نیروهای چپ به حساب می آید. ما در راستای برابری، بر توزیع قدرت، ثروت، فرصت تأکید داریم. لازم است بین برابری و آزادی پیوند تنگاتنگ ایجاد گردد. از نظر ما لیبرالیسم اقتصادی، نتولیرالیسم و نتوکسروالیسم به تشدید نابرابری و شکاف طبقاتی منجر گشته و کم بها دادن به آزادی و مطلق کردن برابری، زمینه را برای حکومت‌های استبدادی، توتالیتر و پوپولیسم باز می‌کند.

ما معتقدیم برابری اقتصادی و عدالت اجتماعی، بدون تأمین برابر حقوقی

نابرابری های ملی مفهومی . سازمان ما در راه تحقق برابری از جمله برابر حقوقی سیاسی تمامی شهروندان، برابر حقوقی زن و مرد، و برابر حقوقی ملیت های کشورمان مبارزه می‌کند. ما معتقدیم؛ دموکراسی و عدالت اجتماعی در پیوند تنگاتنگ با هم قرار دارند و عدالت اجتماعی بدون رشد اقتصادی حاصلی جز فقر مشترک در پی نخواهد داشت.

ما معتقدیم؛ تحمیل سیاست تعدیل ساختاری از جمله تقلیل هزینه های مربوط به رفاه عمومی از قبیل آموزش، مسکن، بهداشت و درمان و ناشی از پروژه نتولیرالی جهانی سازی توسط کشورهای امپریالیستی به کشورهای جهان، خصوصاً به کشورهای پیرامونی، ناقض عدالت اجتماعی و رفاه و آسایش شهروندان و به ضرر کارگران و زحمتکشان کشورمان می

در جهان سرمایه داری تنها درصد ناچیزی از شهروندان جهان از حقوق و آزادی های سیاسی و فردی و اجتماعی برخوردارند. این عده عمدتاً شامل صاحبان سرمایه و قدرت و نخبه گان مورد حمایت آنها می شوند. ما معتقدیم بایستی امکانات مادی برای بهره مندی تمامی شهروندان از آزادی های سیاسی و فردی و اجتماعی فراهم گردد، و ارتقاء آگاهی مردم را لازمه آن ارزیابی می‌کنیم. در اندیشه

فلسفی، مذهبی، علمی و غیره - در بیان از اندیشه

. ما از حوزه عمومی و جامعه مدنی در برابر اقتدار دولت، از حکومت قانون، دولت مشروط، منتخب و مقید به حقوق بشر و از عدم دخالت دولت در زندگی خصوصی دفاع

می‌کنیم و از این روست که آزادهای

ما بر اجتماعی بودن انسان تأکید داریم و مطلق کردن فرد و فردگرایی را به معنی تهی کردن انسان از خصلت اجتماعی و ثانوی و فرعی شمردن جامعه تلقی می‌کنیم. مطلق کردن جمع به معنی تنزل فرد در حد جزء و تابع محض جمع، سلب شخصیت آن، نفی گوناگونی و تفاوت اندیشه تمایلات انسانی، کم بها دادن به حقوق و آزادی‌های فردی و نافی رشد آزاد انسان عنوان جریان چپ، بر هماهنگی موزون و متعادل میان جامعه و فرد در راستای رشد آزادانه انسان و جامعه تأکید داریم. "تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل آزاد همگان است."

دموکراسی

ما دموکراسی را مناسب‌ترین ساختار سیاسی، راه و شیوه سامان دادن به جامعه و شیوه اداره امور زندگی و جامعه بشری در عرصه‌های گوناگون میدانیم و آلت‌رناتیوی مناسب سیاسی و اداره کشورها نمی‌شناسیم. دموکراسی، محصول قرن‌ها تلاش فکری و عملی بشر و بیش های آزادیخواهانه، روشنگرانه و مبارزات کارگران، زنان و روشنفکران است.

ما معتقد به تلفیق دموکراسی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هستیم و توزیع هرچه بیشتر قدرت در جامعه و مشارکت و دخالت مستقیم و آگاهانه مردم در حیات سیاسی اقتصادی و اجتماعی هستیم. در این راستا ما خواهان حکومتی مبتنی بر مجالس ملی و منطقه ای، و تلفیق آن با سیستم شورایی و تشکیل شوراهای کارگری، دهقانی و مردمی در تمامی عرصه ها بوده و از ارتقاء روزافزون قدرت این شوراها حمایت می‌کنیم.

ما مخالف هر گونه استبداد و دیکتاتوری است، حاکمیت را ناشی

می دموکراسی بر پایه رای در تعیین محدودیت زمانی قانونی آمیز آن حزبیت چندحزبی پایبند است.

ما خواهان دموکراتیزه شدن مناسبات جهانی میان ملل و دولتها، جهانی شدن دموکراسی خواهان گسترش و ژرفش دموکراسی‌های موجود در جهت دموکراسی مشارکتی، مستقیم و اجتماعی هستیم. ما مدافع دموکراتیزاسیون نهادهای جامعه و روابط میان آن جامعه مدنی و بر شکل گیری نهادهای مدنی و تقویت حوزه عمومی تأکید داریم. ما جامعه مدنی را نه به عنوان ابزار جامعه سیاسی برای کسب قدرت، بلکه به مثابه یکی از مولفه‌های اصلی برپا دارنده و استحکام بخش دموکراسی و عامل قوام بخشیدن به نیروی دفاع جامعه از خود در مقابل دولت و های اقتدارگرایی ملی و فراملی می‌دانیم.

از نظر ما سازمانیابی دموکراتیک جامعه، تشکیل یابی طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی، شکل گیری سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مستقل صنفی، فرهنگی و هنری توسط شهروندان برای دهی امور زندگی و کار و مبارزه مدنی مردم، احقاق حقوق شهروندی، اعمال فشار به دولت برای تأمین مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی، برای رشد فرهنگ دموکراتیک، دموکراتیزه کردن جامعه و مشارکت در اداره امور کشور، امری است ضروری.

سرمایه داری برای سلطه بر جهان، دنیا را نظامی کرده است. ایجاد پایگاه های نظامی، پیمانهای نظامی تجاوزگر، مداخلات مستقیم و غیر مستقیم نظامی، بر فروختن جنگهای منطقه ای، تسلیح رژیم‌های مستبد و فاشیستی، تجاوز به کشورهای دیگر از نمودهای این روند سلطه گرانه . میلیتاریسم امپریالیستی به مثابه بازوی مسلح "جهانی سازی سرمایه داری" عملکرد سیستماتیک و هدفمندی یافته، مقاومت در مقابل "جهانی سازی" نهایتاً با جنگ امپریالیست ها در هم کوبیده می‌شود.

در مقیاس ملی و بین‌المللی

ها و لازمه فراهم آوردن شرایط زندگی انسانی برای همه شهروندان کشور است. ما از تلاش جهانی برای تأمین صلح حمایت می‌کنیم و بر گفتگو و مذاکره برای حل مناقشات و اختلافات بین کشورها تأکید داریم.

پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشریت و خلع سلاح همگانی است. ما دفاع پیگیر از استقلال کشور و منافع ملی را با دفاع از مناسبات برابانه و برادرانه میان همه ی ملل جهان پیوند می‌دهیم. به همین جهت ما خواهان همکاری فرا طبقاتی و فراملیتی همه کشورها و همه نیروها برای پاسداری از منافع عموم بشری و در راس آنها صلح و خلع سلاح عمومی هستیم.

سازمان ما مدافع آزادی و حقوق بشر بوده و از حق همه مردم در اندیشه و اعتقاد و در بیان کردن، نوشتن و دفاع از اندیشه ها و باورهای خود دفاع می‌نماید. و بر همین پایه علیه هرگونه ستم ملی، طبقاتی، جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می‌کند. ما خواهان براندازی کامل نژادپرستی، فقر، بی سوادی و رعایت بی قید و شرط حقوق بشر در همه عرصه ها و همه کشورها هستیم.

ما معتقدیم؛ تمامی شهروندان از حقوق برابر در مقابل قانون برخوردارند، و هیچ فردی نبایستی به خاطر جنسیت، نژاد، قوم، عقیده و ایمان، باورهای مذهبی یا سیاسی از امتیازی برخوردار و یا محروم شود ما بر برابر حقوقی شهروندان تأکید و اجرای بی‌خداشه حقوق بشر و مفاد اعلامیه جهانی

مبارزاتی شان را انتخاب نمایند و از هر روشی که تأمین کننده منافع طبقاتی و ملی آنها باشد، برای ایجاد تحول و برای برکناری جمهوری اسلامی استفاده نمایند. با این حال معتقدیم در صورت تمکین رژیم معقول ترین، کم هزینه ترین و انسانی ترین روش مراجعه به آرای عمومی با داشتن شرایطی مساوی برای تبلیغ و تشریح خواسته های طرفین است. ما در شرایط کنونی تلاش برای ارتقاء آگاهی و سازماندهی مردم و گسترش نافرمانی های مدنی را مدنظر داریم، و در این راستا از تمامی ظرفیت های قانونی هرچند محدود استفاده خواهیم نمود.

ما در راستای تحقق خواست های دموکراتیک مردم ایران و برکناری حکومت جمهوری اسلامی و رژیم ولایت فقیه از همکاری و اتحاد عمل تمامی نیروهای چپ، جمهوری خواه دمکرات، احزاب ملی و منطقه ای، فعالین محیط زیست، مخالفین جنگ، جنبش دانشجویی و زنان استقبال می نماییم.

سرمایه داری

ما معتقدیم که "تاریخ کلیه جوامع تا این زمان تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است." نظام سرمایه داری را سرمنشاء ستم طبقاتی، بی عدالتی، بهره وری غارتگرانه از طبیعت، جنگ و بیکاری توده ای و منشا بسیاری از نابسامانی ها و ناهنجاری های اجتماعی می داند. جامعه ی طبقاتی و تبعیضات بیدادگرانه ناشی از استیلا نظام سرمایه داری مغایر شأن انسانی است و علیه آن پیگیرانه مبارزه می کنیم. سرمایه داری در آغاز قرن بیست و یکم آشکارا ناتوانی خود را در پاسخ گویی به معضلات بشر که خود موجد بسیاری از آنها بوده است، نشان می دهد. ما سوسیالیسم را به عنوان یک ضرورت برای حل این معضلات میدانیم و هم زمان با مبارزه برای سوسیالیسم، برای اشاعه و نهادینه شدن اندیشه دموکراسی، عدالت خواهی، برابری حقوق زن و مرد، و تنظیم رابطه ی انسان با طبیعت در جامعه نیز مبارزه می کنیم.

نظام سرمایه داری در طی تکامل خود از دو مرحله ما قبل انحصار و انحصار گذر کرده. مالکیت خصوصی و استمرار وجه اشتراک هر دو مرحله فوق می باشد. علیرغم تحولاتی که سرمایه داری تاکنون گذرانیده، ماهیت آن، همچنان ثابت مانده است. تولید کالایی مبنی بر روابط سرمایه داری و مالکیت خصوصی و تعقیب سود از راه استثمار کارگران و غارت زحمتکشان ماهیت تغییر ناپذیر سرمایه داری بوده است.

با تراکم و تمرکز سرمایه و تولید، انحصارهای بزرگ پدید آمدند، و سرمایه داری به مرحله امپریالیسم، یعنی امپراتوری سرمایه بر جهان عبور کرد. انحصارات امپریالیستی در رقابت بین خود بر سر تصاحب هر چه بیشتر بازارهای دنیا، جهان را با انسانها و ثروتهايش دوبار در آتش جنگی عالم گیر به خاکستر تبدیل کرده اند. از بهم پیوستن انحصارات کشورهای مختلف، انحصارات فراملیتی بوجود آمدند، که رقابت و کشمکش در بین آنها برای بلعیدن یکدیگر هنوز رویدادهای چند سال اخیر در عراق و افغانستان و تجاوز نظامی اخیر به لیبی بیانگر آن است که در عصر سلاح های اتمی، جنگ های امپریالیستی به هزینه مردم کشورهای جهان

سوم و در جبهه ای بنام کشورهای پیرامونی پی گرفته می شود.

جهانی سازی

گرایش به جهانی شدن از مشخصات ذاتی بورژوازی است. از سالهای میانی 1970 سرمایه داری با بهره گیری انحصاری از ثمرات انقلاب علمی و فنی در تمامی عرصه ها به مرحله "گلوبالیزاسیون" و به عبارتی دقیق تر به "جهانی سازی سرمایه داری" پای گذاشت که ادامه منطقی مرحله امپریالیستی بود. جهانی سازی واژه ای است که شکل و محتوای امپریالیسم را در دوران کنونی بازگو می کند. : یک کاسه شدن اقتصاد جهانی، متورم شدن بیش از حد سرمایه مالی، افزایش بی سابقه وزن شرکت های فراملیتی است. سرمایه داری مالی کنونی همان جهانی سازی سرمایه داری است، که به سرگردگی و مدیریت کشورها و بنگاه های مالی رأس هرم نظام سرمایه داری هدایت می شود.

پروژه ای که امروزه در سطح جهانی جاری است نه جهانی شدن، بلکه جهانی سازی تحمیلی با ویژگی های امپریالیستی است. جهانی سازی فرایندی ارتجاعی و در عین حال تحریف شده از جهانی شدن می باشد. سمت و سوی عام سیاسی این تحریف "راست جدید" . نتولیبالیسم با در هم ریختن مرزهای "جهانی سازی" "جهانی شدن" و با نشان دادن نموده های جهانی شدن در پی آن است که منطقی بودن و ناگزیری جهانی سازی سرمایه داری را نتیجه بگیرد و آن را بعنوان واقعیت و الزام اجتماعی به خورد جهانیان بدهد. نتولیبالیسم و نو محافظه کاری ایدئولوژی مدافع جهانی سازی سرمایه داری اند. چهره دیگر جهانی سازی سرمایه داری و سیاست های نتولیبالیستی - نو محافظه کار، آمریکایی شدن است.

سازمان ما مدافع پیگیر منافع و خواست های ترقی خواهانه همه مردم ایران .

رزمنده راه آزادی و بهروزی توده های کشورمان است. سازمان ما برعلیه امپریالیسم جهانی مبارزه می کند و خود را بخشی از جنبش ضدامپریالیستی خلق های جهان بشمار می آورد.

سوسیالیسم

هدف نهایی سازمان ما سوسیالیسم است، و سازمان ما در راه برانداختن بهره کشی

حقوق بشر و ملحقات آن را الزامی می دانیم و ضمن مبارزه برای رعایت حقوق بشر در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، برای لغو اعدام، ممنوعیت شکنجه و تعمیم حقوق بشر به ابعاد اقتصادی مبارزه می کنیم.

محیط زیست

سرمایه داری تمامی عرصه های هستی و زیستی را مورد تهاجم سودجویانه خود قرار داده . بطوریکه در اثر رشد انفجارگونه جمعیت، رشد کنترل طبیعی، استفاده از انرژی فسیلی، تغییر الگوی مصرفی، شرایط حیات در کره زمین به نسل های آینده هم تعلق دارد. محیط زیست تولید و مصرف تغییر یابد و تکنولوژی سازگار با طبیعت سرمایه گذاری در منابع انرژی پاک مثل باد، آفتاب و امواج دریاها مورد استفاده قرار گیرد و از فعالیت محیط زیست کشورهای رشد جلوگیری

در شرایط جهان امروز حفظ محیط زیست و ممانعت از مداخلات زیان بار در طبیعت زیست یکی از هدف های بزرگ بشریت بشمار می آید. در این راستا ما مدافع همبستگی بین المللی در دفاع از محیط زیست و پاسداری خردمندانه از آن و ممانعت از مداخلات زیان بار در طبیعت زیست هستیم. سازمان ما خواستار بهره وری بدون تبعیض همه کشورها از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی و استقرار نظام نوین اقتصادی در مناسبات بین المللی برای توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست می باشد.

تجدد و سکولاریسم

ماندگی گرای، زمینه ساز استبداد سیاسی پرستی، تاریک اندیشی، فلاکت مردم و در تقابل با تکامل تاریخی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر آزادی، دمکراسی، سکولاریسم، عدالت اجتماعی و حفظ محیط زیست هستیم و معتقدیم پیکار برای فرهنگی، اجتماعی جدایی دین هستیم. ما معتقدیم؛ تجدد یعنی "هر آنچه سخت و استوار است، دود می شود و به هوا می رود". باور ما تجدد تلاشی است برای تشخیص و خاتمه دادن به فشارهای اجتماعی بر مردم، تلاشی برای توسعه همه جانبه و بدون شیفتگی و دوری از ریشه ها و سرچشمه ها، تلاشی انتقادی به وضع موجود و انقلابی مستمر در روابط اجتماعی برای تغییر جهان.

مسئله ملی

سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در راستای باور به ارزش های انسانی و عموم بشری و در راستای تأمین استقلال کشور، صلح و برقراری سوسیالیسم، خواهان تأمین منافع ملی و آزادی همه خلق های ساکن کشورمان است.

ما معتقدیم، کشور ما ایران، کشوری است کثیرالملله، متشکل از ملیت

ترکمن، عرب، کرد، فارس و گروه های قومی دیگر و مسئله ملی به یک مسئله جدی، عمومی و سراسری جنبش ضد استبدادی و ضدارتجاعی مردم ایران تبدیل شده است. چشم پوشی بر این واقعیت از سوی هر نیروی سیاسی ترقیخواه و عدالت طلب، چشم پوشی بر بخش انکارناپذیر مبارزات برابری طلبانه و دموکراتیک مردم ایران است. ما سرکوب جنبش های ملی و آزادخواهی ملیت های ایران را تظاهر بارز سیاست های شوونیستی و استبدادی رژیم ولایت فقیه می دانیم و مبارزه علیه این ستم مضاعف بر ملیت های بلوچ، ترک آذری، ترکمن، عرب، کرد و وظایف برنامه ای خود بشمار می آوریم.

ما معتقدیم؛ برخورداری از حق ملی، حقی است دموکراتیک که هر شهروند ایرانی باید از آن . هیچ مولفه ملی نمی تواند برای ملیت های دیگر تصمیم یک جانبه بگیرد و

سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها را مستبدانه رقم بزند.

سازمان ما خود را متحد استراتژیک جنبش مطالباتی ملیت ها در پهنه کشور می

برقراری نزدیک ترین مناسبات با تشکل های ملی -

همکاری های متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر تلاش می کند.

سازمان ما از نظام سیاسی فدرالیسم دموکراتیک برای حل معضل ملیت های ساکن کشورمان دفاع می کند.

جمهوری اسلامی

آماج اصلی سازمان ما برپایی جمهوری دموکراتیک فدرال مردم ایران است. و مقدم ترین وظیفه ما برکناری رژیم ولایت فقیه و تأمین و تضمین استقلال، صلح، امنیت، و آزادی است. این اساس ما خواهان برکناری رژیم جمهوری اسلامی هستیم.

ما بدون تجویز راه حلی نهایی اعلام می داریم؛ مردم ایران در دفاع از منافع خود حق خواهند داشت بنا به موقعیت و شرایط موجود در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی شیوه های

انترناسیونالیسم پروتری

با اجرای پروژه جهانی سازی نئولیبرالی، ما شاهد شکل گیری انترناسیونال سرمایه هستیم. سرمایه داری در راستای منافع خود مرزهای ملی را درهم نوردیده، قدرت طبقه کارگر را در ابعاد جغرافیایی و ایدئولوژیک مورد تهاجم قرار داده، توان مطالباتی کارگران در استفاده از اعتصاب بعنوان موثرترین سلاح کارگران در مبارزه طبقاتی را کاهش داده و در پی باز پس گیری دستاورد نزدیک به دو قرن مبارزات کارگران جهان است، برای مقابله با این یورش جهانی سرمایه راه کاری جز اقدام و مقابله جهانی قربانیان سرمایه وجود ندارد. تنها و تنها باید جهانی عمل کنیم. در مقابل آزادی تشکل جهانی سرمایه، اردوی کار الزاماً بایستی متشکل گشته و به احیای سنت های انترناسیونالیسم مبادرت ورزد. از نظر ما انترناسیونالیسم کارگری تنها آلترناتیو مناسب جهانی سازی سرمایه داری است، و شعار "کارگران جهان متحد شوید" هنوز هم یگانه شعاری است که می تواند کارگران و زحمتکشان جهان را به مقابله با سرمایه داری و پروژه جهانی سازی آن و انباشت سرمایه و تشدید استثمار برانگیزاند. از اینرو سازمان ما برای تأسیس انترناسیونال کارگری جدید بر محور اتحادیه های کارگری و مستقل از دولت با مشارکت احزاب کارگری، کمونیست ها، سوسیالیست های چپ، و چپ های کارگری آزاداندیش و باورمند به مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم بعنوان نظامی اجتماعی و قابل دسترس، تلاش می ورزد.

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

1390/1/16

انسان از انسان و برای دست یابی به نظام سوسیالیستی مبارزه می کند. به باور ما سوسیالیسم نظامی است انسانی و دمکراتیک که در آن انسان در مرکز توجه قرار دارد و رشد همه جانبه انسان تأمین می گردد. سوسیالیسم از آزادی و دموکراسی جدایی ناپذیر است و بیان آزاد اندیشه و عقیده و آزادی سیاسی و دخالت و تصمیم گیری مستقیم مردم در برنامه ریزی، تولید، مبادله و در امر سیاست، فرهنگ و غیره تنها ضامن پیشرفت سوسیالیسم و ساختمان پیروزمندان آن ابزار دستیابی به سوسیالیسم دستاوردی علمی و دانش بشری است. از اینرو سوسیالیسم علمی، تئوری راهنمای عمل سازمان ما می باشد.

ما معتقدیم؛ سوسیالیسم نقد رادیکال نظام اقتصادی اجتماعی و فکری سرمایه داری و ضرورتی برای فرا رفتن از معضلات و خلاصی از بحران ها و مصائب ناشی از آن نظام، و در عین حال آلترناتیوی برای سرمایه داری است. در جامعه سوسیالیستی تولید برای سود، جای خود را به تولید برای رفع نیازهای همه مردم و برای رفاه هرچه بیشتر همه انسان ها خواهد داد. جامعه سوسیالیستی اتوبی یا یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست، بلکه محصول و هدف مبارزه یک طبقه عظیم اجتماعی علیه نظام سرمایه داری است. ما سوسیالیسم را بعنوان نظامی اجتماعی و قابل دسترس و مبارزه برای تحقق آن را نه کار فردا بلکه وظیفه امروز خود می دانیم. از این رو برقراری جمهوری دمکراتیک فدرال با سمت گیری سوسیالیستی و تلاش برای توسعه سیاسی و اقتصادی کشور، اصلی ترین آماج سازمان ما بشمار می رود.

دفاع از سوسیالیسم (31)

پیشنهادی به کنگره دوازدهم

!

اینکه که به نام کنگره و به نمایندگی از جانب اعضای سازمان، در مهمترین همایش فداییان خلق ایران - اکثریت گرد هم آمده اید، ما جمعی از هواداران سازمان در داخل کشور، بار دیگر شما را فرا می خوانیم تا به پیشنهاد ما برای اخراج آقای فرخ نگهدار از سازمان رسیدگی نمایید.

!

ما دو سال قبل نیز در آستانه کنگره یازدهم با ارسال سند در دفاع از سوسیالیسم (16) برای کنگره تحت عنوان "طرح پیشنهادی به کنگره یازدهم سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت" خواهان کنار گذاشتن آقای فرخ نگهدار از سازمان شدیم. متأسفانه رهبری سازمان و گردانندگان کنگره در اقدامی غیر دمکراتیک از طرح خواست ما در کنگره خودداری نموده و حتی از انعکاس آن نیز ممانعت بعمل آوردند. راستای چنین سیاستی، سایت کار آنلاین نیز از درج سند پیشنهادی ما امتناع نمود و سردبیر محترم سایت پس از چند روز با این توضیح که درگیر کارهای کنگره بوده و نتوانسته امیل های سایت را چک کند، سعی کرد سر و ته قضیه را سرهم آورد. درخواستی که از کنگره قبلی داشتیم همچنان پابرجاست و از دلایل آن نه تنها کاسته نشده، بلکه بر آن افزوده گردیده است.

!

حوادث اخیر و رفتارهای ضد سازمانی آقای نگهدار در دو سال گذشته و بخصوص دفاع وی از طرح نئولیبرالی حذف یارانه ها و نامه مشورتی وی به خامنه ای دیکتاتور، در مغایرت با اهداف و برنامه های سازمان و خط مشی سیاسی آن بوده و در تقابل آشکار با مطالبات مردم به ستوه آمده از ظلم و جور دیکتاتوری حاکم می باشد. این اقدام لطامت حیثیتی زیادی به سیمای اپوزیسیونی سازمان ما وارد کرده است. این موارد ظاهراً بعنوان نظرات شخصی وی طرح گردیده، ولی کیست که نداند، (حتی خود آقای نگهدار) که بازتاب منفی این اظهارات به پای سازمان ما نوشته می شود. در این مدت صدها بار شاهد آن بوده ایم که از طیف های مختلف مردم، به اشخاصی که بعنوان فدایی می شناسند، مراجعه و به طعن می گویند: "سخنان رهبران را شنیدید!!" چرا که هستند کسانی که فکر می کنند آقای نگهدار هنوز هم دبیر اول سازمان ماست. توهمی که ایشان عامدانه در تشدید آن به اشکال مختلف تلاش می ورزد. با اخراج آقای فرخ نگهدار به عنوان یکی از رهبران فعلی سازمان، به این توهم برای همیشه خاتمه دهیم.

ما ضمن تأکید بر دلایل زیر و با توجه به مجموعه رفتارهای ضدسازمانی و مخربانه آقای فرخ نگهدار در طی سه دهه گذشته پیشنهاد می کنیم؛ که ایشان را از سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اخراج نمایید:

- اولین کمیته مرکزی سازمان در بعد از انقلاب بر اساس اظهارات

مکتوب آقای نقی حمیدیان از رهبران سابق سازمان در کتاب "سفر بر بال های آرزو". تقلبی که به کنار گذاشتن رفیق شهید هادی لنگرودی از کمیته مرکزی وقت سازمان منجر شد و در انشعاب اقلیت از سازمان نیز بی تأثیر نبود.

- تحمیل سیاست فاجعه بار "شکوفایی جمهوری اسلامی" به سازمان که به سود رژیم و بر ضد منافع مردم ایران بود، امری که در کنگره اول سازمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

- مجری اصلی سیاست فاجعه بار ادغام سازمان در حزب توده ایران که به دستگیری و شهادت تعدادی از رفقای شاغل در ارگانهای نظامی کشور منجر شد. امری که در تسری تبعات حمله رژیم به حزب توده به تشکیلات سازمان و دستگیری و شهادت تعدادی از رهبران و کادرهای کارآمد سازمان (از جمله شناسایی و دستگیری رفقا نوشیروان لطفی، رحیم اسداللهی و ...) نقش مهمی ایفاء نمود.

- سازماندهی نادرست تشکیلات و نقش اصلی ایشان در ایجاد دسته بندیهای غیردمکراتیک در درون کمیته مرکزی و ارگانهای ذریبیط پس از ضربات سال ۶۲ که ضربات فاجعه بار ۶۵ را منجر گردید و باعث یه شهادت رسیدن دهها تن از اعضا و کادرهای سازمان شد. این موضوع در کنگره اول سازمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

- عدم همکاری با کمیسیون برگزیده کنگره اول برای تحقیق در خصوص ضربات سال ۶۵ - ضبط اسناد سازمانی از گاو صندوق سازمان در تاشکند و عدم ارائه آن به کمیسیون تحقیق بر اساس اظهارات اعضای منتخب کمیسیون تحقیق در کنگره اول سازمان.

- برنامه ریزی روند استحاله سازمان برای انحلال، با سوق دادن اعضای سازمان به عضویت مکرر در اتحاد(حزب) جمهوری خواهان.

- عضویت همزمان در سازمان و اتحاد(حزب) جمهوری خواهان.

- دفاع ایدئولوژیک از نظام سرمایه داری در نوشته ها و مصاحبه ها و ترویج این دیدگاه که مغایر با اهداف برنامه ای سازمان که در جشن بزرگداشت ۱۹ بهمن در سال ۸۶ و مناسبتهای دیگر اعلام گردیده است.

- تلاش برای جانداختن نوع دیگری از سیاست فاجعه بار "شکوفایی جمهوری اسلامی" با ارائه تحلیلها و نامه های مشورتی به رهبر دیکتاتور و خونریز جمهوری اسلامی و دفاع از طرح نئولیبرالی یارانه های دولت احمدی نژاد در تقابل با مخالفت عمومی مردم ایران.

- و

با توجه به دلایل یادشده که هر کدام از آنها می تواند در کنگره سازمان طرح و از سوی نمایندگان حاضر مورد توجه و بررسی قرار گیرد، اضافه می کنیم:

- اخراج آقای نگهدار مانع بزرگی را از فراروی همکاری نیروهای چپ با سازمان ما از میان بخواهد داشت.

- اخراج آقای نگهدار مانع از هزینه دهی حیثیتی سازمان خواهد شد و ایشان هم نخواهد توانست به حساب سازمان هزینه کند.

- اخراج آقای نگهدار موجب بازگشت و فعال شدن جمع کثیری از فدائینی خواهد شد که در اعتراض به سیاست و رفتارهای وی سازمان را ترک کرده اند.

- اخراج آقای نگهدار سازمان ما را در بازیابی هویت فدائی خود کمک خواهد نمود.

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

۱۳۸۹/۱۲/۲۶

ما ضمن استقبال از برگزاری جشن مشترک سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اتحاد فدائیان خلق ایران به مناسبت چهلمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران و روح حاکم بر بیانیه مشترک این دو سازمان که اعلام نموده:

" ما بر این باوریم که جنبش چپ ایران، امروز بیش از هر زمان دیگری برای آن که بتواند نقشی در خور در تحولات آتی جامعه ایفا کند، نیازمند برآمدی متحدتر و با قدرت عمل بیشتر در صحنه سیاسی کشور است. چپ متحد و قدرتمند تضمینی برای استقرار یک جامعه آزاد و عادلانه

- در چهلمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق، ما بار دیگر با وظیفه سازماندهی وحدت چپ مواجهیم و معتقدیم که فدائیان خلق، به مثابه بزرگ ترین طیف فعالان چپ، می توانند همگام با دیگر نیروهای چپ دمکرات و سوسیالیست نقش برجسته‌ای در تحقق چنین وحدتی ایفا کنند و با الهام از بنیانگذاران این جنبش موانع بر سر راه شکل گیری یک چپ قدرتمند و موثر در سیاست ایران را بر طرف سازند.

- وحدت چپ دمکرات و سوسیالیست مهم ترین چالش پیش روی فدائیان خلق و همه محافل چپ دمکرات و آزادخواه ایران است."

مؤکداً اعلام می داریم که وحدت دو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فدائیان خلق ایران می تواند نقش مهمی در شکل گیری اتحاد چپ کشورمان داشته باشد. از این رو موارد زیر را برای تصویب به کنگره دوازدهم پیشنهاد می کنیم:

1- کنگره، شورای مرکزی منتخب خود را ملزم می نماید در اولین نشست خود، سه نفر را بعنوان هیئت پیگیری امر وحدت دو سازمان و مسائل مربوط به اتحاد چپ انتخاب و نتیجه کار آن را به کنگره آتی گزارش کند.

2- کنگره، پیشنهاد می کند از طرف سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران نیز هیئت مشابهی تعیین شود، تا با تفویض اختیارات ویژه ای، این هیئت مشترک بتواند با جدیت بیشتری امور مربوط به وحدت را پیگیری نمایند.

3- کنگره، در راستای شکل گیری وحدت حزبی و اتحاد چپ کشورمان، و برای جلب رفقای که به دلایل مختلف از فعالیت سازمانی در این دو سازمان کنار کشیده اند، پیشنهاد می کند؛ هیئت مشترک برای اینکه تمامی نمایندگان شرکت کننده در دوازده کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و نه کنگره سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، بتوانند در کنگره وحدت حضور داشته باشند، راه کارهای اجرایی را بررسی نماید.

4- از آنجائیکه وحدت پیش رو بین دو عضو از خانواده جنبش فدائی صورت می گیرد، کنگره برای تشکیلات جدید نام "سازمان فدائیان خلق ایران" را پیشنهاد می کند. بدیهی است با پیوستن احزاب و سازمانهای مطرح و قدرتمند دیگری از جنبش چپ به این وحدت، می توان بر روی نام های دیگری توافق نمود.

5- کنگره در صورت تمایل رفقای "شورای موقت سوسیالیست ها" از پذیرش دسته جمعی آنها، در تشکیلات حاصل از وحدت فدائیان خلق استقبال می کند.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

12/1389/19

در دفاع از سوسیالیسم (28)

برافرازیم، فردا خیلی دیر است!

بدون هیچ تردیدی، اتحاد و اتحاد چپ نیاز مبرم مبارزات دمکراتیک و طبقاتی کشورمان بشمار می آید. نیازی که سالهاست کمبود آن احساس می شود و جمهوری اسلامی برای نبودش از بدو انقلاب تلاش ورزیده و از نابودش بسی خرسند و شادمان است. ما نیز هم چون بسیاری دیگر در هر فرصتی که پیش آمده بر اهمیت این موضوع تأکید نموده ایم.

ما معتقدیم؛ برای مبارزه با رژیم فاشیست و غیر انسانی، مانند جمهوری اسلامی، بایستی از تمامی توان و نیروی خود بهره برد، و از هر شیوه ای، البته به شرطی که نافی ارزش های انسانی نباشد، متناسب با موقعیت ها استفاده نمود. لذا برای دستیابی به حقوق دمکراتیک بایستی جبهه ای در وسعت کشور و با حضور تمامی نیروهای سیاسی و اجتماعی دمکراتیک مخالف رژیم، سازماندهی شود. چپ بخش تفکیک ناپذیر این جبهه خواهد بود و

قدرتمند همواره تضمینی برای استقرار یک جامعه آزاد و عادلانه است. در این راستا ما خواهان همکاری با تمامی احزاب، سازمانها و شخصیت های سیاسی دمکرات، برای آزادی زندانیان سیاسی، رفع تبعیض جنسی، دفاع از صلح و نیز همکاری جبهه ای در قالب اتحادی دمکراتیک سیاسی، دمکراسی، حقوق بشر، جمهوری سکولار، رفع ستم ملی، آزادی

زندانیان سیاسی، رفع تبعیض جنسی، دفاع از صلح و ... هستیم.

ما معتقدیم؛ چپ برای اینکه بتواند در فرآیندهای سیاسی کشورمان نقشی درخور ایفاء نماید، لازم است در جبهه دمکراتیک بشکلی متحد و یکپارچه شرکت نماید. حضور یکپارچه و قوی چپ، توان و کارایی آن را در تأثیرگذاری بر آینده سیاسی کشورمان افزایش خواهد داد. هیچ یک از تشکلهای چپ فعلاً به تنهایی قادر نیست چنین وظیفه ای را برعهده گیرد، پس لازم است پرچم اتحاد چپ را همین امروز برافرازیم، که فردا خیلی دیر خواهد بود.

! اگر می خواهیم حداقل هایی از اهداف و خواست های چپ را در کشورمان متحقق سازیم، دست اتحاد به سوی یکدیگر دراز کنیم. بی آنکه بر اختلافات و تفاوت های مابین خود سرپوشی بگذاریم و یا به فراموشی بسپاریم. بیایید وجوه مشترک خود را که به مراتب بیشتر از تفاوت هایمان است، برجسته کنیم. ما در این راستا خواهان همکاری تمامی احزاب و سازمانهای چپ در قالب اتحاد جبهه ای چپ برای تعمیق مبارزات طبقاتی و جانبداری از طبقه کارگر و زحمتکشان، انعکاس هرچه بیشتر تفکر مبتنی بر عدالت اجتماعی و خواست های طبقاتی در درون جنبش دمکراتیک هستیم.

ما معتقدیم؛ وحدت دو سازمان از جنبش فدائیان، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، می تواند نقطه عطفی در سه دهه وحدت گریزی و خود ستیزی نیروهای چپ کشورمان باشد. ما در این راستا خواهان وحدت با سازمان اتحاد فدائیان ایران در چارچوب تشکیلات واحد حزبی، بعنوان هسته ای برای شکل گیری چپ متحد

هستیم.

در دفاع از سوسیالیسم (30)

قطعنامه پیشنهادی به کنگره دوازدهم

در خواست تعیین تکلیف با رفقای دو عضویتی

کنگره ساختار تشکیلاتی اتحاد () جمهوری خواهان را در زمره احزاب سیاسی ارزیابی می نماید. از این رو عضویت هم زمان اعضای سازمان در اتحاد () جمهوری خواهان را مغایر اساسنامه و مشی سیاسی خود می داند. لذا به اعضای خود که علیرغم عضویت در سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تشکل سیاسی هم عرض دیگری عضو می باشند، از این تاریخ به مدت شش ماه فرصت می دهد تا برای گزینش یکی از این دو تشکل حزبی اقدام نمایند. بدیهی است در صورت عدم کناره گیری این رفقا از اتحاد () جمهوری خواهان تا تاریخ یاد شده، عضویت آنها در سازمان لغو خواهد گردید.

کنگره علیرغم این مصوبه اذعان می دارد؛ که نکات مشترک فراوانی برای همکاری در مبارزات دمکراتیک کشورمان با دوستان اتحاد () . از این رو در آینده نیز به همکاری خود با آنها ادامه خواهیم داد. ضمناً در صورت فراوانی این تشکل به اتحادی جبهه ای، متشکل از احزاب و سازمان های سیاسی و البته شخصیت های مستقل سیاسی، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آماده است موضوع حضور خود بعنوان شخصیتی حقوقی در چنین جبهه ای را با حسن نظر مورد بررسی قرار دهد.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

1389/12/26

در دفاع از سوسیالیسم (29)

قطعنامه پیشنهادی به کنگره دوازدهم

در مورد فراکسیون کمونیستی و اخراج رفیق سیاوش

پیرو اطلاعیه هیئت سیاسی - اجرایی سازمان به تاریخ سوم خرداد 1386 "پیرامون فراکسیون کمونیستی و سایت یاران ما" 21 89 دبیرخانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با صدور اعلامیه ای اخراج رفیق سیاوش از سازمان و غیر قانونی بودن فراکسیون کمونیستی را اعلام و دلایلی که برای این اقدام آورده شده بود چنین بود: "نقض اساسنامه، عدم پرداخت حق عضویت و رفتارهای غیر سازمانی" فاغ از اینکه هر دو اعلامیه و اطلاعیه دارای مشکلات حقوقی بودند، متأسفانه ادبیات بکار رفته در آنها نیز در شأن سازمان نبود. در شرایطی که ما در مورد دیگران و حتی دشمنان، خود را ملزم به رعایت حریم هایی می نماییم، متأسفانه در مورد یاران خود که با آنها مشکل فکری و عقیدتی پیدا می کنیم، به راحتی این حریم ها را به کناری می نهیم و با لحنی اهانت آمیز درصد حذف آنها به اشکال مختلف برمی آیم. ما در دو اطلاعیه "در دفاع از سوسیالیسم (7) (24)" که پیوست این قطعنامه ی پیشنهادی است، به تفصیل نظرات خود را در این خصوص بیان نموده ایم، که متأسفانه سایت کار آنلاین از درج هر دو خودداری نمود. در آن دو اطلاعیه ما ضمن بیان انتقادات خود از رهبری سازمان، رفتار نادرست و ادبیات مورد استفاده رفقای فراکسیون کمونیستی را نیز به نقد کشیدیم.

ما در آن دو اطلاعیه نوشتیم رهبری سازمان تلاش کردند تا "با تغییر سند مصوب کنگره پنجم متناسب با شرایط حاضر که بی مشابهت با قانون احزاب جمهوری اسلامی نبود، زمینه را برای انحلال فراکسیون کمونیستی مهیا سازند." و اضافه نمودیم که "به همین دلیل همواره برای ما و بسیاری از رفقای فدایی در داخل کشور جای سؤال بوده، که چگونه است در طی ده کنگره ی گذشته شرایط بگونه ای مدیریت شده که تنها رفقای کمونیست و رادیکال از سازمان رانده می شوند؟ از طرفی دیگر رهبری سازمان با انحلال تشکیلات داخل و به تبع آن عدم پذیرش رفقای داخل بعنوان عضو فراکسیون و با وضع ضوابط محدود کننده ظاهراً امنیتی، و مخالفت با عضویت مجدد رفقای کمونیستی که قبلاً عضو سازمان بوده و اخیراً به خارج از کشور مهاجرت کرده اند، عملاً امکان شکل گیری فراکسیون کمونیستی با ضوابط خودشان را هم ناممکن ساخته است. ما منکر ضرورت اعمال ضوابط امنیتی در پذیرش اعضای جدید و حتی تعمیم آن به اعضای قبلی نیستیم، اما جای بسی تعجب است که این ضوابط تنها شامل حال رفقای کمونیست و رادیکال می شود و سوسیال دمکرات ها، لیبرال - دمکرات

و ضد کمونیست های سازمان در زمره و مشمول این ضوابط تشکیلاتی و امنیتی قرار نمی گیرند." همچنین در آن اطلاعیه آمده است "مجموعه رفتارهای رهبری سازمان نشان داده که اراده اکثریت اعضای شورای مرکزی، بر حذف کمونیست های انقلابی فدائیان از صفوف سازمان با توسل به شیوه های مغایر با ارزشهای اخلاقی و غیردمکراتیک استوار است." رهبری و بدنه ی موجود سازمان در خارج از کشور که عمدتاً حامل ایده های سوسیال دمکراسی در وجوه متفاوت آن می باشند. متأسفانه شاهدیم؛ اراده ای بر رهبری سازمان حاکم گردیده که قبل از بوجود آمدن شرایطی دمکراتیک و ایجاد امکانی برای

حضور رفقای داخل کشور و کمونیست های طرد شده در خارج، بایستی با سوق دادن سازمان به راست و به دامان سوسیال دمکراسی و لیبرالیسم قال قضیه را برای همیشه کند. ما این محاسبات را غیر واقعی و تمسک به چنین روش هایی را غیردمکراتیک ارزیابی می نمایم و رهبری سازمان را فرا می خوانیم زمینه را برای گفتن دمکراتیک در بین نحلّه های فدایی . بایستی عرصه را برای جریاناتی که با صحنه گردان حذف رفقای اقلیت، جناح چپ اکثریت، پیروان بیانیه 16 آذر و دهها رفیق دیگر بودند و هنوز هم سیری ناپذیری می نمایند، تنگ . در شرایطی که سازمان ما و اتحاد فدائیان خلق ایران عزم خود را برای وحدت جزم نموده اند، چنین رفتاری اقدامی وحدت شکنانه بشمار خواهد آمد. برآستی با کمونیست های حاضر در سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران چه خواهیم نمود؟

ما وضع ضوابط مستبدانه برای رسمیت یافتن فراکسیون، از جمله شرط نداشتن سایت اینترنتی، و درخواست برای مسدود نمودن "سایت یاران ما" را اقدامی مقطعی و ناشی از سراسیمگی کسانی می دانیم که حضور کمونیست ها را در سازمان بر نمی تابند. ما چنین رویکردی را محکوم می نمایم. شرایطی دمکراتیک و تشکیل کنگره ای همه گیر با حضور تمامی طیف های سازمانی ما مجبور به تحمل همدیگر هستیم. مگر کسانی که نافی باورها و آرمانهای فدائیان خلق هستند و آشکار با آن آرمان ها مخالفت می ورزند. بایستی شما هم بپذیرید که علیرغم آن اراده ی حذف کننده، ما بعنوان جمعی از فدائیان داخل کشور و دیگر فدائیان حاضر در خارج از کشور که حامل و مدافع ایده های کمونیستی در سازمان هستیم در این سازمان خواهیم ماند؛ چرا که سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) خانه ی ماست و هیچ کس و هیچ نیرویی نمی تواند ما را از این حق محروم سازد.

قطعنامه پیشنهادی به کنگره دوازدهم

در مورد فراکسیون کمونیستی و اخراج رفیق سیاوش

کنگره ضمن انتقاد از اقدام نابخردانه رهبری سازمان در اخراج رفیق سیاوش و غیر قانونی کردن فراکسیون کمونیستی که در مغایرت با اساسنامه، مشی و اهداف سیاسی سازمان قرار داشته و تلاشی برای افزودن نامی به نام های موجود در بین طیف فدائیان می باشد، اقدام رفقای فراکسیون کمونیستی و شخص رفیق سیاوش در فرا روبانیدن فراکسیون کمونیستی به هویتی تشکیلاتی و زیر سوال بردن تمامیت سازمان و "غیرقانونی" پنداشتن موجودیت آن از سوی رفقای فراکسیون کمونیستی، را تقییح می نماید. کنگره استفاده از لحن اهانت آمیز از جانب هر دو را نافی ارزش های فدائیان ارزیابی نموده و تصویب می نماید:

"کنگره با رد مصوبه گروه کار تشکیلاتی و هیئت سیاسی - اجرایی سازمان در اخراج رفیق سیاوش و منحل نمودن فراکسیون کمونیستی از رفیق سیاوش دعوت می نماید در صورت تمایل با شرط رعایت ضوابط تشکیلاتی و اساسنامه سازمانی می تواند همچنان بعنوان عضو سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به فعالیت خود ادامه دهد. فعالیت فراکسیون کمونیستی و تأیید آن از جانب سازمان مطابق اساسنامه میسر خواهد بود و تا تغییر ضوابط همگی ملزم به رعایت آن می باشیم.

جمعی از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

12/1389/19

آئین مردمی نوروز مبارک باد

فرا رسیدن بهار، آغاز سال نو و برگزاری مراسم نوروزی، جشن باستانی طبیعت. جشنی دیرین و متعلق به سنتی بسیار کهن، که گستره ای پهناور از فلات ایران تا بین النهرین را دربر می گرفت. برگزیدن روز اعتدال بهاری به عنوان آغاز سال نو در آیین زرتشتی، ریشه در سنت های دیرین شیبانی و کشاورزی دارد. منطقی است که این مردمان آغاز بهار را با رویش گیاهان و زایش دام ها، زمانی مناسب برای آغاز سال و موسمی مناسب برای برگزاری جشنی گ برگزینند. اگر نیک بنگریم، این سرآغاز، شروع کاری نو در بنیان طبیعت و به تبع آن تلاشی با سرانجامی خوش در سرشت و طبیعت انسان بشمار می رو . فعالیت برای تولید و زنده نگه داشتن نسل بشر. آغاز بهار، قرینۀ مهرگان و تلاشی برای استحصال تمام مواد زندگی را جهت خوش زیستن و بهزیستن هرچه موجود زنده، بالاخص انسان می باشد. بهار یا نوروز با تغییر وضعیت کره خاک و به تبع آن انسان متفکر را از هر نظر و در تمامی حرکاتش متغیر و فعال می . از این روست که در این جنبش عظیم طبیعی بایستی بهترین شادباش ها و تبریکات خویش را چون سیلی خروشان و در دسته ای از غنچه های بهار بر همه هستی سرازیر نماییم، خصوصاً به انسان، به هموعان خویش، به کسانی که برای دیگران و. برای کل هستی به اندازه خود می اندیشند. عید نوروز فصل آغاز دوست داشتن نیکی ها و زدودن پلیدی ها، فوران عشق به هموعان را به تمامی هموطنان آزاده و عدالت خواه تبریک می گوئیم و سالی سرشار از صلح و صفا و صمیمیت و نوع دوستی همراه با وفور نعمت های طبیعی برایشان آرزو می نمایم.



بررسی دگرگونی های جهانی

- بحران جهانی اقتصاد

بحران اقتصادی جهان سرمایه داری که از سال 2008 و از بخش مالی آمریکا شروع شده و دیگر کشورها را نیز در بر گرفته، همچنان ادامه دارد، بزرگترین و شدیدترین بحران نظام سرمایه داری جهانی، بعد از بحران عظیم 1929، محسوب می شود. بحران حاضر که نه غیر قابل پیش بینی و نه دور از انتظار، از جمله ی بحران های ادواری سرمایه داری است که جنبه ساختاری دارد و در پرداختن به آن لازم است تمامی عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظری، زیست محیطی و فرهنگی و دیگر عرصه های بحران زده، در ارتباط با یکدیگر مورد توجه قرار گیرند. بایستی تلاش اقتصاددانان بورژوازی در محدود کردن دلایل بروز بحران به عرصه های بانکداری و بازار مسکن را افساء نمود. باید توضیح داده شود که چرا سرمایه مالی برتری سه برابری بر بخش اقتصادی دارد و چگونه پول های بی پشتوانه در دست بانکها و مؤسسات مالی، به یقین می توان ادعا نمود که مهم ترین دلیل بحران حاضر در رشد بی سابقه نیروهای مولده و فرارویی آن به مرحله کیفیاً جدیدی نهفته که با شیوه ها و مناسبات تولیدی کلاسیک سرمایه داری هم خوانی ندارد. جایگزین شدن ابزارهای تولیدی نوین بجای ابزارها و ماشین آلات سنتی، با مناسبات سرمایه داری سازگار نیست و رشد تکنولوژی و ورود فرآورده های جدید صنعتی به عرصه های تولیدی بحران های این چنینی را شدت خواهد بخشید.

بدنبال آمریکا اقتصاد کشورهای انگلیس، یونان، ایرلند و اسپانیا که بخش مالی آنها نسبت به سرمایه صنعتی به شکلی فاحش متورم گشته بود، از این بحران آسیب دیدند. اگر کارگران و زحمتکشان و حقوق بگیران ضرر دیدگان اصلی این بحران بوده اند، بانکها برندگان اصلی آن بشمار می روند، چرا که از محل مالیات های پرداختی شهروندان کمک های بلا عوض کلانی را دریافت نمودند، چیزی بیش از 5 تریلیون دلار. اما سهم کارگران از این بحران بیکار شدن 50 میلیون کارگر طبق برآورد "سازمان جهانی کار" و لخرجی هزاران میلیاردی برای سرمایه داران و ریاضت اقتصادی و کاهش بودجه های آموزشی، بهداشتی و تامین اجتماعی برای توده های مردم خصوصاً زحمتکشان، راهکار دولت های سرمایه داری در مقابله با بحران چنین بحرانی نمی توانست ابعادی اینگونه گسترده و جهانی بخود گیرد، اگر سرمایه مالی استقلالی چنین گسترده از صنعت ملی نداشت و در این ابعاد الکترونیزه نشده بود.

کلیک چند دهگم میلیاردها دلار پول در عرض چند ثانیه هزاران کیلومتر جابجا شوند. بحران اقتصادی ادامه دارد چرا که همچنان سقوط تولید، تجارت، دارایی واحدهای اقتصادی و قیمت خانه ها ادامه دارد. علیرغم مصایب بزرگ و جبران ناپذیر بحران اقتصادی که خود زاینده برنامه های نتولیبرالی و از نتایج ویرانگر سلطه نتولیبرالیسم است، تا کنون عقب نشینی مهمی از این برنامه ها دیده نمی شود. بحران حاضر کارگران و زحمتکشان را بیشتر از همه تحت تأثیر قرار داده، چرا که با پرداخت کمک های دولت به بانکها و شرکت های بزرگ، کارگران و حقوق بگیران بایستی مالیات بیشتری بپردازند و از خدمات عمومی کمتری بهره مند شوند. افزایش بیکاری و پائین آمدن سطح دستمزد واقعی و نتیجتاً کاهش سطح زندگی اکثریت قاطع مردم از دیگر پیامدهای آن است. وقیحانه تر آنکه نهادهای مالی با چشم پوشی از نقش تعیین کننده خود در بحران مالی آمریکا (2008) (2010)، بحران اروپا را که از بدهی های عمومی کشورهای کوچک شروع شده است را نتیجه هزینه های سیستم تامین اجتماعی این کشورها قلمداد می نمایند.

- مبارزات طبقاتی کارگران جهان

در دو سال گذشته کارگران و مزدبگیران اروپایی صدها اعتصاب و تظاهرات خیابانی را در سراسر این قاره سازماندهی نمودند. موج اعتراضات کارگری نسبت به سال های پیشین گسترش قابل توجهی داشته. طی این مدت کارگران فرانسه، ایتالیا، پرتغال، رومانی، اعتصابات و اعتراضات متعددی را برگزار کردند، همچنین کارگران انگلستان، آلمان، اسپانیا و ایرلند نیز به رودخانه خروشان کارگری پیوستند، هرچند به شکلی محدودتر. اما نقش و اهمیت جنبش کارگری یونان در این مدت بمراتب فراتر از سایر کشورها بود. اگر پیکار طبقاتی کارگران یونان منجر به خروج این کشور از دایره نفوذ یورو شود، مطمئناً کارگران و زحمتکشان دیگر کشورها را برای پیوستن به این حرکت ضد سرمایه داری ترغیب خواهند نمود. افتخاری که شاید در تاریخ به نام کارگران یونان ثبت شود.

80 - 90 کشورهای سرمایه داری توانستند با قربانی کردن کشورهای سوسیالیستی بحران جاری را برای دو دهه به عقب اندازند، امروز برای کسب سودهای نجومی دستاوردهای کارگران و زحمتکشان خود کشورهای سرمایه داری را مورد تعرض قرار داده اند. اگر مبارزه با برنامه ریاضت اقتصادی و بکارگیری سیاست های رسوا شده نتولیبرالی، انگیزه اصلی شکل گیری جنبش کارگری در اروپا و دمیدن روحیه زمندگی در این جنبش بوده، بازیابی

دفاع از سوسیالیسم (33)

گزارش سیاسی به کنگره دوازدهم

"نگاهی از داخل کشور"

بحرانی که پس از سی سال بنیان های جمهوری اسلامی را بلرزه درآورده، تفاوتی بنیادین با بحران های قبلی دارد. بحران در این سی و دو سال هم زاد و شرط بقای جمهوری اسلامی بوده . اما بحران فراگیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اخیر که اعتبار و مقبولیت رژیم را در نزد اکثریت مردم زیر سؤال برده، از جنس دیگری است. نخست آنکه بحران حاضر با بحران جهانی اقتصاد همراه گشته، دوم آنکه همراه با افول اعتبار و مقبولیت داخلی، مشروعیت جهانی آن نیز زیر سؤال رفته، در هیچ مقطعی از تاریخ حاکمان اسلامی در جهان و منطقه در این حد متزوی و شکافی که در پی انتخابات دور دهم ریاست جمهوری در حاکمیت بوجود آمده به این زودی ها غیر قابل ترمیم است و شاید عمر حکومت برای بازسازی آن کفاف ندهد.

در شرایطی که تمامی شواهد حکایت از انزوا، ضعف و از هم پاشیده گی شیرازه حکومت دارد، نبود آلترناتیوی منسجم و مقتدر تنها نقطه قوت آن بشمار می آید. سیر رخدادها دو سال گذشته بخوبی نشان داد که اصلاح طلبان حکومتی که در فقدان چنین آلترناتیوی به موضع اپوزیسیون رانده شده اند، بدلائل متعددی نتوانستند نمایندگی خوبی برای مردم معترض باشند و به اعتماد آنان پاسخی درخور بدهند. بخش بزرگی از اصلاح طلبان از جمله طیف تکنوکرات ها، که از همان اوایل می شد تردید را در رفتارشان مشاهده نمود، صحنه مبارزه را ترک نمودند و بخش قابل توجه ای از آنان نیز، از جمله شخص موسوی و کروبی هنوز در عرصه کارزار باقی

زمانی که حضور میلیونها ایرانی در خیابانها می رفت طومار رژیم جمهوری اسلامی را در هم پیچد، تردید و ناپیگیری رهبران اصلاح طلب که از خروش و خواست های بنیادین مردم در مخالفت با ولایت فقیه و برای تغییر رژیم به هراس افتاده بودند، اعتراض گسترده و میلیونی 25 88 پشت بام ها به خانه های خود برنگشته بودند و خیابانها را در تسخیر خود نگه می داشتند، سران رژیم نه تنها به رأی مردم گردن می نهادند، بلکه برای بقاء جام زهر دیگری نیز می نوشیدند و مجبور به عقب نشینی های بیشتری نیز می شدند.

88 حکومت با بوق و کرنا مرگ اعتراضات مردمی و به قول خود فتنه سبز را در کوی و برزن بصدا درآورد، اما اوج گیری مجدد اعتراضات در بهمن و اسفند 89 خواب خوش سران رژیم را برهم زد. و بار دیگر نشان داد که جامعه همچنان آبیستن حوادث است، و خشم توده های مردم هر آن می تواند فوران کند. امری که به هیچ وجه خوشایند حکومت نیست.

متأسفانه در چنین برهه ای و در این تند پیچ تاریخی، نبود آلترناتیوی منسجم و مقتدر فرصتی طلایی را از دست مردم ربود. شوربختانه تر آنکه در این بحبوحه چپ کشورمان که همواره نقشی تاریخی و تأثیرگذار در تحولات اجتماعی کشورمان داشته، هنوز نتوانسته از زیر آوار سرکوب ها و بحران شکست کشورهای سوسیالیستی بدرآید. اسف بارتتر آنکه در چنین شرایطی، درگیری های درونی و خودزنی یکی از دل مشغولی های اصلی چپ بشمار می آید. چپ ایران در هیچ برهه ای از تاریخ خود، تا این میزان از تفرقه و تشتت رنج نبرده بود. امری که از نقش و سهم چپ در تحولات اجتماعی بشکلی بارز کاسته و در صورت ایجاد تحولی در جامعه از دست آوردهای آن همچنان بی نصیب خواهد ماند.

تحولات جامعه ما؛ با تحولاتی در سطح جهان و منطقه همراه گردیده است. اقتصادی که از سال 2008 گریبانگیر نظام سرمایه داری در کشورهای کانونی، بخصوص آمریکا . با تحولاتی در کشورهای منطقه، که از بی عدالتی های اقتصادی و سیاسی و از چپاول اکثریت جامعه بدلیل کاربست سیاست های تعدیل ساختاری و فساد نخبگان فاسد و مورد حمایت نظام نتولیبرالی به تنگ آمده اند، درهم آمیخته. برای مقابله با این معضل و برای تأمین کسری بودجه کشورهای ورشکسته ای چون یونان و پرتغال و برای حفظ ارزش "یورو" چندین میلیاردی به این کشورها تحمیل می شود، وام هایی که در اصل برای غارت کارگران و زحمتکشان و اقشار پایینی و فقیر جامعه است. هم زمان انقلاب مردم خاورمیانه که از دست رژیم های مستبد و فاسد مورد حمایت امپریالیستها به تنگ آمده اند، اوج گرفته و اکثر این حکومت ها را به چالشی جدی کشانده است. حرکتی انقلابی و پیشرو که بخاطر نبود آلترناتیوی انقلابی و دمکرات متأسفانه با تهاجم نظامی و رسانه ای همان کشورهای امپریالیستی مصادره می گردد.

در این مدت آمریکا همچنان از پیوستن به پیمان کیوتو برای مهار گازهای گلخانه ای امتناع نمود و کنفرانس کپنهاک برای محیط زیست در دسامبر 2009 که امیدهای زیادی بدان وجود داشت، با کارشکنی دولت های اصلی نظام سرمایه داری به شکست انجامید. چرا که نظام سرمایه داری خود منشأ اصلی بحران است و تداوم این نظام حیات انسان را به طور جدی به مخاطره می اندازد. این امر بار دیگر نشان داد که مبارزه برای حفاظت از محیط زیست در موازات مبارزه طبقاتی کارگران برای خاتمه دادن به سلطه نظام سرمایه داری است. و همانگونه که در 2010 و در همایش جنبش های اجتماعی برای محیط زیست در بولیوی اعلام گردید، برای نجات محیط زیست باید نظام سرمایه داری را به چالش کشید.

بررسی وضعیت منطقه و بحران خاورمیانه

منطقه ما سرشار از تنش و درگیری است. جنگ و فقر و تنگدستی بیداد می کند. میلیون ها انسان از پی آمد دهها سال جنگ، در دریای فقر و بدبختی دست و پا می زنند. حضور و تهاجم نظامی امپریالیست ها در منطقه به بهانه حمایت از حقوق بشر و دموکراسی و در حقیقت برای تسلط بر چاههای نفت و کنترل و مدیریت آن دلیل اصلی این حضور نامیمون است. از سر دولت آمریکا کشورهای منطقه در آتش جنگ، بیکاری، فقر، گرسنگی و بنیادگرایی تباه می شوند. آتشی که به این زودی ها خاموش شدنی نمی نماید. تحولاتی ژرف در آرایش و عملکرد گروه بندی ها در حال شکل گیری است، که می تواند آینده منطقه را بشکلی دیگر رقم دهد. مواضع جدید ترکیه، تنش در شبه جزیره عرب، گرایش سیاست های آمریکا به برخورد های نظامی از آن جمله اند. اوضاع در خاورمیانه متشنج و بحرانی است. بطور مشخص در کشورهای زیر و مناطقی که در پی می آید اوضاع وخیم تر است. موضوعی که به چالش و رو در روئی توده های مردم و نیروهای انقلابی و دموکراتیک از یک سو و نیروهای ارتجاعی حاکم و امپریالیست های تا دیروز حامی آنها از دو سوی دیگر انجامیده. مثلی که دو ضلع واپسگرایی آن برای بلعیدن ضلع بالنده توده خیز برداشته و توطئه چینی می کند.

پس از گذشت ده سال از تهاجم گسترده آمریکا و متحدینش برای ساقط کردن حکومت طالبان، دو سازمان و دولتی که بدست خود آمریکایی ها و با مساعدت سرویس های اطلاعاتی پاکستان و پول نفت عربستان، برای مقابله با حکومت دموکراتیک افغانستان تشکیل و سازماندهی شده بودند، امروز احساس می شود آمریکا و متحدینش در باتالافی گرفتار شده اند که جز هزینه و جنازه چیزی روی دست مردم آمریکا نمی گذارد. آمریکا چنان از سرکوب کاردستی های خود در این کشور عاجز گشته که حکومت مورد حمایتش را مجبور به مذاکره با طالبان نموده است. طالبانی که تا همین چند وقت پیش تنها چهره ای اهریمنی از آن به تصویر می کشیدند. با این همه امپریالیسم آمریکا به هر بهایی حاضر نیست این پایگاه خویش را در بیخ گوش کشورهای آسیای میانه و مجاورت ایران از دست بدهد.

ماحصل تجاوز آمریکا به عراق به بهانه کشف سلاح های هسته ای، این کشور را چند تکه کرد. هر چند که هنوز زود است از تجزیه این کشور سخن برانیم، اما چنین آینده ای دور از انتظار نیست. در پی تحریم های اقتصادی چندین ساله و حمله نظامی آمریکا و متحدینش به عراق، زیرساخت های این کشور به کلی از بین رفت و فقر و بیکاری همگانی شد. علیرغم صدور بی حساب کتاب نفت از این کشور، هنوز میلیون ها عراقی در فقر و فلاکت به سر می برند. رشد بنیادگرایی نتیجه منطقی چنین فرآیندی است. آمریکا در شرایطی ناگزیر گردیده تا نیروهای عملیاتی خود را از عراق خارج سازد که بحران ویرانگر ناشی از حضور آنها همچنان ادامه دارد. لبنان خط مقدم جمهوری اسلامی و حاکمان سوریه است. ایران بواسطه حمایت از حزب الله، و اسرائیل برای سرکوب حزب الله، درگیر جنگی اعلام نشده اند. آمریکا در این نبرد در کنار اسرائیل می جنگد. مردم لبنان مجبورند تاوان کسانی را بدهند و در آتش جنگ اعلام نشده حکومت هایی بسوزند که فرسنگها از این کشور دوراند. تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و مقاومت حزب الله در برابر این تجاوزات غیر انسانی، مشروعیتی ملی برای کسانی ایجاد نمود، که علایق ملی آنان در پرده ابهام است. گروهی که در وابستگی مالی و معنوی و ایدئولوژیک آن به حکومتی ضد انسانی در ایران جای تردیدی نبوده است. در شرایط حاضر خطر شروع جنگی دیگر در لبنان توسط اسرائیل، که ممکن است مصیبت بارتر از جنگ سال 2006

مندانان حقوق بشر به شکلی مشتمل کننده از نقض فاحش حقوق مردم فلسطین توسط اسرائیل حمایت می کنند. وتوی پی در پی دو قطعنامه شورای امنیت به فاصله تنها چند ماه توسط دولت آمریکا، که در محکومیت حمله به کشتی های حامل کمک های انسانی به غزه و ادامه شهرک سازی در اراضی فلسطینی صادر شده بود، نشان داد که چنین ادعاهایی تا چه حدی واهی است. بنیادگرایی شرط بقای دولت های راست افراطی و در عین حال نژادپرست اسرائیلی اقدامات حماس بهانه خوبی برای مظلوم نمایی دولت سرکوبگر و متجاوز اسرائیل است. شکل متقابل سرکوب و وحشیانه مردم فلسطین، قطع ارتباط آنها با جهان خارج و سلب حق کار

هویت انقلابی و پیشرو، توسط طبقه کارگر و تجدید حیات اتحادیه های کارگری نیرومند و رزمنده عامل دوام و تشدید روند اعتصابات و اعتراضات می باشد. این اعتراضات هر چند تا امروز نتوانسته اند روند تعرضی سرمایه را متوقف سازند، ولی در کند شدن روند مذکور تأثیر بسزایی امری که اهمیت و نقش جنبش کارگری و مبارزه طبقاتی را بیش از پیش جلوه گر می کند و بار دیگر بر این نکته تأکید می نماید که دست یابی به "جهانی دیگر" تنها در سایه مبارزات پیگیر طبقاتی ممکن است.

در آمریکای لاتین، در چین، در هند و در سراسر گیتی قدرت خفته کارگران از پس رخوتی چندین ساله بپاخاسته و نظام سرمایه داری را به چالشی جدی کشیده است. شعار کارگران اروپا در مبارزه علیه راهکارهای بورژوازی خود این است که: "هزینه بحران شما را ما نمی پردازیم!" " پول مردم را پس بدهید!" هر چند سخن از سقوط نظام سرمایه هنوز زود می نماید، ولی سپیدی صبح نمایان گشته، چشمه یامان را با ملایم و آغاز فصل نو را باور کنیم.

- جنگ و هزینه های نظامی

جنگ هم زاد سرمایه داری است و تصور سرمایه داری بدون جنگ تصویری باطل. شرایطی که بحران اقتصادی تمامی حیطه های اقتصادی و صنایع مختلف را فرا گرفته، و دولت های حامی سرمایه داری برای خروج از این بحران ها مالیات را بر اقشار پایینی و خصوصاً کارگران و مزدبگیران افزایش می دهند، از هزینه های رفاهی و بهداشتی و آموزشی می کاهند، صنایع و اقتصاد نظامی آهنگی رو به رشد دارد. هزینه های نظامی هر سال نسبت به سال پیش افزایشی قابل توجه می یابد. سرانه هزینه های نظامی که حاصلی جز مرگ و نیستی ندارند، برای هر شهروند جهانی بیش از 200 دلار برآورد می گردد. اختصاص بودجه هایی برای گسترش حوزه های نفوذ سرمایه و تحمیل جنگ های سلطه طلبانه امپریالیستی، و سودآوری کلان صنایع نظامی دلایلی موجه برای افزایش بودجه های نظامی است. هم اینک بودجه های نظامی جهانی به 550 تریلیون دلار رسیده است.

علیرغم افزایش رقابت بین کشورهای امپریالیستی، بدلیل درهم تنیدگی اقتصاد جهانی و عواقب نابودگر جنگ هسته ای، رقابت بین آنها از حدی فراتر نمی رود که به جنگ مستقیم آنان و ولی این امر مانع از آن نشده که جنگ از حیات انسانی رخت بریندد. امپریالیستها بجای درگیری مستقیم، جنگ های منطقه ای را در کشورهای پیرامونی و البته به هزینه این کشورها پیش می برند. جنگ عراق، افغانستان، یوگسلاوی و اینک لیبی بخشی از جنگ بین امپریالیست ها به شکلی غیر مستقیم می باشد. جنگی به ضرر و به هزینه خلق های تحت ستم و زیر سلطه. خاورمیانه بعنوان منطقه ای با ذخایر عظیم نفتی و گازی کانون درگیری بین امپریالیست هاست. و به تبع آن بخش اعظم درآمد کشورهای منطقه به هزینه های نظامی اختصاص داده می شود.

- تشدید رقابت بین کشورهای امپریالیستی

رقابت بین کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی به شدت ادامه دارد. هر چند که این رقابت بدلالی که آمد به درگیری مستقیم آنها فرا نمی رود. جهان تک قطبی که در پی شکست شوروی در حال شکل گیری بود، بشکلی نارس مرد. درگیری به جهت حمایت های اقتصادی و پرداخت یارانه های تولید و صادرات بین کشورهای مطرح سرمایه داری، بین آمریکا و اروپا، آمریکا و چین، چین و اروپا، ژاپن با طرف های دیگر. فشار آمریکا برای بالا بردن ارزش برابری یوان واحد پول چین در برابر سایر ارزها، کاهش مهندسی شده ارزش برابری دلار در مقابل سایر ارزها، جلوگیری از افزایش دستمزدها در آلمان، همه برای ایجاد امکانی برای صادرات و فراهم آوردن شرایطی بهتر برای رقابت با سایر رقبای اقتصادی. شکل گیری بلوک های اقتصادی از جمله پیمان شانگهای، مرکسور، تمایل چین برای ایجاد اتحادی با اروپا در مقابل حمایت گرایری ارزی آمریکا، باج گیری های اقتصادی چین و روسیه از آمریکا برای موضع گیری های سیاسی در مسائل جهانی، و عدم شرکت بعضی دول امپریالیستی در تهاجم نظامی به لیبی، همه حاکی از شدت گرفتن رقابت بین دول امپریالیستی - هر چند به شکلی نیمه عریان -

- بحران زیست محیطی

بحران مزمن محیط زیست به مرز فاجعه باری رسیده و آینده حیات در سیاره ما را به شدت زیر سؤال برده است. در دو سال گذشته سرمایه داری جهانی برای کسب سود بیشتر به تخریب محیط زیست همچنان ادامه داد. انفجار چاه نفت در خلیج مکزیک که میلیونها تن نفت را به دریاها سرازیر نمود، انفجار راکتورهای هسته ای ژاپن در پی وقوع زلزله و سونامی، آتش سوزی جنگل های روسیه و استرالیا، همه و همه ناشی از سودجویی سرمایه و عمدتاً بدلیل عدم کاربست سیستم های حفاظتی مناسب و پیشگیری های لازم و یا عدم کارایی و امتناع از پرداخت هزینه های لازم برای مهار سوانحه رخ داده بوده و نمونه هایی عینی و تازه از ناسازگاری منافع سرمایه با حیات طبیعت و انسان است.

مردم از خیابانها به خانه هایشان، طرفداران غرب و مزدوران کشورهای امپریالیستی سکاندار مبارزه علیه حکومت قذافی شده اند، کسانی که بدون حمایت و مشارکت مستقیم ناتو در جنگ، برای دفاع از مردم لیبی در برابر تجاوز آشکار و مداخله بی شرمانه امپریالیستها و سرکوب های وحشیانه رژیم حاکم بایستی برای پرتین تر شدن صدای سوم، صدایی که به مردم لیبی تعلق دارد، مساعدت نماییم.

بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران

بحران اقتصادی تمامی جوانب اقتصاد کشور و زندگی مردم را فراگرفته است. بحران کنونی در کشور ما که بحرانی است ساختاری و در عین حال مزمن، با بحران اقتصادی جهان سرمایه داری که از سال 2008 در نظام مالی شروع گردید، هم زمان شده است. بحران در اقتصاد ما نیز مانند اکثر کشورهای پیرامونی از طریق کاهش قیمت های جهانی مواد و محصولات اولیه و محدودیتهای شدید در اعطای اعتبارات بانکی و سرمایه گذاری های خارجی تشدید شده است. اقتصاد ایران که برخوردار از نیروی انسانی کارآمد، منابع و ثروت های طبیعی سرشار و درآمدهای عظیم نفتی است، در نتیجه بحران موجود کارایی و توان لازم برای تأمین نیازهای اولیه اکثریت مردم و حل مشکل بیکاری را نداشته و از رقابت با کالاهای وارداتی و ورود به بازارهای جهانی عاجز است.

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در سال گذشته به صفر رسید، این در حالی است که در آمدهای نفتی در دوره دولت احمدی نژاد، بیشتر از کل در آمد نفتی ایران در طول تاریخ بوده و علیرغم این درآمدهای هنگفت نفتی، اقتصاد کشور بخاطر؛ اتکای بیش از حد به درآمدهای نفتی، خرج "بی حساب و کتاب"، تزریق بیش از توان درآمدهای حاصله در اقتصاد نابسامان موجود، معاملات کلان بنیادهای حکومتی، طرحهای بزرگ نیمه کاره و فاقد کنترل و حسابرسی، واگذاری صنایع و معادن و شرکتها و مؤسسات بزرگ دولتی به خودی ها به نام خصوصی سازی، حجم عظیم مؤسسات مشمول خصوصی سازی، حیف و میل و چپاول درآمدها و ثروتهای عمومی به وسیله مسئولان، باندها و بنیادهای گوناگون حکومتی و یا صرف آنها برای ماجراجویی های نظامی و اتمی، حضور فزاینده سپاه و نهادهای امنیتی - نظامی در فعالیت های اقتصادی، دامنه و شدت بحران گریبانگیر اقتصاد کشور را افزایش داده و زمینه را برای ورشکستگی اقتصاد بیمار کشور فراهم ساخته است. درآمدهای کلان نفتی در حقیقت به خوان یغمای جریانات و باندهای رژیم و شرکای آنها تبدیل شده، غارتی که با محدودیتهای بانکی و مالی ناشی از "شورای امنیت"

در شرایطی که بخش مهمی از بورژوازی بزرگ تمایلی به سرمایه گذاری تولیدی و بلند مدت تحریم های وضع شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد، نیز مزیدی بر علت شده تا سرمایه ها هر چه بیشتر از تولید بطرف تجارت و معاملات مالی سوق داده شوند. گسترش بیکاری و رشد تورم نخستین ره آورد این فرآیند مخرب می باشد. از طرفی دیگر عدم سرمایه گذاری و ممانعت از صدور صنایع و تکنولوژی لازم برای گسترش صنایع گاز و نفت نه تنها موجب تعلیق و توقف پروژه های نفت و گاز شده بلکه کشورمان را در استفاده از سهمیه اوپک برای استخراج و صادرات نفت با مشکل مواجه ساخته است.

رکود همراه با تورم اقتصاد کشور را فلج و فقر و محرومیت را بیشتر از قبل شدت بخشیده، 10 میلیون نفر زیر خط فقر مطلق و 30 میلیون نفر زیر خط فقر نسبی حاصل چنین فرآیند مخربی است. تعطیلی و توقف تولید در بخش بزرگی از کارگاه های تولیدی، موجب اخراجهای گسترده و افزایش انبوه بیکاران شده، نرخ بیکاری از 20 درصد گذشته و تعداد بیکاران از 5 میلیون نفر تجاوز کرده است. بیکاری و گرانی عوارض بلاواسطه بحران، بیش از همه گریبانگیر مزدبگیران و حقوق بگیران و زحمتکشان جامعه است، در حالی که بیشترین هزینه ها و تبعات بلند مدت آن، چون تشدید عقب ماندگی، فقر، نابرابری و اختناق هم در نهایت بر گرده اینها تحمیل می گردد. حاکمیت بزم خود برای غلبه بر بحران و فرار از تبعات آن و برای جلب حمایت سرمایه داری جهانی به "برنامه آزاد سازی کامل بازار" حذف یارانه ها یکی از طرفندهای رژیم برای پوشاندن تنگناها و کسری بودجه دولت، مقابله با بحران اقتصادی حاکم و انتقال بار آن بر دوش توده هاست، سیاستی که از توصیه های "بانک جهانی" "صندوق بین المللی پول" "سازمان تجارت جهانی" . حذف یارانه ها که با نام تقلبی "هدفمند کردن یارانه ها" به بازار آمد، در حقیقت چیزی جز اجرای آزاد سازی اقتصاد ایران و منطبق کردن قیمت ها با بازار جهانی به شیوه نئولیبرالی نیست.

- تحریم

89 شورای امنیت سازمان ملل متحد دور چهارم تحریم ها را علیه ایران به تصویب . با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و تشدید سیاست های ماجراجویانه جمهوری اسلامی،

کردن از صدها هزار فلسطینی که با مشکل تأمین هزینه های زندگی خود و خانواده هایشان دست به گریبانند، عاملی برای سوق دادن جوانان فلسطینی به دامان بنیادگرایی اسلامی و خشونت متقابل می باشد. دولت اوپاما در آغاز کار تلاش برای حل بحران فلسطین را از اولویت های سیاسی خود اعلام کرد، پس از گذشت بیش از دو سال نه تنها پیشرفتی در این زمینه وجود نداشته، بلکه در حمایت یک جانبه از اسرائیل سیاست خاورمیانه ای خود را نیز به کناری گذاشته . شروع مجدد شهرک سازی پس از یک سال توقف و حمله به کشتی های کمک رسانی به غزه موجب رسوایی دولت اوپاما در چشم توده های منطقه گردید.

با آغاز سال نو میلادی موج اعتراضات و انقلابات منطقه خاورمیانه را فراگرفت و در چشم به هم زدن آن را دگرگون نمود. آتنی که از تونس فوران کرد، به سرعت کشورهای مصر، یمن، بحرین، لیبی و سوریه را در کام خود کشید. و در ابعادی خفیف تر آثار این حرکت به کشورهای الجزایر، مراکش، کویت، عمان، اردن، عراق و حتی عربستان نیز رسید. کشورهایی که تا همین چند ماه قبل جزیر آرامش امپریالیسم و حاکمان فاسد و دیکتاتور بحساب می آمدند. اخیر تلاش کشورهای غربی و بخصوص آمریکا، فرانسه و انگلیس برای مهار جنبش های توده ای و جلوگیری از گسترش آنها، با اجرای تغییراتی جزئی در رهبری سیاسی متمرکز بوده است. رفتن کسانی مانند بن علی و مبارک آنها و هیئت حاکمه این کشورها مدعی اند که انقلاب تمام شد و از مردم می خواهند به خانه هایشان برگردند، تلاشی همه جانبه و گسترده برای مصادره و انحراف انقلابات مردمی و عقیم گذاشتن حرکت های مردمی بکار گرفته شده است. به نظر می رسد انقلاب مردم خاورمیانه که از دست رژیم های مستبد و فاسد مورد حمایت امپریالیستها به تنگ آمده اند با تهاجم نظامی و رسانه ای توسط همان کشورها مصادره می گردند.

کشور مصر از ارکان سیاست آمریکا در خاورمیانه و از حامیان اصلی دولت صهیونیستی اسرائیل در منطقه می باشد. از دست دادن چنین موقعیتی برای آمریکا فاجعه ای جبران ناپذیر . آمریکا به هر بهایی که شده تلاش نموده و خواهد نمود تا از گرایش و سوق یافتن جنبش اعتراضی مردم مصر به سوی رادیکالیسم و نیروهای دمکراتیک و انقلابی جلوگیری نماید. حتی به بهای روی کار آمدن اخوان المسلمین. تلاش برای منزه نگه داشتن ارتش مصر و درگیر نشدن آن در سرکوب مردم، هر چند به نفع جنبش دمکراسی خواهی مردم مصر منتهی شد، از طرفی دیگر نقش تعیین کننده ارتش را مانند گذشته در تحولات سیاسی و اجتماعی مصر حفظ امری که در دراز مدت نمی تواند به نفع جنبش نوپای دمکراسی خواهی مردم مصر باشد. شواهد حاکی از آن است که انقلاب مردم مصر به شکلی زودرس توسط آمریکا و مزدورانش . در شرایط حاضر چشم انداز مثبتی برای جنبش اعتراضی مردم مصر قابل تصور نیست مگر با ورود جدی و متحد کارگران و دهقانان مصری به عرصه مبارزات جاری تحولی اساسی رخ دهد. امری که آمریکا و حاکمان مصری بشدت از چنین تحولی در هراسند. تحولات تونس خیلی سریع تر از آن که فکر می گردید، شعله ور شد، اوج گرفت و به خاموشی گرائید. با فرار بن علی هیچ تغییری اساسی در این کشور آفریقایی صورت نگرفته است. در تونس برخلاف اکثر کشورهای عربی جنبش کارگری و نهادهای مردمی و مدنی در جامعه . و بنیادگرایی اسلامی خیلی ضعیف تر از کشورهایمانند مصر و یمن می باشد. امری که نقطه قوت جامعه مدنی تونس بشمار می رود.

در شرایطی که آمریکا و متحدین اروپایی اش با بزرگ نمایی سرکوب های انجام گرفته توسط دولت قذافی و با ادعای دروغین دفاع از حقوق بشر، مجوز حمله به این کشور را صادر می نمایند. مردم بحرین در برابر چشمان ژنرال های آمریکایی به خاک و خون کشیده می شوند. متأسفانه یکی از این دو اقدام مشابه از دید آمریکاییانی که بحرین پایگاه ناوگان پنجم ارتش شان است پنهان می ماند. آنها نه تنها اقدام ضد انسانی حاکمان بحرین در سرکوب اعتراضات مدنی مردم و به خاک و خون کشیدن معترضین را نادیده می گیرند، بلکه از لشکر کشی عربستان به این کشور کوچک در دفاع از سرکوب گران و ناقضان حقوق بشر حمایت نیز می کنند. رفتاری دوگانه که با هیچ معیاری جز معیارهای سرمایه قابل توجیه نیست. سرمایه داری در هر جایی که لازم باشد برای دفاع از منافعش حقوق بشر را علم می کند، هم زمان در راستای منافعش از نقض حقوق بشر نیز حمایت کند و حتی خود ناقض حقوق انسان ها باشد.

لیبی کشوری است با منابع نفتی فراوان، ظرفیت ها و ذخایر نفتی شناخته نشده لیبی که گفته می شود به مراتب از منابع کشف شده و تأیید شده بمراتب بیشتر است. انگیزه ای موجه برای کشاندن پای امپریالیست ها به این منطقه شده و استفاده ایزازی از سازمان ملل و شورای امنیت را توجیه می کند. جنبش دمکراتیک مردم لیبی که می رفت طومار دیکتاتوری حاکم بر این کشور را برچیند. با مداخله و توطئه کشورهای سرمایه داری از مسیر انقلابی و دمکراتیک . و خیلی زودتر از آنی که فکر می شد مردم معترض به خانه هایشان . آنها نخواهند در این بازی شیطانی به عنوان عوامل امپریالیسم عمل کنند.

نظامی کشورهای عضو ناتو انقلاب لیبی را در نقطه خفه کرد. جنبش دمکراتیک مردم لیبی در نتیجه چهار دهه سرکوب خیلی ضعیف تر از آنی بود که بتواند در دو جبهه بجنگد.

"ی امنیتی و سیاسی فعالیتهای اتمی اش شکست و اعتراض و مخالفت توده ها با سیاست های هسته ای رژیم شکلی علنی و گسترده یافت. طی این سالها، سیاست عمده رژیم در مقابله با مجازاتهای بین المللی و تلاش برای خنثی کردن تأثیرات قطعنامه های "شورای امنیت" دهی و اعطای امتیازات ویژه به پاره ای از کشورها بوده است که مسلماً هزینه های اضافی دیگری را بر اقتصاد و جامعه تحمیل می کند.

ما معتقدیم تحریم های اقتصادی و تشدید تحریم ها و تحمیل جنگ تنها به ضرر مردم و خصوصاً زحمتکشان و اقشار فقیر جامعه می باشد. به رغم آنکه آمریکا و متحدانش، مدعی اند که تحریم ها هوشمند و هدفمند بوده و مردم عادی از این تحریم ها آسیبی نمی بینند. واقعیت ها چیز دیگری را نشان می دهد، تحریم نفتی ایران، و ممانعت از صدور فرآورده های نفتی خصوصاً بنزین و گازوئیل تمامی عرصه های زندگی زحمتکشان را تحت تأثیر خود قرار داده و فشار وارده بر آنان را تشدید نموده است.

ما ضمن تصریح بر حق کشورمان در برخورداری از فن آوری هسته ای برای مقاصد صلح آمیز، خواستار شفافیت در برنامه های اتمی جمهوری اسلامی و همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی هستیم و معتقدیم برنامه اتمی مبتنی بر پنهان کاری توسط حکومت اسلامی، از جمله عوامل تشدید تشنج در خاورمیانه است. جمهوری اسلامی باید با پیشبرد شفاف سازی در برنامه های اتمی خویش، مشارکتی فعال در کوشش جمعی برای خاورمیانه عاری از تسلیحات اتمی داشته باشد.

- بحران سیاسی

بدنبال بحران اقتصادی، بحران سیاسی نیز سرتاپای رژیم اسلامی را فرا گرفته، در واقع جمهوری اسلامی در طول حیات خویش وضعیتی چنین آشفته و متزلزل نداشته است. اعتراضی و آزادیخواهانه دو سال گذشته شکاف هایی را در رأس قدرت و در بین جناح های حاکم و از قدرت رانده شده، موجب و یا عمق بخشیده، بطوریکه کنترل و مهار بحران را ناممکن ساخته، زمانی که حاکمان بر سریر قدرت فکر می کردند بحران و یا به اصطلاح خود، " 89 و مهر و ثبات را برای بقای خود ایجاد کرده اند، تظاهرات 25 89 تمامی خیالی بافی ها و 25 89 تأکیدی دوباره بر وجود بحرانی جانیه بین المللی و موج انقلابات خاورمیانه هم زمان گشته است.

وضعیت بحرانی حاکم بر کشور اساساً حاصل حاکمیت جمهوری اسلامی در طی سه دهه بحرانی که با سلطه ولی فقیه و باند او تشدید یافته و با حضور فرماندهان نظامی و امنیتی در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور و شرکت آنها در تصمیم گیری های کلان سیاست خارجی و امنیتی کشور، پیامدهای فوق العاده زیانباری در عرصه بین المللی، منطقه ای و ملی داشته است. جمهوری اسلامی در شرایط کنونی از دو سو تحت فشار از جانب مردمی که خواستار حقوق و آزادیها فردی و سیاسی خویش هستند، و فشار از خارج، از سوی دولتهایی که برای مقاصد و اهداف منطقه ای و جهانی شان، پرونده اتمی جمهوری اسلامی را به مهم ترین مسئله با این رژیم تبدیل و فعلاً تشدید مجازات های اقتصادی و سیاسی را در سطح بین المللی بعنوان راهکار خود انتخاب نموده اند.

رشد اعتراضات مردمی و سرکوب جنبشهای اجتماعی همراه با بحران اتمی، دو معضلی است که در این دوره گریبانگیر جمهوری اسلامی بوده و تحولات درونی آن را تحت تأثیر خود قرار نموده های فراوانی از وجود بحران را می توان برشمرد، که رقابتها و کشمکشهای سیاسی و اقتصادی درون حکومتی تنها یکی از آنهاست، از جمله اند؛ تغییرات مکرر در ترکیب و صف بندی های درون حکومتی، امنیتی کردن تمامی امور و شئون جامعه، ارتقاء نقش فرماندهان نظامی و امنیتی در هرم قدرت، تشدید منازعات فیما بین گروه بندی های درون جناح - سپاه بیشتر شده، چابیدن دارایی های عمومی و تیغ زدن اکثریت زحمتکش زیرپوشش عدالت خواهی، قبضه رسمی مواضع کلیدی اقتصاد کشور به وسیله باند حاکم، بلعیدن تمامی بخش های اقتصادی توسط اقتصاد شبه دولتی که خارج از دایره کنترل و نظارت دیوان محاسبات کشور قرار دارند، بازی با مسائل و نیازهای حیاتی کشور از جمله پائین آوردن بخشنامه ای نرخ بهره بانکی بود بطوریکه بیش از نصف تسهیلات ارائه شده به افراد وابسته به جناح حاکم بوده است، و مهم ترین آنها سیاست خارجی ماجراجویانه و ادامه سیاست های پنهان کارانه

بحران اقتصادی و سیاسی حاکم به گسترش و تعمیق شکاف های درون حکومتی منجر گردید و فرصتی طلایی برای توده های مردم بویژه زنان و جوانان و اقشار میانی جامعه فراهم ساخت تا بتوانند با حضور در اعتراضات و تظاهرات میلیونی مطالبات و خواسته های فروخورده شان را در سی سال گذشته ابراز نمایند. بی اعتباری بیشتر و آشکارتر پوشش های قانونی خود رژیم، بی اعتنایی به حفظ وحدت جناح های حکومتی و بخصوص جریان های حاکم اصول گرا،

فرصتی طلایی برای تحت فشار گذاشتن ایران فراهم شد. پنهان کاری گسترده فعالیت های هسته ای، مداخله مخرب در امور کشورهای هم جوار و خاورمیانه بالاخص لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان، حمایت از گروههای بنیادگرا، ادعای حذف اسرائیل از نقشه جغرافیا، همه و همه شرایط را برای فعالیت و تصمیم گیری علیه ایران سهل تر نموده.

از طرفی دیگر با نقض حقوق مردم و نادیده گرفتن خواست های آنان و سرکوب اعتراضات مردمی در طی سی و دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی که در دو سال گذشته با تشدید کم سابقه ای همراه گردید، عملاً امکان اصلاح نظام سیاسی و تعدیل فشارهای وارده بر مردم به روش های مسالمت آمیز به سایه رفت. حرکت های ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی، به تقابل مردم با حاکمیت و کاهش نفوذ رژیم در بین مردم انجامیده. این امر فرصت مناسبی را در اختیار مردم و همچنین امپریالیسم جهانی برای تغییر نظام حاکم قرار داده است. اگر امپریالیسم جهانی و کشورهای سرمایه داری از منظری ارتجاعی و غیر دموکراتیک طرف دعوای جمهوری اسلامی هستند، تشدید تحریم های وضع شده از جانب آمریکا و اتحادیه ی اروپا دلیلی بر این مردم نیز بعنوان طرف دیگر این دعوا مطرح اند. البته از موضعی انقلابی، دموکراتیک و انسانی، هم راستا بودن خواست های آنان نه دلیلی است بر همراهی امپریالیست ها و نه توجیهی است برای کنار گذاشتن اهداف والای جنبش دموکراتیک و مترقی مردم کشورمان.

ما معتقدیم توده های مردم، کارگران و زحمتکشان آسیب دیدگان اصلی تحریم های وضع تحریم ها موجب رکود اقتصادی، تعطیلی بنگاههای اقتصادی، کاهش تولید و افزایش چشم گیر بیکاری، کاهش صادرات و افزایش واردات، نابودی کشاورزی، رشد تورم و افزایش فقر، افزایش ناهنجاری های اجتماعی، گردیده و زندگی اقشار میانی و پایین جامعه را در عین حال از فشار سیاسی به جمهوری اسلامی برای بازکردن فضای کشور و رعایت حقوق و آزادی های مردم از طریق مجامع بین المللی استقبال می کنیم ولی مخالف هر گونه مداخله نظامی یا تحریم اقتصادی کشورمان، هستیم. ما معتقدیم دموکراسی در ایران نه از طریق ورود تفنگداران قدرت های خارجی، تنها با اراده و عزم ملت ایران مستقر . ما خواستار پشتیبانی نهادهای و جنبشها مترقی بین المللی از مبارزات مردم ایران در راه دموکراسی بوده و هیچ قدرتی را جایگزین اراده ملت ایران نمی دانیم.

اقدامی برای آلترناتیوسازی از سوی دولت های خارجی هستیم. ما با احترام به حق تعیین سرنوشت همه ملل جهان، تعیین تکلیف با حکومت اسلامی را حق منحصر به فرد مردم ایران می دانیم.

- بحران اتمی

جمهوری اسلامی همواره بهره گیری از انرژی هسته ای را دستاویزی برای پیشبرد پروژه اما از آنجائیکه انداز تحولات آینده کشور، بیش از همیشه، با ماجراجوییها و بحران اتمی رژیم گره خورده، سیاست راهبردی حکومت در این راستا، پنهان کاری گسترده در فعالیت های هسته ای و عدم ارائه برنامه استراتژیک تأمین انرژی بوده است. در این میان آمریکا از پرونده اتمی جمهوری اسلامی و پیشبرد انزوی آن در عرصه بین المللی، برای تغییر رژیم و یا تبدیل آن به رژیم مطلوب آمریکا، با تمسک به هر وسیله ممکن استفاده می برد.

در چند سال گذشته سیاست جمهوری اسلامی در زمینه بحران اتمی، بی پاسخ گذاشتن مکرر درخواست های مراجع بین المللی و اتلاف وقت بوده است، سیاستی که تا کنون به وضع تحریم های اقتصادی و سیاسی علیه ایران و تشدید آن منجر گردیده، مجازات هایی که فشار اصلی آن بر گرده کارگران و زحمتکشان و اقشار متوسط و کم درآمد جامعه قرار داشته، و در صورت عدم پذیرش قطعنامه "شورای امنیت" توسط رژیم و ادامه روند حاضر و عدم شفافیت در فعالیت های، بایستی عواقب بدتری را نیز انتظار داشت. حتی احتمال دارد در صورت ادامه ماجراجویی های اتمی و پنهان کاری، آمریکا و متحدینش به عملیات نظامی و بمباران تأسیسات هسته ای و مراکز نظامی و صنعتی ایران نیز متوسل شوند. گسترش تحریم ها و زمینه سازی برای حمله نظامی، سبب میلیتاریزه شدن منطقه و در جهت هدف های استراتژیک قدرت های امپریالیستی است. ما هم چنان باید در عین مخالفت قاطع با هر اقدام فاجعه بار نظامی و اعمال تحریم های اقتصادی علیه ایران، که زندگی میلیون ها انسان را طاقت فرساتر میکند، خواهان شفاف سازی در برنامه هسته ای و اجتناب از ساخت سلاح های هسته ای توسط جمهوری اسلامی باشیم.

بحران سیاسی و اقتصادی موجود بیش از همه چیز با بحران اتمی گره خورده و سالانه میلیاردها دلار زیان و خسارت بر اقتصاد بیمار کشورمان تحمیل می کند. خسارت هایی که نهایتاً از جیب مردم پرداخت می . حکومت ایران که از بحران اتمی بعنوان پوششی برای تشدید خفقان و کتمان بحران های سیاسی و اقتصادی کشور و برای حفظ موقعیت و تأمین بقای رژیم استبداد مذهبی سود برده، با برآمد جنبش آزادیخواهانه و اعتراضی مردم ایران در دو سال گذشته،

"هدفمند کردن یارانه ها" امکان وقوع آن عینی تر گردیده است. هم اکنون اعتصابات دامنه دار کارگری در ابعادی وسیعتر نسبت به گذشته جریان دارد. با تشدید بحران بازم شدت خواهد یافت، امری که ناگزیر به شورش گرسنگان در محلات فقیرنشین و اعتصابات بزرگ کارگری خواهد انجامید.

نگاهی به وضعیت جنبش های اجتماعی

طی سال های گذشته، جنبش های اجتماعی در متن مبارزات عمومی و در عرصه های مختلف شکل گرفته، فعالیت های خود را استمرار بخشیده و به طور متقابل و انحصاری مختلف در اعتدالی مبارزات مردم کشورمان ایفای نقش نموده اند. این جنبش ها که در شرایط سرکوب و خفقان شکل گرفته بودند، علیرغم تشدید فشارها و محدودیتها و تحمل صدمات و هزینه های بسیار، توانستند به تلاشهای خود برای طرح و پیگیری حقوق و مطالبات عادلانه شان ادامه . در این مدت شاهد ادامه اعدام، حبس، شکنجه، اخراج و محرومیت فعالین عرصه های اجتماعی بوده ایم. با این وجود، تلاش پیکارگران برای پایه ریزی تشکلهای مستقل و آزاد در میان کارگران، دانشجویان، معلمان و زنان چشم گیر بوده است. ما از گسترش مبارزات صنفی، مطالباتی و سیاسی در میان گروه ها و اقشار اجتماعی دفاع می کنیم و بر همستگی آنها تاکید می کنیم و معتقدیم جنبش های اجتماعی هم چون جنبش زنان، جوانان، ملیت ها و ... در عین حال که می باید با هویت مستقل خود در صحنه نبرد حاضر شوند، اما بدون همکاری فعال و سازمان یافته قادر نخواهند بود به نیرویی کارساز در عرصه مبارزات اجتماعی تبدیل شوند.

فعالین جنبش های اجتماعی بعنوان بخشی از جنبش مردمی، با بکارگیری تاکتیک و شیوه های مختلف از امکانات موجود و علنی در پیکار با رژیم حاکم به بهترین شکلی بهره برده اند. جنبش اعتراضی مردم طی دو سال گذشته، جنبش های اجتماعی در عرصه مبارزات خیابانی و اطلاع رسانی و تبلیغات رسانه ای به نحوی فعال از سازماندهی افقی - شبکه ای استفاده . در شرایط سرکوب این نوع سازماندهی در سایر حرکت ها نیز از کارایی مؤثری برخوردار . با توسل به این شیوه و تاکید بر مشارکت و همکاری عمومی نه تنها هزینه کنترل و سرکوب بالاتر می رود، حتی بشکلی معکوس نیروهای سرکوبگر را در محاصره انبوهی از پیکارگران بی نام و نشان قرار داده و اهرم های سرکوب را بتدریج از کار می اندازد و درسازمان دهی و پایه ریزی تشکلهای مستقل مردمی نقش بسزایی ایفا می نماید.

های اجتماعی در عرصه های گوناگون، از چنان دامنه و عمقی برخوردارند که رژیم اسلامی نمی تواند بر آنها غلبه کرده و خاموش شان سازد. در عین حال توان و قدرت این ها نیز در حدی نیست که بتوانند حکومت را به عقب نشینی واداشته و یا خواسته را به آن دیکته کنند. در چنین شرایطی طرح خواست های مطالباتی و مستقل به واسطه جنبش های اجتماعی و به کارگیری شیوه های متنوع مبارزاتی، آن اقدام تعیین کننده و راه گشایی است که جنبش دمکراتیک کشورمان بدان نیاز دارد. در این میان فقدان ارتباط و هماهنگی کافی بین جنبش های مختلف اجتماعی، از جمله ی عواملی است که مانع از شکل گیری جنبش اعتراضی سراسری می شود. این ضعف با وجود نشانه های امید بخشی که از همستگی و پیوند این جنبش ها دیده می شود، همچنان وجود دارد و غلبه بر آن وظیفه فوری فعالین این جنبش ها است، تا با گشایش عرصه های جدید مبارزه و گسترش هرچه بیشتر پایه های آن در میان لایه های گوناگون اجتماعی بویژه کارگران و زحمتکشان، که اهرم اصلی دفاع از دمکراسی و عدالت اجتماعی است، در پیشبرد مبارزات دمکراتیک مردم میهمان نقش تعیین کننده ای داشته باشند.

1- جنبش اعتراضی و رهایی بخش مردم ایران

جنبش اعتراضی و رهایی بخش مردم ایران که طی دو سال گذشته ارکان نظام جمهوری اسلامی را به لرزه درآورده و مردم را وارد نبردی سرنوشت ساز کرده، انعکاسی است از مبارزات طبقاتی جامعه که ماهیتی دمکراتیک دارد، و به تعبیری برآیند مبارزات چندین ساله طبقات و اقشار مختلفی است که به صورتی عمدتاً منفرد حول خواسته های دمکراتیک گرد آمده و مطالبات خود را دنبال می کنند. هرچند جنبش اخیر بر بستر اعتراض به نتایج دست کاری شده انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری شکل گرفت. ولی ساده اندیشی است، هرگاه انگیزه پیدایی این جنبش را به انتخابات و سبک تر از آن به تقلبات انتخاباتی تقلیل دهیم. این جنبش ریشه در مبارزات دمکراتیک مردم، در جنبش اصلاح طلبی، در عملکرد سیاه و خشونت بار سی ساله جمهوری اسلامی و در تجارب تلخ و خونین مردمی دارد که راه های مختلفی را برای گذر از وضعیت حاضر امتحان نموده و هزینه های سنگینی پرداخته است. در این مدت صدها فعال کارگری، دانشجویی، زنان و حقوق ملیت ها به زندان افتاده، شکنجه شده و اعدام گردیده اند. آری این جنبش، بیان خشم فروخورده ملتی بود که خواهان تغییر وضعیت حاکم اند.

این جنبش ادامه منطقی مبارزات یک صد ساله مردم ایران برای کسب استقلال، دمکراسی و عدالت اجتماعی است. از این رو خیلی سریع شعارهای آنان از "رأی من کو؟"

انزوی هرچه بیشتر رژیم در عرصه های بین المللی -

"شورای امنیت" در خصوص پرونده امنی ایران، گواهی بر این مدعاست - نزدیک تر شدن اتحادیه اروپا به مواضع آمریکا در مقابله با ایران، از جمله پی آمد بحران سیاسی - اقتصادی حاضر و ناشی از سیاست های مخرب رژیم حاکم بر کشورمان بوده است.

ترین پی آمد این بحران، افشای هرچه بیشتر رژیم در افکار عمومی ایران و جهان، ریزش گسترده طرفداران حکومت، کشیده شدن خط بطلان بر تئوری اصلاح پذیری جمهوری اسلامی علیرغم اصرار چندش آور بعضی ها و مهم تر از همه درک این واقعیت توسط مردم و فعالین سیاسی که بدون حضور نیرویی سازمان یافته و پیشرو در صحنه سیاسی جامعه که مورد حمایت اکثریت مردم و توده های کار و زحمت نباشد، امکان پیروزی بر سازمان یافته ترین و ارتجاعی ترین رژیم منطقه امکان پذیر نیست.

در مواجهه با بحران سیاسی، رژیم راه کارهای متنوعی را بکار گرفته، اما سرکوب رکن اصلی سیاست های حکومت در مواجهه با

هرگونه مخالفت و اعتراض بوده است، هرچه دامنه اعتراضات بیشتر گشته بر نظامی گری رژیم نیز افزوده می گردد. از طرفی دیگر با رشد اعتراضات مردمی و رادیکال شدن خواست ها و شعارهای مردم، همه جناح های رژیم در خاموش کردن و یا حداقل کنترل صدای معترضان و سرکوب مخالفان به نوعی هم سوئی داشتند. هر چند اختلاف نظرهایی هم در شیوه های بکار گرفته شده دیده می شود.

تلاش های رژیم برای بسج افکار عمومی با شعار "تلاش های رژیم برای بسج افکار عمومی با شعار" زیر اوای "نهضت ملی هسته ای" با اوج گیری اعتراضات مردمی، شکست مقتضاحانه ای خورد. مردم از خود سؤال می کنند تنها "ولی بهره مندی از آزادی های سیاسی و مدنی، کار، نان، مسکن، بهداشت که نیازهای اولیه و اساسی آنهاست، حق مسلم شان نمی باشد، که اینگونه اعتراضات مسالمت آمیز مردم را به خاک و خون می کشند؟"

اتکای رژیم به سربیزه و سرکوب برای حفظ خود که موجب شتاب روند قدرت گیری فرماندهان امنیتی و نظامی و سهم خواهی آنها از قدرت سیاسی و در دستگاههای اجرائی شده به دستگاه قضایی نیز گسترش یافته است. به عبارتی ساده می توان گفت راهکار رژیم در مواجهه با بحران و پی آمدهای آن، امنیتی - نظامی کردن تمامی حوزه های جامعه بوده است. سرکوب عربان و رویارویی تمام عیار با مردم معترض، طراحی و اجرای برنامه های سرکوب مدنی و سیاسی در ابعادی گسترده، ایجاد فضای رعب و وحشت، بکارگیری سیاست ترور و شکنجه و تجاوز به دستگیر شدگان، راه اندازی شوهای تلویزیونی اعتراف مخالفین، اخراج دانشجوین و تصفیه استادان مترقی و دگراندیش، بر چیدن کامل امکانات تبلیغاتی و تشکیلاتی اصلاح طلبان و دستگیری اکثریت رهبران و کادرهای اصلی آنان.

شکاف درون حکومت روز بروز عمیق تر می شود، دولت احمدی نژاد که ائتلافی است از جناح های حاکم بخصوص افراد سفارشی بیت رهبری و باندهای نظامی - امنیتی، هر روز بیشتر از قبل دست رقیب را از نهادهای حکومتی کوتاه می کند. اشتباهی دار دسته یاد شده برای قبضه تمامی مسئولیت ها در دولت و مجلس، استنادیاریها، مدیریت شرکتهای دولتی و بنیادهای حکومتی و غیره سیری ناپذیر می نماید. کار بجایی رسیده، بخشی از اصول گرایان که در بقدرت رسیدن احمدی نژاد سهیم بودند، حال از قدرت سیاسی و ارگانهای اقتصادی پس زده می شوند. رفسنجانی در جهت حفظ موقعیت خود و اطرافیان، با جمع کردن تعدادی از روحانیت و مراجع مذهبی که از قدرت گیری باند احمدی نژاد ترسیده اند، تلاش کرد تا اهرم فشاری را علیه رهبری سازماندهی نماید، این اقدام وی با شکست مواجه شد. رفسنجانی حتی برای حفظ موقعیتش در مصاحبه کوتاهی با تلویزیون دولتی به تقبیح تظاهرات 25 89 نیز متوسل شد، اما این اقدام وی هم کارساز نبود و نهایتاً از ریاست مجلس خبرگان کنار رفت. جناح حاکم در برخورد با اصلاح طلبان که موقعیت شان طی سالهای اخیر بشدت تضعیف شده و تمامی مواضع خود را از دست داده اند، به نفی و طرد آنها روی آورد. در این راستا تعدادی از بانیان و خدمتگزاران نظام راهی زندانها شده و مورد شکنجه قرار گرفتند، رفتاری که طی سالیان طولانی و همواره نصیب "غیر خودی" . علیرغم این سیاست پیش گرفته، بخش بزرگی از اصلاح طلبان هنوز امیدوار به اصلاح نظام و سر عقل آوردن رهبری هستند.

بزرگترین نقطه ضعف جنبش مردمی دو سال اخیر در رسیدن به خواست های دمکراتیک خود، نبود تشکل و تحزب و فقدان رهبری انقلابی و دمکراتیک بوده است.

گسترده مردمی هر چند که در خیلی از موارد از چارچوب رفرم های مدنظر اصلاح طلبان حکومتی فراتر رفت، اما به همان دلیل عملاً ناکام ماند. عدم سازمانیافتگی جنبش اعتراضی و رهبری ناپیگر و مردد که از تعمیق خواست های مردم معترض در هراس بود و نمی خواست مطالبات مردم از چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی فراتر رود، با تشدید سرکوب ها و کشتار و اعدام معترضان مانع از گسترش اعتراضات توده ای و تعمیق بیشتر خواست های آنان و بحرکت درآمدن کارگران و زحمتکشان و جنبش های اجتماعی رادیکال شود. امری که با اجرای

منعکس نماید، می تواند ساختاری مناسب برای جنبش اعتراضی و رهایی بخش امروز کشورمان
ناید فراموش کرد که احزاب و سازمان های سیاسی خود منعکس کننده خواست

بخش هایی از جامعه هستند، ضمن آنکه حضور جنبش های اجتماعی در درون جبهه سیاسی
علیرغم جهت گیری های مدنی آنها، هیچگونه منافاتی با اهداف و برنامه های جنبش های
اجتماعی نداشته و خود به ارتباط متقابل آنان با نیروهای سیاسی کشور کمک می نماید.

واکنش حکومت در برابر حرکت اعتراض مردم، بیش از هر چیز، معطوف به سرکوب بوده
، رژیم سعی کرد با این اقدام ضمن برچیدن سازمان ها و شبکه های قانونی و علنی اصلاح

طلبان، امکان حرکت زیر پوشش چنین امکاناتی را از مردم سلب کرده و با افزودن به هزینه های
ارتباطات و تشکلهای محفلی مخالفان مستقل را هم برچیند. اگر چه جنبش اعتراضی مردم ایران
در نخستین گام نتوانست جناح حاکم را به عقب نشینی آشکار واداشته و ابطال انتخابات را بر
ولایت فقیه دیکته کند، اما دستاوردهای پربراری داشته است. و زمانی که جمهوری اسلامی فکر
می کرد جنبش اعتراضی و آزادی خواهانه مردم را مهار نموده، خیزش 25 89 که در تداوم
حرکت های قبلی و البته با کیفیتی نوین بود. حرکتی که از وزش انقلابات خلق های عرب
خط بطلانی بر این باور نادرست کشید. در حرکت مجدد روحیه ی مردم

نه تنها تدافعی نبوده، بلکه با اعتماد به نفسی ستودنی، مقاومت جانانه ای را در برابر تهاجم رژیم
از خود به نمایش گذاشتند. در این حرکت خواست های مردم از چارچوب ظرفیت های ترسیمی
اصلاح طلبان فراتر رفت و با نشانه گیری کانون قدرت در ایران که در بیت رهبری و مراکز
نظامی گردهم آمده اند، بلوغ سیاسی مردم را به رخ کشید. مردم با خواست هایی رادیکال و
شعارهایی رادیکال تر، " اصلاح طلبی را به چالش کشیدند و بازبینی آن را دیکته
کردند. اما پاسخ رژیم اسلامی به خواست مردم باز هم سرکوب و کشتار بود. با این همه جنبش
اعتراضی و آزادی خواهانه مردم از جوشش و تکاپو باز نایستاده و تا رسیدن به هدف، که ایرانی
بدون جمهوری اسلامی است، از حرکت باز نخواهد ایستاد.

هرچند حکومت در پاره ای از موارد موفقیت هایی داشت، اما نتوانست نطفه های اعتراض و
تشکلهای خودجوش مردمی را از بین ببرد. مردم معترض علیرغم اعمال قهر و سرکوب از جانب
حکومت، اعتراضات خود را بشکلی مدنی ادامه داده و تا به امروز سعی کرده اند به قهر متقابل
روی نیآورند. ولی آنچه که مسلم است رفتار و خواست های مردم معترض، روز بروز رادیکال تر
می گردد. از نکات مثبت دیگری که جنبش حق طلبانه توده ها ببار آورد، جان تازه ای بود که به
اپوزیسیون چپ، دموکرات و ترقیخواه بخشید و امکانات و امیدهای تازه ای در مبارزه برای آنها
پدید آورد. و همچنین امکاناتی را برای پیوند گفتمان ضد سرمایه داری، گفتمان آزادی و برابری
چپ در این جنبش حضور داشته و قاطعانه از آن حمایت می کند.

" بعنوان بخشی از جنبش اعتراضی، ما ضمن دفاع از حفظ تنوع و
گسترده گی جنبش، نقد آشکار مواضع آنان بخصوص در مورد قانون اساسی و اصلاح جمهوری
اسلامی، را در راستای اعتلای جنبش و دنباله روی از آنان را گامی در راستای توهم پراکنی و
تحقیق توده ها و به زیان جنبش ارزیابی می نمایم. ضمن آنکه از هرگونه مقاومت و مبارزه آنها
علیه جناح حاکم استقبال می کنیم.

کندی روند همگرایی بین جنبش های اجتماعی شکل دهنده جنبش اعتراضی، از جمله
ضعف های آن می باشد. جنبش های زنان، جوانان و ملیت ها نمی توانند بدون اعتناء به
پیکارهای طبقاتی، اکثریت عظیم جامعه را علیه دیکتاتوری حاکم برانگیزانند و موجد موکراسی
این جنبش علیرغم اشتراکات فراوان آن با مبارزات یکصد ساله مردم کشورمان نسبت به
جنبش های اجتماعی قبلی دارای خود ویژگی هایی است که آن را از سایر جنبش ها متمایز
می سازد، این جنبش، جنبشی است:

- خود جوش و خود انگیزه، فاقد رهبری، بدون سازمان یافتگی و برنامه مشخص
- حول ابطال نتایج انتخابات شکل گرفته و در ادامه به گذر از دیکتاتوری و حکومت توتالیتر
رسیده است
- مدنی و دموکراتیک است و سعی در پرهیز از خشونت در برابر رفتار قهرآمیز حکومت دارد
- با مطالبات مدنی و فرهنگی در مقابله با استبداد مذهبی است
- ضد استبدادی، آزادخواهانه و عدالت طلب
- روز بروز رادیکال تر و خواست های آن گسترده تر می شود.
- با تکرر و تنوع وسیع اقشار و گرایشهای شرکت کننده
- همه جانبه و با حضور میلیونی اقشار و طبقات مختلف جامعه، بخصوص زنان، جوانان، اقشار
تحصیل کرده و ملیت های تحت ستم
- هنوز قادر نتوانسته است کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را بشکلی گسترده با خود همراه سازد
- با قابلیت های چشم گیر در استفاده از فن آوری نوین و بخصوص اینترنت در اطلاع رسانی و
بسیج کنندگی
- کلان شهری، که بدنه آن سکولار و رهبریش مردم سالاران دینی هستند

" به شعارهایی نظیر " " مرگ بر دیکتاتور " " ولایت فقیه " تغییر و خواست آنان از " ابطال نتیجه انتخابات " حذف ولایت فقیه " تغییر
" فرا روئید. روند حوادث نشان داد که بر خلاف ادعای رهبران سبز، جنبش مردمی در کلیت
نه در راستای اصلاح نظام استبدادی اسلامی، بلکه در تقابل با آن و برای عبور از آن تلاش می
. از این منظر یکی انگاشتن جنبش ضد دیکتاتوری و رهایی بخش اخیر با " " پروژه ای هدفمند برای گمراه سازی و خفه کردن اعتراضات مردمی نبوده باشد، مطمئناً اقدامی
نسنجیده و نادرست محسوب می گردد.

خواست محوری جنبش کسب آزادی های سیاسی و مدنی، مبارزه علیه استبداد و دیکتاتوری
حاکم می باشد. خواستی که قدرت بسیج کنندگی گسترده ای دارد. و در اولین گام نتوانست
بخش وسیعی از طبقه متوسط، زنان، جوانان، روشنفکران، کارگران و زحمتکشان و حتی بخشی
از سرمایه داران غیر وابسته به باندهای حکومتی را با خود همراه سازد. نیروهایی که به لحاظ
اجتماعی دارای خاستگاه های متفاوت و حتی متضادی بودند. علت اصلی آن را باید در همان
خواست های بنیادین جنبش اعتراضی جستجو کرد که ذکر شد. جنبش اعتراضی به لحاظ
سیاسی نیز موفق گردید طیف وسیعی از نیروهایی را که خواهان برکناری جمهوری اسلامی
هستند، نیروهایی را که خواهان تغییرات اساسی در جمهوری اسلامی از جمله نفی ولایت فقیه
اند، و نیروهای اصلاح طلبی را که تنها خواستار دگرگونی در ساختار سیاسی برای حضور جناح
های دیگر در حکومت می باشند، را با خود همراه نماید. به نظر می رسد ادامه سرکوب ها،
رادیکال تر شدن جنبش را در پی داشته و در ادامه تشدید نیز خواهد شد. رادیکالیزه شدن جنبش
و تشدید سرکوب ها موجب ریزش نیروهای مردم و بخش ناپیگیری جنبش خواهد گردید.
تعمیق خواست ها، نیروهای جدیدی از لایه های پایینی جامعه، از بین کارگران و زحمتکشان
جذب جنبش می گردند.

تا زمانی که خواست معترضین متوجه نتایج دستکاری شده انتخابات بود، اکثر اصلاح طلبان
از اعتراضات مردمی بعنوان ابزاری برای کسب مجدد قدرت استقبال نمودند. ولی با گسترش
جنبش اعتراضی و رادیکالیزه شدن جنبش و از طرفی دیگر با شدت یابی سرکوب ها و همه گیر
شدن دستگیری ها، صفوف اصلاح طلبان شکاف برداشت. بخشی از آنان برای مهار جنبش و از
ترس تمیق آن با قدرت حاکمه کنار آمدند، و پاره ای از آنان هم درصدد معامله برآمدند،
رفسنجانی نمونه خوبی برای این طیف می باشد. عده ای نیز به مقاومت و مبارزه ادامه دادند. که
در این میان مقاومت و ایستادگی رهبران اصلی " آقایان موسوی و کروبی، در تمیق
شکاف های حاکمیت و گسترش حرکت های اعتراضی نقش بسزایی داشت.

هم بیشتر از آنکه برآمده از انتخاب آنان باشد، ناشی از نفی هرگونه سازش و مصالحه توسط باند
حاکم بود. روندی که آنان را به مسیری برگشت ناپذیر سوق داد. با این همه نباید مقاومت آنان
را کم ارزش جلوه نموده و یا بالعکس ضعف اصلاح طلبان را در نمایندگی مطالبات و خواست
های عمومی جنبش اعتراضی کتمان نمایم.

انحصارطلبی اصلاح طلبان و حذف بی سرو صدای اپوزیسیون از رهبری و مدیریت جنبش
اعتراضی، بواسطه حضور وسیع و گسترده هواداران احزاب اپوزیسیون که عمدتاً گرایشات سکولار
و غیر دینی دارند، تناقضی را بین رهبری و بدنه جنبش بوجود آورده است. به رغم آنکه وزن
نیروهای سکولار در بدنه جنبش سنگین تر از طرفداران اسلام سیاسی است، ترکیب رهبری
جنبش دقیقاً برعکس آن می باشد. رهبران اصلاح طلب برای گریز از پاسخ دادن به این تناقض،
با کنار گذاشتن جبهه سیاسی بر تشکل فراگیری تأکید می کنند که عامدانه ترکیب و چگونگی
انتخاب ارگان هماهنگ کننده و رهبری آن به فراموشی سپرده می شود.

شکلی دموکراتیک قبل از هر چیز بایستی این نکته کلیدی مشخص گردد که ارگان هماهنگ
کننده این جنبش فراگیر چگونه و با چه ترکیبی انتخاب خواهد شد؟ آنچه که فراموش می شود،
اتفاقاً کم چیزی نیست. تسلط مطلق اصلاح طلبان بر رهبری جنبش از ضعف های اساسی آن
بشمار می آید، که در ادامه می تواند مخرب نیز باشد. در شرایط حاضر ما به رهبری جمعی و
دموکراتیک اعتقاد راسخ داریم. در ضمن از هر اقدامی که در راستای خواست های بنیادین
جنبش، مبارزه علیه استبداد، آزادی خواهی و عدالت طلبی باشد، حمایت خواهیم کرد.

ضرورت سازماندهی جنبش اعتراضی شاید بزرگترین دستاورد نظری جنبش اخیر بوده است.
فقدان سازماندهی و نداشتن پلاتفرم مورد پذیرش عمومی برای جنبش، از دست رفتن فرصت
هایی گرانبهادر را در پی داشت. درک این ضرورت نیروهای شرکت کننده در جنبش اعتراضی را
بسوی بحث هایی سوق داده که موضوع بحث آن یافتن شیوه های سازماندهی و تدوین
پلاتفرمی متناسب با خواست و وزن نیروهای حاضر در عرصه مبارزه می باشد.

ای متشکل از احزاب سیاسی، آن ظرف مناسبی است که می تواند ضعف اساسی جنبش، یعنی
نبود رهبری توانمند و تأثیرگذار را برطرف سازد. ما معتقدیم جبهه دموکراتیک با پلاتفرم مورد
توافق نیروهای سیاسی، جنبش های مدنی، تشکل های کارگری و شخصیت های سیاسی -
فرهنگی که خواست های حداقلی جنبش یعنی " نفی دیکتاتوری مذهبی و برقراری دموکراسی "

حذف زنان از بازار کار، تشدید برخوردهای امنیتی با فعالان و مدافعان حقوق زن و زندانی شدن آنها و موارد دیگر، عزم زنان را بر ایستادگی و کوشش در مبارزه برای کسب آزادی و مسئله حضور زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های سیاسی و

های اجتماعی به چالش بزرگی در جوامع امروزی تبدیل شده است. زنان با نیروی آگاهی و تلاش مؤثر و تاثیرگذار و با اعمال اراده توانسته‌اند مطالبات خود را بر اساس تغییرات بنیادین در این جوامع طرح کنند. رشد فرهنگی و آموزشی، رشد آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی و رشد سازمان یافتگی و توانمندی‌های زنان، در زمینه حقوق زنان و حقوق شهروندی موجبات فراهم آمدن شرایطی می‌شود که زنان همچون مردان بتوانند در تمامی عرصه‌های سیاسی و اجتماعی فعالیت کنند.

ویژگی جنبش زنان کشورمان که توانایی تبدیل شدن به یک جنبش اجتماعی فراگیر را دارد، جنبشی است بر علیه ستم جنسی و طبقاتی، که برای آزادی و برابری مبارزه می‌کند. خیزش دوباره جنبش آزادی زنان و نقش برجسته زنان در مبارزات سیاسی علیه حاکمیت برای تغییر در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با خویش شدن باوری زنان و بیداری افکار عمومی و کاهش ترس و هراس مردم از حکومت همراه بوده است. در بین فعالین زنان باوری قوی وجود دارد، مبنی بر آنکه برای از میان برداشتن سلطه و حاکمیت استبدادی دینی سرمایه مدار، نخست باید به درون نهادهای فرهنگی و فکری حاکمیت رخنه کرد، سپس با مبارزه ای سازمان یافته، متحد و آگاهانه برای پیشبرد اهداف مبارزاتی جنبش اقدام نمود. سمت و سوی این مبارزات علیه حاکمیتی است که در طول بیش از سه دهه خواسته است با بکارگیری ترفندهای مختلف و سرکوب عریان مانع از دستیابی زنان به حقوق شان شود.

4- جنبش‌های ملی

رهبران جمهوری اسلامی در ادامه سیاست ارتجاعی رژیم پهلوی در خصوص مسائل ملی و حقوق ملیت‌های ساکن کشورمان، همچنان بر ادامه همان سیاست‌های نادرست و شوونیستی پای فشرده، سرکوب خواست‌های مردم کردستان، ترکمن صحرا، آذربایجان، بلوچستان و عرب، از همان فردای انقلاب نشان دادند که دست کمی از سلف خویش ندارند.

سیاست سرکوب خلق‌های کشورمان همچنان ادامه دارد. هر روز خبر از بازداشت، زندانی و اعدام، فعالین و مدافعین حقوق ملیت‌ها به گوش می‌رسد. اعدام دهها نفر در کردستان و بلوچستان نشانه بارزی از ادامه سیاست‌های مورد نظر است. علیرغم این سرکوب‌ها و فشارها فعالین ملی با تشکیل انجمنها و نهادهای مدنی و فرهنگی، چاپ و نشر کتب و مجله به مبارزه خود ادامه می‌دهند.

در جنبش اعتراضی دو سال گذشته ملیت‌های غیر فارس بجز خلق کرد حضوری کم رنگ . در این میان غیبت مردم آذربایجان موضوعی بود که نظر تمامی فعالین سیاسی را . از دلایل اصلی آن می‌توان به سرکوب حرکت مردم آذربایجان در یک خرداد 86 اشاره نمود که پتانسیل انقلابی منطقه را برای مدتی کاهش داد. حرکتی مردمی و سرکوبی وحشیانه از جانب حکومت، که متأسفانه نیروهای سیاسی مدعی دموکراسی و حقوق بشر در تهران و سایر شهرها واکنشی درخور از خود نشان ندادند. دلایل دیگری را نیز برای این موضوع می‌توان نام برد از جمله فقدان نیروی سیاسی منسجم و کارآمد در بین نیروهای ملی گرای آذربایجانی. اما حضور مردم کردستان در جنبش دو سال گذشته چشم گیر بود. بکارگیری ابتکارهای جدید و بدیع از جانب خلق کرد و نیروهای سیاسی منطقه، از جمله برگزاری اعتصاب عمومی در اعتراض به اعدام فعالین کرد، افق مبارزاتی نوینی را برای جنبش اعتراضی سراسری . متأسفانه جوانان بلوچ در مبارزه با قهر حکومت به خشونت کور کشیده شده است، امری که سرکوب‌های جمهوری اسلامی در منطقه را حداقل برای طرفدارانش توجیه پذیر می‌کند.

حضور کم رنگ چپ در مبارزات ملی و نداشتن برنامه ای مشخص در برخورد با مسائل ملی، بسنده کردن به شعارهای کلی و اتکاء به افتخارات گذشته، نه تنها کمکی به جنبش چپ نخواهد نمود، بلکه شکاف موجود بین نیروهای چپ و مدافعان حقوق ملیت‌ها را عمیق تر و سوق یافتن آنها به سوی ناسیونالیسم کور و چپ ستیزی را موجب خواهد شد.

5- جنبش دانشجویی و جوانان

در دو سال گذشته و پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، بیشترین فشارها و پیگردها متوجه جنبش دانشجویی و دانشجویان پیشرو بوده است. تشدید روندی که به ستاره دار کردن، تعلیق از تحصیل، تصفیه و اخراج، دستگیری، شکنجه، زندان و اعدام منجر گردیده، سهم دانشجویان آگاه از الطاف جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد بوده است. دانشجویان بزرگترین نقش را در سازماندهی و حمایت سایبری جنبش اعتراضی دو سال گذشته بر عهده داشته اند. اینرو درک دلایل خشم و نفرت حاکمیت از این قشر آگاه و پیشرو جامعه دشوار نیست. دانشجویی نیز پس از عاشورای 88 به موضعی تدافعی رانده شده، تشکل‌های دانشجویی شدیداً آماج حملات حکومتیان قرار گرفته و دانشگاهها و خوابگاههای دانشجویی به بهانه‌هایی مورد

- با حمایت چشم گیر جهانی خصوصاً ایرانیان خارج از کشور تفسیر اعتراضات گسترده دو سال اخیر بدون توجه به تناقضات و شکاف‌های درونی حاکمیت غیر ممکن می‌نماید، اما تا ابد نمی‌توان به این تناقضات و شکاف‌ها آویزان شد. شکاف‌ها، تناقضات و تضادهای موجود در بطن جامعه، آن رمز کلیدی برای تبیین آینده اجتماعی کشورمان محسوب می‌گردد.

2- طبقه کارگر ایران

طبقه کارگر ایران در پی کاربست سیاست‌های نولیبرالی و پیشبرد پروژه جهانی سازی شدت مورد تهاجم قرار گرفته، صدها اعتصاب و اعتراض کارگری در دو سال گذشته واکنش منطقی کارگران در برابر تضییع منافع شان بود. به رغم گستردگی این اعتصابات و اعتراضات متأسفانه پراکندگی و عدم ارتباط آنها معضل بزرگ و ضعف عمده جنبش کارگری کشورمان بشمار می‌آید. در دو سال گذشته روند شکل گیری تشکل‌های کارگری همچنان ادامه داشت، ولی با تشدید سرکوب‌ها و علیرغم ایستادگی حماسی کارگران پیشبرد، این روند اندکی کند گردیده. در اوایل سال 87 پس از سالها تلاش سندیکای کارگران "کشت و صنعت نیشکر هفت تپه" تشکیل و توسط مجامع جهانی به رسمیت شناخته شد.

تعطیلی و توقف تولید در بخش بزرگی از کارگاه‌های تولیدی، ورشکستگی و رکود 50

صنایع و تعطیلی بیش از 30 درصد صنایع موجب اخراجهای گسترده و افزایش انبوه بیکاران شده، نرخ بیکاری از 20 درصد گذشته و تعداد بیکاران از 5 میلیون نفر تجاوز کرده است.

در این مدت تلاش‌هایی برای هم‌گرایی و پیوند مبارزات کارگری کشورمان بعمل آمده . همکاری دو سندیکای "شرکت واحد تهران" "کشت و صنعت نیشکر هفت تپه" چندین تشکل و نهاد کارگری از آن جمله است. بدنبال تشدید فعالیت تشکل‌های کارگری فشار بر این تشکل‌ها و رهبران آنها افزایش یافته است. هم‌اینک تعداد کثیری از اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکاهای "شرکت واحد تهران" "کشت و صنعت نیشکر هفت تپه"، کانون مدافعان حقوق کارگر و دیگر تشکل‌ها در بازداشت بسر می‌برند. فشار بر زندانیان کارگری بمراتب بیشتر و سخت تر است. اخراج کارگران مبارز شیوه رایج و در عین حال غیر انسانی جمهوری اسلامی برای تنبیه این کارگران به همراه خانواده‌هایشان می‌باشد.

کارگران ایران بدلیل بحران اقتصادی حاکم و تاثیر سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی بر اقتصاد ضعیف و بیمار کشورمان و با نابودی و تعطیلی صنایع و مراکز تولیدی در معرض بیکاری، بی مسکنی و فقر روزافزون قراردارند. طبقه کارگر سالها است که درگیر مبارزه با تعرضات نظام حاکم به حقوق و معیشت اش است. تعطیلی و توقف تولید در بخش بزرگی از کارگاه‌های تولیدی، ورشکستگی و رکود 50 درصد صنایع و تعطیلی بیش از 30 درصد صنایع، اخراجهای گسترده و افزایش انبوه بیکاران را در پی داشته است. در چنین شرایطی، مبارزه برای تعلق بیمه بیکاری به کارگران بیکار شده تا اشتغال مجدد، به مهم ترین خواست کارگران فراروئیده است.

طبقه کارگر و جنبش سازمان یافته آن مهم ترین نیروی جامعه برای پیشبرد توامان خواست‌های دموکراتیک و صنفی است. امروز کمک برای تشکل یابی کارگران و پیوند میان مبارزات آزادخواهانه و مبارزات کارگری از نیازهای اساسی گسترش و تقویت این مرحله از جنبش دموکراتیک کشورمان می‌باشد. ما از هرگونه تلاش کارگران و فعالین سندیکایی برای احیاء و تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری استقبال می‌کنیم.

3 -

در سال‌های اخیر جنبش زنان، در بین جنبش‌های اجتماعی کشورمان مطرح ترین و درعین حال پایدارترین آنها بوده و در جنبش اعتراضی دو سال گذشته نقش بسزائی ایفاء نموده است. جنبش زنان علیرغم پیگردهای قانونی و فشارهای غیر قانونی علیه فعالین این جنبش در سال‌های اخیر برای احقاق حقوق خود با برپائی گردهم آبی‌های متعدد برای افشای سیاست‌های زن ستیز جمهوری اسلامی از جمله برگزاری روز جهانی زن، فعالیت‌های چشمگیری داشته اند. هر چند اقدامات صورت گرفته و در کل گرایش جنبش زنان پس از بقدرت رسیدن احمدی نژاد، بیشتر تدافعی بوده تا تهاجمی، ولی در هر حال این جنبش، همواره اعتراض زنان به تبعیض آشکار، برای لغو قوانین زن ستیز، علیه لایحه ارتجاعی "حمایت خانواده"، در دفاع از لغو حکم سنگسار، آزادی انتخاب نوع پوشش، در مخالفت با سهمیه بندی دانشگاه‌ها و غیره تجلی یافته . 25 88 و حضور گسترده زنان در اعتراضات خیابانی، جنبش زنان بیشتر خواست‌های سیاسی اکثریت جامعه را منعکس می‌نمود تا مطالبات صنفی و خاص زنان را.

در چنان موقعیتی این گرایش تا حدودی منطقی به نظر می‌رسید، با این همه فعالین پیشرو جنبش زنان بایستی توجه داشته باشند که شرط بقاء و پویایی این جنبش اساساً در پرداخت آن به . از اینرو بدون آن که حکمی برای عدم حضور زنان در اعتراضات خیابانی صادر نمائیم، توصیه می‌کنیم این جنبش مسائل زنان را همچنان در اولویت برنامه‌های خود داشته و از تحت الشعاع قرار گرفتن آن حتی به بهانه‌هایی والا تر امتناع نماید.

دوم اسفند، روز جهانی زبان مادری

از مبتکرین و بنیانگذاران روز دوم اسفند ماه بعنوان روز جهانی زبان مادری باید تقدیر نمود و اینان را بعنوان زنده نگاهداران هویت ملت ها و ملیت ها با زبان مادری شان، که تبیین کننده هستی شان است، ستود.

زبان مادری را نمی توان تنها بعنوان زبانی که از بدو تولد با آن انس گرفته ایم تلقی نمود، بلکه این زبان هم چون مادری بوجود آورنده و زاینده محسوب می شود.

مادری که این زبان را بوجود آورده تا بتوانیم هرچه بهتر محصولات اجتماعی را بوسیله آن عرضه و بخش بزرگی از روابط اجتماعی مان را با آن تنظیم نماییم. ابزاری که نقش بزرگی در شکل گیری تعلقات ما داشته و کمک می کند تولید و بازسازی فرهنگ و هویت متعلق به جامعه مان را با آن و بوسیله آن ارائه دهیم. در واقع زبان یک ملت تنها وسیله سخن گفتن و رفع نیازمندیهای روزانه و همه جانبه او نیست. بلکه زبان ابزاری برای خوب اندیشیدن، جهان بینی، عمل اجتماعی و هویت اجتماعی و روابط بزرگ و کوچک با همدیگر، با جهان اطراف و هم چنین با زمانهای گذشته و حال و آینده می باشد.

در چنین دورانی که مدرنیته بخش مهمی از آن را تشکیل می دهد، نباید هویت خود را فقط با زبان بسنجیم. یعنی نمی توان عامل زبان را مبنای سنجش قرار داد. چرا که کشورهایی مانند آمریکا، انگلیس و استرالیا همگی به زبان انگلیسی صحبت می کنند، در حالی که زبان عامل پیوند و شکل گیری هویت ملی افراد آن جوامع با یکدیگر نیست. در نقطه مقابل در کشورهایمانند کانادا و سوئیس که یک زبان واحد وجود ندارد تا مشخصاً و به تنهایی عامل هویت ملی قرار گیرد. پس تکیه صرف کردن بر عامل زبان بعنوان ابزار وحدت و بوجود آورنده ملیت و هویت، کاری بس عبث و بیهوده است. یعنی نه زبان به تنهایی شناسنامه و هویت ملتی است و نه هر اختلاف در لهجه و زبان بوجود آورنده ملت و ملیتی جداگانه می باشد. اینها همگی ابزاری برای شناخته شدن هستند و ادعاهایی بی جا و مغایر عقل و منطق تنها ما را به بیراهه خواهد کشاند. بقول شهریار:

اختلاف لهجه ملیت نراید بهر کس

ملتی با یک زبان کمتر به یاد آرد زمان

ترکیه، پس از شکست شوروی، از عامل زبان برای نفوذ در جوامع جدا شده از آن کشور و تسخیر بازارها آنان تلاش زیادی بعمل آورد، ولی ناموفق بود. این تلاش تقریباً ناموفق نشان داد که استفاده از چنین ترفند و دستاویزی شاید در کوتاه مدت و در شرایطی خاص دست آوردهایی . ولی در دراز مدت نمی توان روی آن حساب باز نمود و روی آن قمار کرد. چرا که این مستمسک چشم اندازی استراتژیک نخواهد داشت. در دنیای امروز نقش زبان در حال تغییر رفتن آن، مسلماً هویت فرهنگی و ملی جامعه ای در معرض خطر قرار می گیرد.

در اینکه حقوق ملیت های غیر فارس ایرانی بشکلی مضاعف پایمال می شود، شکی نیست. اگر بخواهیم واقع بینانه با مسئله برخورد نماییم، بجای طرح شعارهای انحرافی و بوجود آورنده اختلافات قومی که آب در آسیاب فرصت طلبان می ریزد، بایستی اجازه دهیم دیگران هم در مورد ما و حقوق پایمال شده ما داوری کنند. بی آنکه از خواست های ملی خود صرف نظر کنیم می توانیم دیگر هموطنان مان را از پایمال شدن حقوق ملی خویش



و همدل سازیم.

تهاجم لباس شخصی ها و بسیجیان قرار می گیرد.

در این مدت تشکلهای و نشریات دانشجویی با گرایشهای مختلف از جمله گرایش چپ به مبارزه و مقاومت در برابر سرکوب ادامه دادند. راههای نوینی بکار گرفته شد. بزرگترین دستاورد جنبش اخیر برای جنبش دانشجویی درک ضرورت وجود تشکل های رزمنده و کارآ، توجه به مسائل امنیتی و اجتناب از چپ روی های کودکانه بود. رژیم با افزایش غیرمنطقی تعداد دانشجویان سعی در اختفای خیل عظیم بیکاران بوده، راهکاری که به معضلی بزرگتر برای رژیم تبدیل شده . وجود میلیونها دانشجویی که هیچ آینده امیدبخشی را برای دوران پس از فارغ التحصیلی خود متصور نیستند، حکومت را با چالشی بزرگ مواجه نموده، چالشی که بقای رژیم را به مخاطره جدی افکنده است.

-6

علیرغم فشار بر گروه های اجتماعی و نهادهای صنفی، فعالیت آنها هر چند دشوارتر و محدودتر شده، اما متوقف نگردیده است. حذف تشکل ها، نهادهای و سازمانهای غیر دولتی مستقل و بازداشت و تهدید فعالان آنها، از اهداف و برنامه های نخستین دولت احمدی نژاد بوده است. فشار بر هنرمندان، نویسندگان، وکلا، اندیشمندان، استادان دانشگاهها، روزنامه نگاران، فعالان فرهنگی و اجتماعی، بویژه بر کانون نویسندگان ایران، کانون وکلا، کانون مدافعان حقوق بشر، سازمانهای غیر دولتی و نهادهای مستقل مردمی در ماههای گذشته شتاب بیشتری گرفته و روز به روز افزایش می یابد. بازداشت سینماگران، وکلای زندانیان سیاسی و عقیدتی بخشی از پروژه سرکوب است که حکومت پیش می برد.

خواست های صنفی نزدیک به یک میلیون نفر از معلمین و فرهنگیان کشور، مانند خواست های سایر اقشار پایینی جامعه از جانب حکومت بدون پاسخ مانده است.

دستگیری و بازداشت و زندانی کردن نمایندگان فرهنگیان و فعالین این قشر محروم و زحمتکش

کاهش هزینه های بهداشتی و خصوصی سازی این بخش، نه تنها اکثر محرومین جامعه را از خدمات بهداشتی محروم ساخته، شاغلین این بخش را نیز با مشکلات بیشتری مواجه نموده، پرستاران مراکز بهداشتی با کاهش بودجه های بهداشتی مجبورند بجای چند نفر کار کنند. مراقبت پرستاران از بیماران بیشتر شده بدون آنکه افزایشی در حقوق و مزایای آنها صورت گرفته باشد، تشدید استثمار پرستاران افزایش ضریب خطا در پرستاری از بیماران را موجب شده است. موضوعی که اعتراضات پرستاران را در پی داشته، انتظار می رود با کاهش بیشتر هزینه های بهداشتی و درمانی در بودجه کشور، در آینده شاهد افزایش هر چه بیشتر اعتراضات پرستاران باشیم.

-7

جنبش چپ همچنان از تشمت و پراکندگی رنج می برد. بیشتر نیروهای "چپ پیشین" بیماری خودآزاری و خود کم بینی دچار گشته و کارآیی خود را از دست داده است. آنها از ستیز با یاران خود به بهانه نادرست و غلو شده عملکرد سه دهه قبل شان لذت می برند. میزگرد بی بی سی در چهلمین سالگرد جنبش سياهکل نمونه آشکاری از رفتار چپ مورد ادعای ماست. دیگری از آنها نیز بدنبال فروپاشی باورهایشان، اعتماد به نفس و اعتماد به نیروهای مادی خویش را از دست داده اند و همچون نیلوفران تنها با پیچیدن به دور درختان و گیاهان دیگر می آنان قادر به طرح مستقیم و بلاواسطه خواست ها و برنامه هایشان نیستند و برای این کار مجبورند دنباله رو کسان دیگری شوند، کسانی که فاقد چنین صلاحیت و توانی . آنها می خواهند بجای سیاست فیللی شان در کمک به دگرذیری دمکرات های انقلابی به کمونیست های دواآتش، این بار دمکرات های دمکرات !!! را به چپ های دمکرات و مدرن تبدیل کنند.

مبارزات سیاسی و جنبش های اجتماعی در غیاب و یا حضور کم رنگ چپ، از توان و رزمندگی لازم برخوردار نیستند. فقدان تشکیلات چپ متناسب با شرایط حاکم در داخل کشور، از مهم ترین معضلات جنبش دمکراتیک کشورمان است، که با تشمت چپ تشدید گردیده.

امروز، بیش از هر زمانی نیازمند اتحاد و یکپارچگی است. مقدم ترین وظیفه چپ در شرایط کنونی تلاش برای سازماندهی و همبستگی نیروهای متفرق خویش و حضور پربار و تأثیر گذار در عرصه های اجتماعی و مبارزات دمکراتیک و طبقاتی است. اتحادی که با تکیه بر ارزش های مشترک و اشتراکات متعدد شکل می گیرد، اشتراکاتی که بمراتب بیشتر و بیشتر از تفاوت ها و تضادهاست، عدالت اجتماعی و دمکراسی ارکان اصلی این اتحاد خواهد بود. اتحادی که برای شکل گیری آن نیازی به پرده پوشی اختلافات و تفاوت ها نیست.

جمعی از هواداران سازمان فداییان خلق ایران - اکثریت (داخل کشور)

گفتاری پیرامون جنبش زنان

زنان همواره پیشتاز مبارزه برای عدالت اجتماعی و آزادی و دموکراسی بوده اند. توانائی و پتانسیل آنان در مبارزه بر علیه قوانین زن ستیز و ارتجاعی رژیم اسلامی بسیار فراتر است. نگاهی به جنبش زنان حاکی از حضور انکارناپذیر آنان در تحولات جاری دارد و بیانگر دستاوردهای عظیم مبارزاتی و نقش تاریخی زنان در جنبش های اجتماعی و سیاسی و در تمامی عرصه های زندگی، در کار و تولید، آموزش و تحصیل، ورزش و ... می باشد. خصلت و ماهیت اصلی و اساسی این جنبش سیاسی - اجتماعی، طبقاتی بودن آن است. اعتراض زنان همواره اعتراض جامعه بر علیه نابرابری، سرکوب آزادی های سیاسی و مدنی، سنت، نگرش جنسی و فرهنگ جامعه بوده است.

از ویژگی های مهم جنبش زنان میهن مان، می توان به مبارزه زنان برای دستیابی به حقوق برابر و شکستن ساختارهای کهنه و ایجاد ساختاری نو در راستای تحقق عدالت اجتماعی، برابر حقوقی و اجتماعی زنان با مردان و تأمین و تضمین آزادیهای دموکراتیک اجتماعی و سیاسی در جامعه اشاره نمود. این مبارزه برای شکل گیری موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برابر در جامعه ضرورت داشته و باید طالب در پیش گرفتن شیوه هایی از مبارزه شود که ضمن کمک به تداوم مبارزه، مبارزه ای بدون خشونت و گام به گام را پیش برد و امکان ارتباط گیری منطقی، سریع، ساده و آسان جنبش مبارزاتی زنان با توده زنان و سایر جنبشهای اجتماعی (کارگری، دانشجویی، دانش آموزی و ...) را میسر سازد. سرزندگی و پویایی و توانمندی این جنبش در پیوند با سایر جنبشهای اجتماعی میتواند بر هویت و سبک مبارزاتی زنان تأثیر بگذارد.

و نقش این ارتباط گریها، یاری به جنبش زنان در پیشبرد اهداف مبارزاتی اش خواهد بود. بدون شک هویت اصلی و اساسی جنبش زنان در ماهیت عدالت طلبانه و دموکراتیک آن است که با همه گیر و توده ای شدن مبارزه هر چه بیشتر تعمیق می یابد. جنبش زنان جدا و مستقل از جنبش مبارزاتی مردم ایران نبوده و نیست، و تداوم و تلفیق این جنبش با جنبش اجتماعی، در واقع درس آموزی از تجربیات و واقعیت هاست که متقابلاً به تقویت جنبش مبارزاتی مردم نیز خواهد انجامید.

اگر جنبش زنان بدنبال پویایی و سرزندگی است، مطمئناً یکی از اهداف مهم و عمده این جنبش باید برطرف کردن عوارض و عارضه های ناشی از سیستم سرمایه داری باشد. جهانی شدن و انباشت ثنولبرالی سرمایه به بزرگترین بحران اقتصادی نظام سرمایه در طول تاریخ گذشته سرمایه داری منجر شده است، بحرانی که همچنان بیکاری و نابرابری، فقر و گرسنگی را در ابعاد فاجعه بار، در سراسر جهان دامن میزند. پدیده ای که زنان را بیش از دیگران تحت تأثیر مخرب خود قرار می دهد و جنبش زنان نمی تواند به چنین واقعیتی بی تفاوت باشد.

جمهوری اسلامی در طول حیات خود با ایجاد موانعی متعدد، در صدد اعمال محدودیت های بیشتری برای زنان در دستیابی و مشارکت آنان در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هنری و ورزشی و ... بوده و سعی در به عقب راندن جنبش مطالباتی زنان داشته است. زنان برای خارج شدن از زیر بار سنت های مردسالارانه بومی و محلی، جنسیتی و دینی، ناچار به گذار از استبداد سنتی مذهبی و ارتجاعی بر آمده از حاکمیت ولایت فقیه جمهوری اسلامی و تغییر در ساختارهای نظام موجود هستند.

اسلامی با استفاده از شیوه های پلیسی و ایجاد رعب و وحشت، با وحشی گری تمام، خشونت و سرکوب و با ایجاد فضای فرهنگی برگرفته از استبداد دینی، جنبه های غیر انسانی و تبعیض آمیز علیه زنان را با القاعات و ارزشهای سنتی و مذهبی پیوند داده و بسیاری از زنان را به این باور برساند که حق برخورداری از حقوق خود و تصمیم گیری در مورد خود را ندارند. نتیجه منطقی چنین فرایندی آن بوده که حس نابرابری در زنان نهادینه شود، بطوریکه جنس و شهروند درجه دوم بودن را قبول کنند. تا رشد سالم و طبیعی جامعه با دشواری مواجه گردیده و به تضعیف نقش و جایگاه زنان در جامعه منجر شود.

قوانین و دستورالعمل های جمهوری اسلامی برای زنان، زنانی که بیشتر آنها تحت تأثیر سنت و مذهب اند و بنوعی سرسپرده گی به سنت و مذهب دارند، در بیشتر عرصه ها افکار و فرهنگ زن ستیزی توسط خود زنان در جامعه پیشبرده می شود. در این بین طرحهایی همچون طرح تفکیک جنسیتی، لایحه حمایت از سکوت و سرکوب حقوق زنان از سوی محافل ارتجاع دینی تدارک دیده میشوند، به واسطه روحانیت و دین تایید و مشروعیت می یابند. به وجود آمدن درک عمیق و مشترک در میان فعالان جنبش زنان و متحدان آنها، در شناخت و چگونگی عملکرد جمهوری اسلامی و بنیادگرایی دینی و افراط گرایانه آن در تخریب بنیادین حقوق زنان و حقوق انسانی ضروری است. این امر به همکاری و بسیج نیرو برای اصلی ترین چالشهای پیش روی زنان در ریشه کن کردن و تغییر ارزش ها و هنجارهای موجود خواهد انجامید.

جمهوری اسلامی با دخالت دادن قوانین مذهبی بر زندگی زنان، فرهنگ زن ستیزانه ای را بر جامعه تحمیل می کند، که متاثر از باورهای دینی است. محور مبارزات زنان برای طرد استبداد و ارتجاع دینی، برای تأمین حقوق دموکراتیک، تحقق حقوق سرکوب و پایمال شده خود بوده، بطوریکه مقاومت آنان در برابر حاکمیت دینی و در برابر فرهنگ زن ستیزانه به اشکال مختلف موجب عقب نشینی ارتجاع دینی شده است. در این راستا استفاده از تمامی ظرفیت ها و امکانات، بهره جستن از همه اهرم های ممکن برای مهار ماشین سرکوب ارتجاع دینی، تلاش برای فراگیری شدن جنبش اجتماعی و چشم انداز های آن با طرح هر چه گسترده تر خواست های زنان حول مطالبات عمومی، بسیج لایه های گوناگون زنان و خود انگیختگی زنان در برابر رژیمی که از اعمال هر گونه خشونت و وحشیگری کوتاهی نمی کند و وادار نمودن رژیم به عقب

نشینی امری مقدور و عملی است و باید بر آن پای فشرده.

جمهوری اسلامی در طول بیش از سی سال با توسل به قوانین قرون وسطائی و تبعیض آمیز، مخرب و مخالف ارتقاء نقش و جایگاه زنان در جامعه بوده و موقعیت زنان را تضعیف کرده است و با کارکردی که زن را نمادی از حقارت و زبونی می داند، بازتولید کننده و تداوم بخش تبعیض و ستم جنسی و نابرابری و عامل اصلی تضعیف کننده حقوق زنان بوده و هست. حرکت و شورش زنان برای احقاق حقوق سرکوب شده خود و برای بدست آوردن یک زندگی عرفی و مدرن، در واقع حرکت و شورش بر علیه مسلمات نظام حاکم بوده است. حکومتی که در طول این سالها و با توسل به شیوه های ریاکارانه و عوام فریبانه وانمود می کند که در جهت تأمین حقوق زنان موفق بوده است. ولی افزایش روز افزون فقر و تنگدستی بخصوص در میان خانوارهایی که زنان بعنوان سرپرست خانوار هستند، افزایش و رشد آمار طلاق که نشان از پیچیده و دشوار شدن شرایط تداوم زندگی برای زنان است، رشد بیکاری، اعتیاد و فحشا و ... به روشنی ناقص ادعاهای رژیم اسلامی است. سیاست های رژیم در مواردی که می توانست به نفع زنان باشد، به دلیل وجود باورهای زن ستیز ناکارآمد بوده، از آن جمله است بیمه زنان خانه دار که 18 میلیون زن از 8 سال پیش چشم انتظار اجرای آن هستند، که به بهانه عدم تأمین اعتبار متوقف مانده است.

تضمین حقوق زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جمهوری اسلامی را می توان در نابرابری از میزان و سهم اشتغال (طبق آمارهای رسمی اعلام شده 13% از زنان کشور صاحب فرصت شغلی بوده اند و 87% از کل اشتغال برای مردان بوده است)، عدم دسترسی زنان به درآمد مناسب و کافی از کار، تبعیض و نابرابری جنسی در محیط کار، سیاست جداسازی جنسی در محیط کار و دانشگاهها، بیکاری 33% در کشور که بیشتر جوانان را شامل شده و جوانانی که اغلب آنها تحصیل کرده هستند و زنان درصد بالائی از این بیکاران را به خود اختصاص می دهند. همه اینها پی آمد سیاست هائی است که حکومت اسلامی برای خانه نشین کردن و خارج کردن زنان از گردونه حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بکار می بندد، سیاست هائی که شرایط فاجعه باری را بر زنان تحمیل می کند.

زنان که نیمی از پیکره جامعه را تشکیل می دهند، در این مبارزه باید با دیدی باز با مسائل برخورد نمایند، با سازمانیابی و سازماندهی جمعی زنان در مبارزه برای خواست های برابرگی طلبانه و برای گشودن گره های اساسی این جنبش با نوجویی و نوگرایی و تنوع طلبی و با باورمندی در بدست آوردن مطالبات خود تلاش کنند.

درک سازماندهی و سازمانیابی زنان باید در کانون و محور اصلی خواسته های زنان قرار گیرد. این امر بدور از هر گونه آرمان خواهی یک واقعیت مهم و جدی است و در یک چشم انداز نزدیک و کلی عاملی مهم برای هویت یابی جنبش زنان می باشد. تعمیق مبارزه برای تأمین و تضمین برابر حقوقی زنان باید منطبق بر واقعیت های جاری جامعه باشد. باید ضمن پایبندی به خواسته های روشن، اقدام به ارائه یک برنامه دقیق و منسجم و واقع بینانه در به انجام رساندن این وظیفه تاریخی، در مقابله با نظامی که به لحاظ اجتماعی، واپس گرایی و تاریک اندیشی را در میان توده زنان و سایر اقشار اجتماعی شایع و رواج می دهد و در تمامی عرصه ها در ستیز با حقوق زنان و حقوق انسانهاست، نمود.

برون رفت از برخی که جمهوری اسلامی با ادعاهای پوچ و توخالی اش درست کرده و خاک سپاری ارتجاعی ترین ارزشهای دینی ضد زن، شجاعت و جسارت زیادی می طلبد. وجود نیروهای سازمانگر و سازمانهای سیاسی مجهز به دانش مبارزه و تجربه و تفکری که بتواند مبارزه را به متن جامعه و در میان توده مردم برده و راهنمای عمل نیروهای بالقوه ای باشد که سرکوب را تحمل نمی کند و خود را برای آزادی و رهایی آماده کرده اند، لازمه چنین کارزار است.

با اوج گیری مبارزات علیه جمهوری اسلامی، جنبش برابری طلبی حقوقی و جنسیتی زنان نیز دامنه و تحرک بیشتری می یابد. در چنین شرایطی جنبش سوسیالیستی می تواند نسبت به ضرورت تقویت صفوف زنان بیش از هر وقت و دوره ای اهتمام ورزیده و طرح هر چه وسیع تر مطالبات زنان را به عنوان بخشی از مبرم ترین و حیاتی ترین اولویت های مبارزه مد نظر داشته باشد، مطالباتی از قبیل:

- اعتراض به وضعیت موجود، علیه مرد سالاری و قوانین و سنن و قیود مرد سالارانه،
- مقابله با سیاست های زن ستیزانه و الغای قوانین زن ستیز،
- علیه سنگسار و برای منع آزار و خشونت جنسی،
- پایان دادن به جداسازی های جنسیتی،
- تغییر در قوانین تبعیض آمیز و تحقیر کننده،
- تأمین برابر حقوقی زنان
- تأمین امنیت اجتماعی زنان
- تأمین کار، افزایش دستمزد و دستمزد برابر در برابر کار مساوی، کاهش ساعات کار زنان کارگر و بهبود شرایط کار
- تأمین شغل و امکانات ویژه برای زنان کارگر
- تأمین دستمزد برابر در برابر کار مساوی و تقلیل ساعات کار روزانه به 40
- علیه فقر و فلاکت، عقب مانده گی، گرسنگی و تورم و
- تعطیل و گرامیادست 8 مارس روز جهانی زن و ...
- شناخت درست و علمی از مسئله زنان با کار کارشناسی و تدوین آن، کمک به ارتقاء سطح آگاهی و ریشه یابی علل تاریخی و طبقاتی، اجتماعی و فرهنگی وضعیت و نابرابری را از بدو تولد تا دم مرگ بر کرده زنان می گذارد و سازماندهی مبارزه ای مستمر، از اصلی ترین وظایف جنبش مبارزاتی زنان است. سلاح زنان در مبارزه برای رهایی از عقب ماندگی و سنت گرایی متشکل شدن است. غیر از این راهی دیگر و چاره ای دیگر نیست.

دریافتی از طریق ایمیل

رفع ستم جنسی، در گرو مبارزه علیه سرمایه

اول ماه مه و جنبش جهانی آزادی و عدالت

شیخ سرگردان هنوز بر فراز اروپاست، اما صاحب فرزندان نشده است. بر فراز خاورمیانه بال می زند. دولت های نئومپریالیستی غافلگیر و وحشت زده اند. خودکامگان می گریزند. همه شلیک می کنند. شیخ، اما، پایین تر می آید.

گم نکنیم. شیعیان بحرین از محرومان و قربانیان سیاست های اقتصادی بازاری سازی و تعدیل در بحرین اند. حکومت ایران از فرصت استفاده می کند تا موقعیت خود را تثبیت کند و گرته این دولت بسی بیش تر و تندتر و بی بازگشت تر از بحرین به راه سیاست تعدیل رفته است. آمریکا و غرب در مورد سرکوب بحرین چیزی جز برخی نصایح و توصیه های تکراری دل آشوب کن، نمی گویند. اما در مورد لیبی دست به حمله های هوایی و دریایی و موشکی می زنند. همین لیبی و قذافی در 2004 پس از رفع بحران اتمی شده بود عزیز درانه ی غرب. امپریالیسم نو این حکومت جنایتکار را مانند صدام و حکومت های دیگر سال ها تحمل و حمایت کرده است.

می گویند اوپاما رئیس جمهور دموکرات و خیرخواهی است و ربطی به دولت ها و سیاست های پیشین ندارد. این حرف از روی خامی و یا دلدادگی و تسخیر شدگی روح توسط صدای آمریکا است یا سیاست های دو پهلو انگلیس و بی بی سی، و گرته اوپاما نه تنها هیچ نقدی به گذشته نکرده است، در واقع همان راهی را می رود که پیشینیان رفتند. بگیریم این بار گفته است آمریکا مرد تتهای این بار گران نیست و بیاید تحت رهبری جمعی مان حمله کنیم. بحران اقتصادی فراگیر باید هم آمریکا چنین عمل می کرد.

مدت هاست نوبت سوریه رسیده است. حزب بعث حاکم که بشار اسد در آن، آن چنان که می نماید کاره ای نیست. در کنار علوی ها بیش ترین فشار و تبعیض را علیه مردم سوریه حتی در زادگاه اسد به کار برده است و حال نوبت واکنش مردم و سرایت آتش از طریق فتیله ی همدلی رسیده است. بگذار دولت ایران و صدا و سیما چشم و گوش خود را بچه گانه با دو "های اجتماعی دیوار صوتی را شکسته و صدای انفجار آن به گوش می رسد.

در این اثنا در اروپا، پرتغال نیز پس از ایرلند و یونان، دست ها را بالا برد و در مقابل طرح های کمک تسلیم شد. حاصل کار انتقال بار بدهی ها و بهره های آبی به دوش کارگران و خانواده ی آنان خواهد بود تا بورژوازی روموقتاً نجات دهد، گرچه هنوز امید نجات واقعی در کار نیست. بحران اروپا و آمریکا هم عامل مصیبت و جنگ افروزی است و هم می تواند فرصتی . وای اگر از این فرصت نه نیروهای مترقی بلکه خودکامگان نظامی، روحانی،

دیپلمات و تحصیل کرده گان حوزه یا نئولیبرالیسم استفاده کنند. نشانه های بی ثمری حمله نظامی ناتو به لیبی بروز کرده است. تازه این حمله جز بدنام کردن و از انتفاع ساقط کردن نیروی انقلابی درون زا چیزی در بر نداشت. در غیاب سازمان های آزادی خواه، عدالت خواه، کارگری، سوسیالیست و رادیکال، جنبش ها و انقلاب ها این چنین دست به دست می شوند و جان امنیت را می گیرند. تنها هزینه و خسارت های اقتصادی را به مردم به پا خاسته منتقل می کنند.

با این حال از این که انقلاب جهانی می شود و قرار نیست فقط سلطه ی سرمایه داری، جهانی تر شود، از این که در این هنگامه هم نئومپریالیسم و هم ارتجاع و خودکامگی داخلی دستشان رو و بنیادشان متزلزل می شود، باید امیدوار و خوشبود بود. اما خوش خیالی و به امید حرکت های خود به خودی نشستن می تواند نتیجه ی فلاکت بار، یأس و شکست به همراه . در این برهه به جای طرح شعارهای نئولیبرالی یا ضد دین و تحریک آمیز که متعصبان را قدرت می بخشد و شعارهای سطحی و تقلیل گرایانه بر ضد دین و آن عنصر حکومتی طرح شعارهای تحول پایه ای همراه با استقلال حرکت انقلابی ضروری شده است. سازماندهی برای مبارزه طولانی، به میدان آمدن گسترده و پایدار تشکل های کارگری و ابراز اعتصاب عامل پیروزی است. طرح آرزوی جامعه ی دموکراتیک و عادلانه و آزاد، به ویژه آزاد از قیدهای تازه ی نئولیبرالی و نئومپریالیستی باید پایه ریزی شود و گسترش یابد. آن ها به میدان آمده اند تا بی آن که به آثار انسان کش سیاست های تحمیلی شان اعتراف کنند جلوی بدیل مردمی و کارگری را بگیرند و طرح "نئو پسا واشنگتنی" بریزند و منابع نفتی را این بار با رضایت مردم از آن خود کنند. ارتجاع و خودکامگی نیز می کوشد بار دیگر از گرایش و تعصب مذهبی بهره بگیرد و قدرت را این دست و آن دست کند.

کار ما آگاهی رسانی، ایجاد تشکل های مردمی و طرح شعارهای نجات بخش است بی ذره ای وابسته شدن به قدرت های داخلی و جهانی. در این میان تدبیر برخی رهبران است که می تواند جنبش را از افتادن به تله برهاند و از میدان هایی که در آن دام چاله های از هر دو سوی تعبیه شده برهانند. جنبش کارگری و رهبری جنبش مردمی رابطه ی کنش و واکنشی دارند و اگر به گونه ای پویا و زایا رشد کنند، قطعاً در این کارزار و این برهه ی تاریخی از شرایط عینی بهره می برند و شرایط ذهنی توده ها را می پروراندند.

2011 (1390)

"کارگران همه ی جهان متحد شوید"

بگیریم. اما در همان حال برای جامعه ای که در آن زندگی می کنیم، و با توجه به ویژگی های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن تدبیر کنیم و تشکل بسازیم. نگذاریم نیروی اجتماعی بزرگی که برای آزادی برانگیخته شده است، در زندان، تبعید، یأس و فراموشی بماند. خواست هایمان برای تشکل، حقوق کارگری، حداقل دستمزد، یارانه ها، تأمین اجتماعی و شغلی را از جنبش مردمی جدا نکنیم و با تسلیم طلبان به ارتجاع و امپریالیسم در هر رنگ و لباسی که هستند نیامیزیم.

دریافتی از طریق ایمیل

امسال جشن اول ماه مه با سخت گیری ها و مراقبت های پلیسی بسیاری همراه تلخ و خونباری را پشت سر گذاشته ایم. کارگران، فعالان حوزه های کارگری، زنان مبارز و آزادی خواهان زیادی در پشت میله ها، به رغم محرومیت ها و تضییع ابتدایی ترین حقوق شان، امیدوارانه پذیرای حصاران شده اند. زندگی همگان خاصه آن محبوسان به جرم خواستار شدن "نان و آزادی و کار و حق حیات" هر روز خبرهایی از اعدام و دستگیری و زندانی شدن و اعتصاب غذا می شنویم. لحظه هایی به یاد ماندنی از ستاره باران مردمی خیابان ها در سال کارگری گذشته در تاریخ مان ثبت شده است.

با این وصف و با این همه رنج و ستیز در سرزمین ما، گرچه با شکوه انترناسیونالیسم و جهانی شدن مردمی فاصله داریم، اما در خاورمیانه نخستین "رقص شعله های تا بی کران پیدا" خودنمایی کرده است. در نخستین روزهای 2011 آتش بازی بزرگ جهانی شدن کارگری همه ی نور باران بازی ها و شادی ها و پایکوبی های دیگر را تحت الشعاع قرار داد. پنج ماه است، بی آن که چاه نفتی آتش بگیرد، خاورمیانه که خود روی بشکه های آتش زای نفت نشسته و همیشه مورد طمع و دسیسه و تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم بوده، منفجر شده است.

یکی از نظریه سازان سیاسی و اجتماعی، این "های اجتماعی اند که یکی یکی منفجر می شوند و از طریق فتیله های انفجاری که همان محرومان و تحقیر شدگان و آزادی خواهان منطقه هستند، به جاهای دیگر سرایت می کنند. حاصل سال ها فشار و تبعیض و اجرای سیاست های تعدیل ساختاری وابسته به نظم نوین سرمایه داری جهانی که با افتخار به عنوان جهانی سازی و پیشرفت و مدرنیزاسیون قرن بیست و یکمی تبلیغ می شد و از طریق مواجبت بگیران قلمی و کلامی و دانشگاهی به خورد روشنفکران و توده های عقیم مانده داده می شد، "های اجتماعی است. دستگاه های تبلیغ و سلطه ی دولت های بومی و سلطه گران سرمایه داری جهانی ابزار پیام رسانی روشنفکران وابسته به طبقه ی کارگر و تهی دستان و آزادیخواهان شده اند. قانون مندی دیالکتیکی در تحول اجتماعی کمتر این چنین آشکار و روشن کار کرده بود.

در این کارزار برخی پیچیدگی های سیاسی و اقتصادی جهانی نیز به صورت تضاد ها یا هم سازی ها در منطقه بروز کردند که بیشتر از هر زمان از سوی روشنفکران و مبارزان و آزادی خواهان رادیکال نیاز به توضیح برای مردم دارند. گاه چنین جلوه می کند که گویا آن چه اتفاق می افتد صف آرای آزادی خواهان نئولیبرالی علیه دولت های خود کامه ای است که وجه مشخصه شان نافرمانی نسبت به نظم غربی است. باز چنین وانمود می شود که گویا غرب در حد مقدرات و چارچوب مقررات و موازین احترام آمیز بین المللی به نفع مردم آزادی خواه و علیه خودکامگان وارد عمل شده است.

واقعیت چنین نیست. زحمت زیادی هم ندارد نشان دادن واقعیت به کسانی که با مأموریت گمراه کردن اذهان به میدان نیامده اند. آن چه در تونس مصر اتفاق افتاد، اتفاقاً علیه سیاست های نئولیبرالی و پرفشار جهانی سازی دولت ها برای اعمال روش های تعدیل ساختاری بود. مردمی که به میدان آمدند و اعتراض های ضددیکتاتوری را خود مطرح کردند، مردمی به تنگ آمده از فقر و تبعیض و آزار سیاست های تعدیل و جهت گیری افراطی آن به نفع سرمایه داری به طور عام و سرمایه داری انحصاری خصوصی و دولتی به طور خاص بودند. این مردم از رنج هایی که از سیاست های جهانی سازی و تعدیل دیدند، به پا خاستند. در این میان، البته خودکامگان محلی همانا اجرا کنندگان همین سیاست به نفع سرمایه های خودی و فامیلی بودند. تونس و مصر و اردن و تا حد زیادی هم یمن همین را نشان می دهند. البته در لیبی تفرق قبیله ای و ستم و خودکامگی دیوانه وار قذافی و خانواده اش انگیزه ای قومی به مبارزه بخشید.

آن جا نیز نیروهای ناتو به اضافه نیروهای نظامی کشورهای اروپایی به ویژه فرانسه به میدان آمدند و با اعلام ظاهری حمایت از جنبش مردمی در واقع جامعه را به جنگ داخلی و انقلاب را به سمت و سوی وابستگی به امپریالیسم کشاندند. وقایع بعدی از آثار خونبار حمله های نظامی بر علیه مردم عادی لیبی و حتی مخالفان قذافی حکایت دارد. در بحرین شیعیان در واقع همان مردم مخالف و معترض به حساب می آیند. ایران نیز در این میان دست به دخالت زده است. طرف دیگر عربستان و امارات و کویت که می بینند سلطانی از میان شیخ سلطان های خلیفه ای به خطر افتاده و عنقریب نوبت خودشان هم برسد، به یاری دولت خلیفه ای، حرمسرای، خراج گیر و تمامیت خواه برآمده اند. ظاهر قضیه شده است دفاع ایران از اکثریت عظیم مردم بحرین در مقابل حمایت ارتش شیخ های عربستان، امارات و کویت از خاندان آل خلیفه، اما حقیقت را

تحولات خاورمیانه

نقش امپریالیستها و خواست توده ها

امروز جهان ما در یکی از حساس ترین مقاطع تاریخ خود بسر می برد و اگر همچنان به حرکت در راهی که چند دولت امپریالیستی بر گزیده اند، ادامه دهد، بعید نیست تا دو- سه نسل آینده تمام دستاوردهای تمدن بشری از بین برود و جهان بار دیگر به هفتصد- هشتصد پیش باز گردد. چنین تهدیدی را تا زمانیکه نیروهای بالنده تکامل اجتماعی گامهای استوار در جهت تغییر بنیادی روابط و مناسبات اجتماعی حاکم و تعیین افق تکاملی آینده بردارند، نمی توان پندارگرایانه انگاشت.

اوضاع نابسامان اجتماعی- اقتصادی و تمیق روزافزون بحران جهانی اقتصادی- مالی نظام سرمایه داری، تشدید غارت ثروتها و استثمار لجام گسخته مردم مستعمرات، جهان ما را بار دیگر این تلاطم، از همان اولین روزهای سال میلادی با رستاخیز انقلابی مردم کشورهای استعمارزده، پیش از همه، مردم خاورمیانه و نزدیک آغاز شد و در روند تکاملی خود ابعاد گسترده ای گرفت و به طوفان انقلاب تبدیل شد. طوفانی که از کشور کوچک تونس در شمال آفریقای سیاه، قاره بردگان ستمدیده در پاسخ به زندگی ذلت بار و حقارت آمیز اکثریت عظیم انسانها در شرایط گسترش هر چه بیشتر ابعاد بیکاری، بی حقوقی و فقر مفرط در میان طبقات فرو دست بحرکت در آمد، اینک دیگر تمام کشورهای شمال آفریقا و منطقه وسیع خاورمیانه و نزدیک، از مراکش تا بحرین را در نوردیده است.

رستاخیز توده های محروم تونس بی شک نقطه عطف تاریخی جدیدی در دومین دهه قرن بیست و یکم است که آغاز حرکت دگرگون ساز در منطقه وسیع خاورمیانه و نزدیک را بشارت می دهد و اگر بتواند به پیشروی خود در مسیر طبیعی ادامه دهد، چهره جهان را بطور بنیادی تغییر . خیزش انقلابی مردم تونس و متعاقب آن، همه جنبشهای توده ای در دیگر کشورهای منطقه، عموماً ماهیت و مضمون ضد استعماری، ضد دیکتاتوری و عدالتخواهانه دارد و از شروع مرحله نوین انقلابات رهایی بخش ملی حکایت می کند که در مجموع، بخشی از مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان جهان بر علیه استثمار و امپریالیسم، بر علیه دیکتاتوری سرمایه و نظام اجتماعی- اقتصادی ناعادلانه بحساب می آید.

اینک، دیگر کمترین جای تردید باقی نمانده است که امپریالیسم جهانی بسرپرستی آمریکا از همان آغاز حرکت امواج شورانگیز توده ای در منطقه، به پشتیبانی آشکار از دیکتاتورهای دست نشانده خود برخاست و در مواجه با واقعتهای سخت، باز هم با در پیش گرفتن ناخردانه ترین رویکردها، با توسل به کودتای نظامی و دیگر متدهای مزورانه، مساعی خود را برای حفظ رژیمهای وابسته متوجه ساخت. دعوت مکرر باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا از حسنی مبارک "شنیدن صدای انقلاب مردم" و پیام نهایی او دایر بر اینکه "من امیدوارم ارتش مصر، در کشور آرامش بر قرار نماید"، در ادبیات سیاسی معنایی جز صدور فرمان کودتا ندارد و خود این پیام، یکی از شاخص ترین نمونه های عزم امپریالیسم برای دفاع از منافع استعماری غرب و رژیمهای حاکم مستعمرات می باشد.

رستاخیز انقلابی مردم منطقه و چگونگی برخورد امپریالیسم و ارتجاع محلی به آن، از کودتای نظامی در تونس و مصر و تداوم سرکوب خونین بیا خاستگان دیگر کشورها گرفته تا لشکرکشی به بحرین و برافروختن آتش جنگ داخلی در لیبی و تهاجم نظامی به این کشور، تمام افسانه های دروغین سفسطه بازان بورژوازی پیرامون پشتیبانی دولتهای امپریالیستی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا از دمکراسی و حقوق بشر را بار دیگر افشاء کرد و نقش دول استعمارگر را بعنوان بانی و پشتیبان اصلی رژیمهای ارتجاعی و دیکتاتوری در منطقه خاور میانه و نزدیک، بطور کلی در تمام جهان، بطور انکار ناپذیری ثابت کرد.

هر چند که خیزش غیرمنتظره توده های ستمدیده تونس و سپس مصر توانست در طول کمتر از یک ماه امپریالیسم جهانی را به برکناری زین العابدین بن علی و حسنی مبارک، سران رژیمهای دیکتاتوری تحت الحمایه آمریکا وادار نماید اما، تا کنون بموقفیت قابل توجهی نه در این کشورهای و نه در دیگر کشورهای منطقه دست نیافته و موجب تحول اساسی نشده اند.

مردمی در مصر و تونس با کودتای نظامی به انقیاد کشیده شد. در بحرین با تهاجم نظامیان خارجی سرکوب می شود و در لیبی به جنگ داخلی و حمله ماشین جنگی امپریالیسم منجر گردیده است. اعتراضات مردمی همه در همه کشورهای منطقه ادامه دارد. در یمن، اردن، عربستان سعودی، عمان، مراکش، الجزایر معترضین با شدت تمام سرکوب می شود. بنظر می رسد این ناکامی ها از دو علت اساسی ناشی می شود: اولی، نبود تئوری، برنامه و تشکیلات انقلابی رهبری کننده جنبشهای توده ای و دومی، در فقدان آنها، تأثیرگذاری و نقش آفرینی

امپریالیسم در به انحراف کشاندن این جنبشها. در همین ارتباط، بنظر می رسد آشنایی ولو مختصر با تاریخ و جغرافیای منطقه ناآرام خاورمیانه و نزدیک و به تبع آن، درک موقعیت ژئوپلیتیک و اهمیت ثروتهای طبیعی آن برای ادامه حیات استعمار امپریالیستی، ضرورت جدی

مهمترین مسئله این است که منطقه خاورمیانه و نزدیک به دو دلیل روشن: یکی، بخاطر موقعیت ژئوپلیتیک و دومی به سبب ثروتهای طبیعی هنگفت خود، همیشه برای استثمار امپریالیستی اهمیت حیاتی داشته و کماکان بعد از این نیز خواهد داشت.

البته این منطقه علاوه بر دلایل فوق، نه تنها امروز، بلکه از همان بدو تاریخ، از عهد باستان نیز همیشه در مرکز توجه انسان بوده است. زیرا، کشاورزی در این منطقه قبل از هر نقطه دیگر . این منطقه در عین حال، مهد تمدن بشری و آغاز شهرنشینی نیز بشمار می رود. دولتهای عهد باستان در مصر، بین النحرین و پارس در این منطقه پا به عرصه . سه دین بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام نیز در همین منطقه تولد یافتند.

رواج و بسط اسلام در قرنهای هفتم و هشتم، این منطقه را عملاً به سرزمینهای اسلامی بدل ساخت و پس از آنکه از اوایل قرن هیجدهم پای تاجران و سیاستمداران اروپایی به منطقه خاورمیانه و نزدیک باز شد، بتدریج تابع منافع استعماری قدرتهای بزرگ، پیش از همه فرانسه و انگلستان گردید. حتی پس از خروج ظاهری این قدرتها از منطقه، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز آن، بهانه مناسبی برای جنگهای پیاپی و حضور سیاسی، اقتصادی و نظامی دائمی غرب این بار در سیمای ایالات متحده آمریکا در این منطقه گردید. این واقعیت را محافل حاکمه امپریالیستهای اروپا و آمریکا با این سخن بیان می کنند که: "نفت و گاز منطقه خاورمیانه و نزدیک . منتها در زیر خاک مسلمانان ذخیره شده است".

تبلیغات و تلاشهای ساهلای اخیر امپریالیسم برای برابر سازی اسلام و تروریسم نیز همین است و هدف اصلی آن، سازماندهی تهاجم گسترده تر بر این منطقه، تحت عنوان مبارزه با تروریسم و اعمال کنترل کامل بر منابع نفت و گاز آن می باشد.

بمنظور آشنایی بیشتر با منطقه خاورمیانه و نزدیک، لازم به یادآوریست، که این نام به بخش وسیعی از خاک کره زمین اطلاق می شود که حلقه ارتباطی بین سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا می . این منطقه بانضمام بخش شرقی آبهای دریای مدیترانه، دریای سرخ و خلیج فارس، اراضی وسیعی را که از جنوب به صحراهای آفریقا، از شمال تا دریای سیاه و دریای خزر، از شرق تا شبه قاره هند و از غرب، به دریای اژه محدود می شود، در بر می گیرد. همین موقعیت جغرافیایی استثنائی منطقه از اهمیت ژئوپلیتیک آن حکایت می کند.

برخی صاحبنظران معمولاً مصر و کشورهای عربی شمال آفریقا از جمله مراکش، الجزایر، تونس، لیبی و سودان و همچنین اسرائیل، ترکیه و ایران را نیز جزء کشورهای خاورمیانه و نزدیک بحساب می آورند. برخی ها دیگر حتی پا را فراتر گذاشته، از کشورهای افغانستان، پاکستان و قبرس نیز بعنوان بخشی از منطقه خاورمیانه و نزدیک نام می برند.

منطقه خاورمیانه و نزدیک که در حال حاضر بیش از دو سوم نفت و گاز جهان را تأمین می کند، دارای ذخایر سرشار نفت و گاز می باشد. در حدود دو سوم از ذخایر نفت و تقریباً نیمی از ذخایر گاز جهان در زیر خاک منطقه خاورمیانه ذخیره شده است. طبق بررسی های بعمل آمده، تنها کشورهای حوزه خلیج فارس قادرند در حدود یک سوم نفت مورد نیاز جهان را تولید کنند.

اگر این را هم در نظر بگیریم که انفجار در چهار راکتور اتمی ژاپن در اثر زلزله و سونامی ماه مارس کاتالیانوری شد برای هر چه برجسته تر نشان دادن اهمیت مواد انرژی زای فسیلی، از جمله نفت و گاز و به تبع آن تشدید دخالتها و تأثیرگذاری های امپریالیسم برای سرکوب و منحرف ساختن خیزشهای مردمی منطقه بمنظور تحکیم موقعیت استعماری خود، چندان بیراهه نرفته ایم.

با توجه به اهمیت کلیدی اقتصاد و با درک پتانسیل اقتصادی منطقه، بویژه با در نظر گرفتن موقعیت استراتژیک آن بعنوان محل تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و در کنار همه اینها، با توجه به اهمیت کانال سوئز بمثابه شاهگر ارتباطی بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند، ماهیت و علت واقعی همه تلاشهای دول استعمارگر برای حفاظت از منافع استیلاگرانه خود در این منطقه، با وضوح تمام نمایان می شود.

تاریخ نفت در این منطقه، لازم به یادآوریست که تاریخ آن با برنامه مشهور نیروی دریایی امپراطوری انگلیس در جنگ جهانی اول دایر بر استفاده از نفت بعنوان نوع جدید سوخت در کشتی های جنگی بجای زغال، یعنی بهره گیری از موتورهای دیزلی بجای دیگهای بخار آغاز می شود. بسیار طبیعی که این جایگزینی، برتری استراتژیکی قابل ملاحظه ای برای نیروهای دریایی بریتانیا را در پی داشت. از آن زمان تا کنون، منطقه نفت خیز خاورمیانه و نزدیک بعنوان مهمترین منطقه اقتصادی استراتژیک به صحنه مناقشه بین قدرتهای بزرگ بدل . اما این تنها نفت نیست که چنین سرنوشت ناهنجاری را برای منطقه رقم زده است بلکه، بگواهی تاریخ، پیش از کشف نفت نیز، موقعیت ژئوپلیتیک این منطقه بمثابه حلقه اتصال بین . عبارت دیگر، منطقه خاورمیانه و نزدیک با نفت و یا

یاد یاران یاد باد



چهاردهم اسفند سالروز درگذشت مصدق در تبعید

45 سال پیش در 14 اسفند دکتر محمد مصدق، نخست وزیر سابق ایران که در دوران نخست وزیریش صنعت نفت را ملی کرد و با دولت انگلستان قطع رابطه نمود، در شرایطی که در روستای احمد آباد در تبعید بود، در سن 85 سالگی درگذشت. شاید پهلوی پسر وصیت پدر را در تبعید مصدق به روستای احمدآباد آویزه گوش کرده بود، که سال ها پیش از آن گفته بود: "احمدآباد را به مصدق بدهید و بروید در آنجا بمیرد". و مصدق در احمد آباد و البته در تبعید مرد. از زمانهای دور سناریوی دیکتاتورهای دربار ایران این گونه نوشته می شد و بدین سان هم به اجرا در می آمد. پیش تر نسخه هایی برای کسان دیگری پیچیده شده بود. عباس میرزا را به هرات تبعید کردند، در فین کاشان رگ میرزا تقی خان امیر کبیر را زدند. 1332 نسخه مشابهی برای دکتر محمد مصدق پیچیدند. به آن هنگام که سایه تاریک و سیاه جلاد دربار ناصری بر سر میرزا تقی خان امیرکبیر افتاد، آن سیاستمدار فرهیخته و پیشرو عصر خویش جمله ای را بواسطه دژخیم جان ستان به شاه جفاییشه و ستمگر ارسال داشت: " بُرو به ناصرالدین بگو دارالفنونی تأسیس نمودم که از هر آجرش یک امیرکبیر بیرون خواهد آمد." بعد تاریخ تکرار شد و نظیر این جمله را زنده یاد دکتر محمد مصدق در دادگاه فرمایشی پس از کودتای ننگین و ضد مردمی 28 مرداد به آزمون جیره خوار، دادستان نظامی شاه گفت: " بگو نسلی تربیت کردم که روزگاری با گریه از کشور بیرون خواهند کرد."

دو سه روزی پیش و پس شد و نه از جور فلک
بر سکندر نیز بگذشت آنچه بر دارا گذشت



پیش بینی مصدق پس از 25 سال جامه عمل پوشید و در دی ماه 1357 آن شیر بی یال و دم چون یتیمی زار و گریان برای همیشه سوار بر هواپیما از ایران گریخت.

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد
زمانه را سندی، دفتری، دیوانی است

مصدق اسطوره شد و در تاریخ ملتی ابدی گشت. مردم میهنمان همواره از او به نیکی یاد خواهند نمود ولی در مورد کسانی که در پی برانداختن او آمدند و ملتی را به سُخره گرفتند، و حاصل دهها سال مبارزه مردمی را به بهایی اندک فروختند، مطمئناً بگونه ای دیگر قضاوت تاریخ آنها را هم بیاد خواهد داشت و در مورد آنان نیز قضاوت خواهد نمود.

فرقی است از زمین تا آسمان در قضاوت توده ها نسبت به این دو؛
باری چو فسانه می شوی ای بخرد
افسانه نیک شو نه افسانه بد

مصدق در آخرین سالهای عمر در بین مردمی زندگی کرد که دوستشان می داشت، هر چند به تبعید. او برای روستائیان زمین داد، با آنها زندگی نمود و برای فرزندانمان مدرسه ساخت و سالهای سال در حصر و حدود بسر برد ولی هیچ وقت در مقابل سکندرهایی زمان سکندری نخورد. سر بالا و سینه ستر از باورهاش دفاع نمود و با چپاول گران و خودکامگان پنجه در پنجه انداخت.

مردم همواره از کسانی که مصالح عموم را بر منافع شخصی ترجیح دادند و در پیش برد اهداف ملت و مملکت به هیچ سازشی تن ندادند و برایاستقلال و آزادی ایران زمین و بهروزی توده ها از همه چیزشان گذشتند، به نیکی یاد خواهند نمود. دکتر محمد مصدق یکی از بارزترین این افراد می باشد. یادش گرامی راهش پر رهرو باد.

"بیاد بیاور که من هرگز از عقایدم رو برنگرداندم"

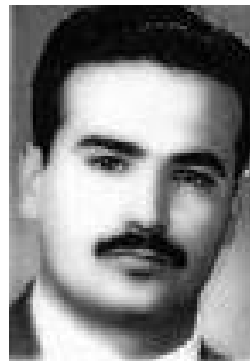
به یاد رفیق "مجتبی مطلع سراب"

در بیست و دومین سالگرد شهادتش 21 فروردین 1368

"من پیوسته از عقایدم دفاع کرده ام و گفته ام ما برای آزادی، صلح و عدالت اجتماعی مبارزه کرده ایم و این مبارزه ای بر حق است و من هنوز به این ها پای بندم. در مورد فلسفه و دین هم نظرم را همانگونه که بوده نوشته ام..." "هر چه پیش آمد بیاد بیاور که من هرگز از عقایدم رو برنگرداندم."

36 مین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی یاد

رفیق بیژن جزنی



یارانش را گرامی می داریم

بگو به میهن، که خون بیژن

چه سان شراره دمید

29 فروردین هر سال یادآور کشتار جنایتکارانه رفیق بیژن جزنی به همراه هشت زندانی دیگر حسن ضیا ظریفی، عباس سورکی، محمد چوپان زاده، سعید کلانتری، عزیز ستمدی، احمد جلیل افشار و دو مجاهد خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان 1354 توسط رژیم پهلوی، در تپه های اوین است. با کشته شدن رفیق بیژن جزنی و یارانش سازمان بزرگترین تئوریسین ها و رهبران خود را از دست

احتمالاً اگر رفیق بژن جزنی و بسیاری از کادرها و رهبران سازمان امروز زنده بودند، بسان هر انسانی تغییر و تحولی در افکار و بینش هایشان حاصل شده بود. یقین که از شیوه های مبارزاتی خود در دهه 40-50 فاصله می گرفتند. اما تصور این که آنان بجای مبارزه علیه نظام سرمایه داری و امپریالیسم جهانی بدنبال کشف ظرفیت های باقی مانده سرمایه داری می گشتند، دور از ذهن است.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد